

# فهرست

شهرآه صغیر

عنوان

درس

## عربی لاهم

۸	..... ذاك هو الله	الدُّرسُ الأوَّلُ
۳۷	..... المَواظِبُ العَدَدِيَّةُ	الدُّرسُ الثَّانِي
۵۶	..... مَطَرُ السَّمَكِ - التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ	الدُّرسُ الثَّالِثُ و الرَّابِعُ
۸۵	..... هذا خَلَقَ اللهُ	الدُّرسُ الخَامِسُ
۱۱۰	..... ذُو القَرْنَيْنِ	الدُّرسُ السَّادِسُ
۱۳۲	..... يا مَنْ في البَحْرِ عَجائِبُهُ	الدُّرسُ السَّابِعُ
۱۵۰	..... صِناعَةُ التَّلْمِيحِ في الأَدبِ الفَارِسِيِّ	الدُّرسُ الثَّامِنُ

## عربی یانر لاهم

۱۶۹	..... مِنْ آيَاتِ الأَخلاقِ	الدُّرسُ الأوَّلُ
۱۹۰	..... في مَحْضَرِ المُعَلِّمِ	الدُّرسُ الثَّانِي
۲۱۰	..... عَجائِبُ الأشجارِ	الدُّرسُ الثَّالِثُ
۲۲۸	..... آدابُ الكَلامِ	الدُّرسُ الرَّابِعُ
۲۴۶	..... الكِذْبُ مِفْتاحُ لِكُلِّ شَرٍّ	الدُّرسُ الخَامِسُ
۲۶۶	..... أَنه ماري شيمَل	الدُّرسُ السَّادِسُ
۲۸۵	..... تَأثيرُ اللُّغَةِ الفَارِسِيَّةِ عَلى اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ	الدُّرسُ السَّابِعُ

## عربی دو انر لاهم

۳۰۶	..... الأَدِينُ وَ التَّدْبِيرُ	الدُّرسُ الأوَّلُ
۳۲۹	..... مَكَّةُ المُكْرَمَةُ وَ المَدِينَةُ المُنَوَّرَةُ	الدُّرسُ الثَّانِي
۳۵۰	..... الكُتُبُ طَعامُ الفِكرِ	الدُّرسُ الثَّالِثُ
۳۷۲	..... الفَرَزْدَقُ	الدُّرسُ الرَّابِعُ
۳۹۲	.....	درک مطلب
۴۲۵	.....	پاسخ نامه تشریحی
۶۳۶	.....	پاسخ نامه کلیدی

# مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

## اسْمُ التَّفْضِيلِ وَاسْمُ الْمَكَانِ

### أوزان الأسماء

یاد گرفتیم که وزن اسم‌ها در ترجمه آن‌ها تأثیرگذار است و در همین رابطه با اسم فاعل و اسم مفعول و اسم مبالغه آشنا شدیم که خلاصه آن در جدول زیر آمده است:

شاعر، حافظه، عالِمات، صادقین و ...	اسم فاعل	ثلاثی مجرد	وزن فاعِل
هادی، شاکي، ساعي، راعي و ... (فاعي)			
آخر، آيسف، أمير، آجل و ... (أفِل)			
جمع مکسر فُعَال ← کَفَار، حُرَّاس، تُجَّار و ... فُعَلَة ← طَلَبَة، خَدَمَة، کَفَرَة و ... فُعَلَاء ← شُعراء، فُضلاء، صُلحاء و ...			
مُفید، مُکبِّر، مُتقدِّم، مُستخدم	ثلاثی مزید	مُ... ـ ←	
مَعروف، مشهورة، مظلومين، مخلوقات و ...	اسم مفعول	ثلاثی مجرد	وزن مَفْعُول
مَهدي، مَرَضِي، مَخْفِي و ... (مَفْعِي)			
جمع مکسر ← مَفَاعِيل ← مَفَاهِيم، مَحَاصِيل، مَشَاهِير و ...			
مُطَهَّر، مُحْتَرَم، مُنْزَل و ...	ثلاثی مزید	مُ... ـ ←	

عَلَام، شَكَاك، رَزَاق، كَذَاب، سِتَار و ...	وزن فَعَال ←	اسم مبالغه
فَهَامَة، عَلَامَة، حَتَانَة و ...	وزن فَعَالَة ←	

**تذکر** مصدرهایی که بر وزن «مفاعلة» هستند را با اسم مفعول اشتباه نگیریم، مثلاً «مجاهدة، مناسبة و ...».

**تذکر** اگر وزن‌های «فَعَال» یا «فَعَالَة» بر شغل یا وسیله‌ای دلالت کنند باز هم آن را اسم مبالغه به حساب می‌آوریم:

«فَتَاحة (دربازکن) - ثَلَاجة (یخچال) - فَلَاح (کشاورز) - خَبَاز (نانوا) و ...»

- پیشخوان** ① اسم تفضیل با چه وزن‌هایی ساخته می‌شود؟!  
 ② اسم‌های تفضیل خاص کدام‌اند؟!  
 ⑤ اسم‌های تفضیل را چگونه ترجمه کنیم؟!  
 ⑦ اسم مشتق چگونه اسمی است?!

و حالا در ادامه این بحث می‌خواهیم وزن‌ها و ساختارهای جدیدی را بشناسیم که در ترجمه اسم‌ها تأثیر دارد.

## اسم تفضیل

به جملات زیر دقت کنید: ① علی از دوستان خود **داناتر** است. ② این ماشین **زیباترین** ماشین‌های جهان است. گاهی می‌خواهیم بین انسان‌ها یا اشیاء، مقایسه‌ای انجام بدهیم تا بدانیم کدام‌یک برتر هستند. در زبان فارسی برای این کار از صفت عالی یا صفت تفضیلی کمک می‌گیریم و در زبان عربی از اسم تفضیل برای این کار استفاده می‌شود.

برای ساخت اسم تفضیل در عربی از وزن‌های زیر استفاده می‌کنیم.

**أفْعَل** (برای مذکر) ← **أجْمَل** (زیباتر، زیباترین)، **أفْضَل** (برتر، برترین)، **أکْرَم** (گرامی‌تر، گرامی‌ترین) و ...  
**فَعْلَى** (برای مؤنث) ← **حُسْنَى**، **عُظْمَى**، **دُنْیا** و ...

پس برای نوشتن همان جملات به زبان عربی به روش زیر عمل می‌کنیم:

- ① **عَلِيٌّ أَغْلَمُ مِنْ أَصْدِقَائِهِ!**  
 ② **هَذِهِ السَّيَّارَةُ أَجْمَلُ السَّيَّارَاتِ فِي الْعَالَمِ!**

**تست** عین ما لیس فیہ اسم التفضیل:

(۱) ﴿لله الأسماء الحسنى﴾ (۲) الدنیا مزرعة الآخرة! (۳) ﴿و جزاء سیئة سیئة مثلها﴾ (۴) ﴿ولکن أكثر الناس لا یعلمون﴾  
**پاسخ** گزینه «۳» در این گزینه، کلمه‌ای بر وزن **أفعل** یا **فعلی** دیده نمی‌شود، ولی در گزینه‌های دیگر:  
 گزینه (۱): «حسنى» بر وزن «فعلی» و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «الدنیا» بر وزن «فعلی» و اسم تفضیل است. / گزینه (۴): «أكثر» بر وزن «أفعل» و اسم تفضیل است.

**نکات تکمیلی**

۱ اسم‌های تفضیل ممکن است با کمی تغییر ظاهری در جمله حضور پیدا کنند، یعنی با وزن‌های زیر دیده می‌شوند:  
 ✓ **أفل** ← **أهم** (مهم‌تر، مهم‌ترین)، **أحب** (محبوب‌تر، محبوب‌ترین)، **أجل** (باشکوه‌تر، باشکوه‌ترین) و ...  
 ✓ **أفعی** ← **أعلی** (بالتر، بالاترین)، **أعلی** (گران‌تر، گران‌ترین)، **أخفی** (پنهان‌تر، پنهان‌ترین) و ...  
**تذکر** کلماتی که بر وزن «أفعی» هستند اگر به یک ضمیر متصل شوند، «الف» آن‌ها به صورت کشیده نوشته می‌شود، یعنی به صورت «أفعا» دیده می‌شوند.  
**مثال** **أنقی** + کم ← **أنقاکم**

**تست** عین عبارة لیس فیها اسم التفضیل:

(۱) من أهم أسباب قطع التواصل بين الناس، الغيبة!  
 (۲) إن الله يحب بين العبادات أخفاها!  
 (۳) الجهل أشد الأمراض للمجتمع!  
 (۴) رأيتُ إحدى زميلاتي في معرض الكتاب!  
**پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، اسمی که بر وزن «أفعل» یا «فعلی» باشد، دیده نمی‌شود. دقت کنید که «إحدى» با کسر شروع شده و اسم تفضیل نیست.  
**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «أهم» بر وزن «أفل» بوده و اسم تفضیل است. / گزینه (۲): «أخفاها» در اصل «أخفی + ها» بوده، پس «أخفی» بر وزن «أفعی» یک اسم تفضیل است. / گزینه (۳): «أشد» بر وزن «أفل» یک اسم تفضیل است.

۱ اسم‌های تفضیلی که بر وزن «أفعل» هستند معمولاً بر وزن «أفعل» جمع بسته می‌شوند.

**مثال** **أكبر جمع** ← **أكابر**      **أعظم جمع** ← **أعظیم**      **أفضل جمع** ← **أفاضل**

۲ در زبان عربی بیشتر رنگ‌ها و برخی عیب‌ها در حالت مذکر بر وزن «أفعل» و در حالت مؤنث بر وزن «فَعلاء» آورده می‌شود. این کلمات را نباید اسم تفضیل بگیریم.

**مثال** • **رنگ** ← **أخضر** (خضراء): سبز - **أحمر** (حمراء): سرخ - **أزرق** (زرقاء): آبی - **أصفر** (صفراء): زرد و ...  
 • **عیب** ← **أحمق** (حمقاء) - **أعمى** (عمياء): نابینا - **أبكم** (بكماء): لال و ...

**جمع‌بندی**

با اطلاعاتی که تا الان به دست آوردیم، با چند نوع «أفعل» آشنا شدیم که هر کدام کاربرد و معنای خاص خود را دارد و باید بتوانیم آن‌ها را در جملات از هم تشخیص بدهیم.

اسم تفضیل } اسم  
 عیب و رنگ }  
 فعل ماضی }  
 فعل مضارع }

• با «تر» یا «ترین» ترجمه می‌شود.  
 • مؤنث آن بر وزن «فعلی» است.  
 • به یک رنگ یا عیب دلالت دارد.  
 • مؤنث آن بر وزن «فَعلاء» است.  
 • از باب «إفعال» است.  
 • مربوط به صیغه «هو» می‌باشد. **مثال** ← **أرسل**، **أصبح**، **أمطر** و ...  
 • ثلاثی مجرد است.  
 • مربوط به «أنا» می‌باشد. **مثال** ← **أذهب**، **أعلم** و ...

**مثال** ① ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾ ← با توجه به معنای آیه و وجود ضمیر «ي» (من) مشخص می‌شود که «أعلم» فعل مضارع است: «من می‌دانم آن چه را که شما نمی‌دانید».  
 ② ﴿هو الذي أرسل رسوله بالهدى﴾ ← با توجه به معنای آیه شریفه و وجود ضمیر «هو» مشخص می‌شود که «أرسل» فعل ماضی است، «او کسی است که پیامبرش را با هدایت فرستاد».

**تست** عین ما فیہ اسم التفضیل:

(۱) إشتري أبي لأختي الصغيرة أساور من ذهب!  
 (۲) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من العقل!  
 (۳) لاعبو هذا الفريق لهم ثوب أخضر!  
 (۴) أصبح مطر السمك ظاهرة تحير الناس!  
**پاسخ** گزینه «۲» بر وزن **أفضل** بوده و اسم تفضیل به حساب می‌آید.  
**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «أساور» ظاهراً بر وزن «أفعل» است اما این کلمه، جمع «سوار» به معنای «دستبند» است و اسم تفضیل به حساب نمی‌آید. / گزینه (۳): «أخضر» به معنای «رنگ سبز» است و اسم تفضیل نیست. / گزینه (۴): «أصبح» فعل ماضی و به معنای «شد» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیریم.

۲ کلمه «آخِر» اسم تفضیل به حساب می‌آید و مؤنث آن «أُخْرَى» است؛ سعی کنید تفاوت آن را با «آخِر» به خاطر بسپارید.

آخر	آخر	
اسم فاعل	اسم تفضیل	نوع کلمه
پایان	دیگر	ترجمه
أخْرَة	أُخْرَى	مؤنث

۵ برای مقایسه میان مؤنث‌ها هم از وزنِ أَفْعَل استفاده می‌کنیم.

**مثال** مريم أَعْلَمُ مِن فاطمة.

اما اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت یک اسم مؤنث به کار ببریم، غالباً از همان وزنِ «فَعْلَى» کمک می‌گیریم.

**مثال** • دانش‌آموز دیگر

تلمیذ آخر	}
مُتَّكِر	
تلمیذة أُخْرَى	

• برادر بزرگ‌تر ← الأخ الأكبر

• خواهر بزرگ‌تر ← الأخت الكبیرة

**تست** عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ: «أُخْتِي ..... تَعْمَلُ فِي الْمَسْتَشْفَى وَ تَخْدُمُ الْمَرْضَى!»:

۱) الكبير ۲) الآخر ۳) الثاني ۴) الكبیرة

**پاسخ** گزینه «۴» می‌خواهیم برای «أخت» صفت بیاوریم پس باید صفت آن مؤنث باشد. در بین گزینه‌ها تنها «الکبیرة» مؤنث است: «خواهر بزرگ‌تر» در بیمارستان کار می‌کند و به بیماران خدمت می‌کند.

### خیر و شر

دو کلمه «خَيْر» و «شَر» با این‌که بر وزنِ «أفْعَل» نیستند اما گاهی اسم تفضیل به حساب می‌آیند. برای تشخیص این مورد باید طبق دستور زیر عمل کنیم: اگر کلمه «خیر» در جمله، معنای «بهتر یا بهترین» و کلمه «شر» معنای «بدتر یا بدترین» بدهد، اسم تفضیل به حساب می‌آید.

**مثال** • تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً (ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال بهتر است).

در این عبارت «خیر» معنای «بهتر» می‌دهد پس اسم تفضیل است.

• ﴿مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ (هر کس ذره‌اندکی خوبی انجام بدهد، آن را می‌بیند).

در این عبارت، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست.

**تست** عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

۱) الوحدة خير من جليس السوء! ۲) خير الناس من له خلق حسن! ۳) من دعاك إلى الخير فهو صديقك! ۴) هذا خير عمل يحبه الله و رسوله!

**پاسخ** گزینه «۳» در این گزینه، «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد، پس اسم تفضیل نیست: «هر کس تو را به خوبی دعوت کند، دوست توست». در سایر گزینه‌ها «خیر» معنای «بهتر» یا «بهترین» می‌دهد پس اسم تفضیل است:

گزینه (۱): تنهایی بهتر از همنشین بد است! / گزینه (۲): بهترین مردم کسی است که اخلاق نیک داشته باشد! / گزینه (۴): این بهترین کاری است که خداوند و فرستاده‌اش آن را دوست دارند!

**نکات تکمیلی**

۱) اگر بعد از «خیر» یا «شر» حرف «من» آمده باشد، می‌توانیم بدون ترجمه بگوییم اسم تفضیل هستند.

۲) «خیر» و «شر» اگر «ال» داشته باشند، اسم تفضیل نیستند.

۳) جمع «خیر»، «أخيار»، و جمع «شر»، «شُرور» و «أشرار» است.

### اسم مکان

اسم مکان به کلمه‌ای گفته می‌شود که به «مکان انجام فعل» اشاره می‌کند. مثلاً «مَعْبَد» یعنی «محل عبادت» یا «مَغْرِب» یعنی «محل غروب» یا «مزرعة» یعنی محل «کشت و زرع»!

اسم‌های مکان بر یکی از وزن‌های زیر ساخته می‌شوند:

۱) مَفْعَل ← مَعْبَد (عبادتگاه)، مَطْبَخ (آشپزخانه) و ... ۲) مَفْعِل ← مَنزِل (خانه)، مَشْرِق (محل طلوع) و ... ۳) مَفْعَلَة ← مَدْرَسَة، مَزْرَعَة و ...

**تست** عَيْنُ عِبْرَةِ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ:

۱) مقبرة «حافظ» تقع في مدينة شيراز! ۲) هم لا يجعلون في المخزن شيئاً للمحتاجين!

۳) ذلك متجر زميلي و له سراويل أفضل! ۴) ﴿هو أعلم بمن ضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين﴾

**پاسخ** گزینه «۴» در این جمله «مُهتدي» با «م» شروع شده و عین‌الفعل آن کسره دارد، پس اسم فاعل است؛ اما در گزینه‌های دیگر به ترتیب، «مقبرة» (بر وزنِ «مَفْعَلَة»)، «المخزن» (بر وزنِ «مَفْعَل») و «مَتَجَر» (بر وزنِ «مَفْعَل») همگی اسم مکان هستند.

۶ - «آخر» در اصل «أخْر» بوده است!





- ۱ کلماتی که بر وزن «مَفْعَل، مَفْعِل، یا مَفْعَلَة» هستند را با وزن «مَفَاعِل» جمع می‌بندیم. پس برای پیدا کردن اسم‌های مکان وزن «مَفَاعِل» را هم باید در نظر داشته باشیم. مَزْرَعَة ← مَزَارِع مَعْبَد ← مَعَابِد مَنَزَل ← مَنَازِل
- ۲ اسم‌های مکان ممکن است گاهی تغییراتی در ظاهرشان دیده شود؛ یعنی ممکن است آن‌ها را بر وزن‌های زیر ببینیم:
- مَفَال ← مَزَار، مَدَار، مَكَان، مَقَام و ... مَفَعِي ← مَرَمِي (دروازه)، مَأْوِي (پناهگاه)، مَقَهِي (قهوه‌خانه) و ... مَفَل ← مَمَر (گذرگاه)، مَفَر (راه فرار)، مَحَل، مَقَر و ...

**تست عین ما لیس فیہ اسم المکان:**

- (۱) لا تطلب العلم للوصول إلى مناصب دنيوية!  
(۲) يعجبني حارس مرمى فريق السعادة جداً!  
(۳) بعد أيام وجدنا مكاناً مناسباً لبناء بيتنا!  
(۴) رتي هو منزل القرآن لهداية جميع أبناء البشر!
- پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، «مَنَزِل» اسم فاعل است چون با «م» شروع شده و عین‌الفعل آن کسره دارد: «نازل‌کننده».
- بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «مَنَاصِب» ← جمع «مُنْصِب» بر وزن «مَفْعِل» ← اسم مکان / گزینه (۲): «مَرَمِي» ← بر وزن «مَفَعِي» ← اسم مکان / گزینه (۳): «مَكَان» ← بر وزن «مَقَال» ← اسم مکان

- ۲ اسم‌هایی را که معنای مکان دارند ولی با وزن‌های بالا مطابقت ندارند اسم مکان نمی‌گیریم. پس کلماتی مانند «بیت (خانه)، زقاق (کوچه) و ...» اسم مکان به حساب نمی‌آیند.
- ۳ یک نکته مهم این است که گاهی کلماتی که بر وزن «مَفَاعِل» هستند اصلاً معنای «مکان» را در خود ندارند و نباید آن‌ها را اسم امکان بگیریم.

**تست عین عبارة لیس فیها اسم مکان:**

- (۱) اشتریت بطاقة لأدخل في الملعب الرياضي!  
(۲) لهذا السوق مداخل متعددة بعضها مغلقة الآن!  
(۳) التزم بمكارم الأخلاق لتحصل على رتبك!  
(۴) الحضور في محافل علمية مختلفة سبب أن أجمع لي تجارب كثيرة!
- پاسخ** گزینه «۳» در این گزینه «مَكَارِم» با این‌که بر وزن «مَفَاعِل» است، ولی اصلاً معنای مکان ندارد، پس اسم مکان نیست: «به ارزش‌های اخلاقی پایبند باش تا خشنودی پروردگارت را به دست بیاوری».
- بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «مَلْعَب» ← اسم مکان است: «یک بلیت خریدم تا وارد ورزشگاه شوم». / گزینه (۲): «مَدَاخِل» ← جمع «مَدْخَل» و اسم مکان است: «این بازار ورودی‌های متعددی دارد که الان بعضی از آن‌ها بسته‌اند». / گزینه (۴): «مَحَافِل» ← جمع «مَحْفَل» و اسم مکان است: «حاضر شدن در محفل‌های علمی باعث شد که تجربه‌های زیادی را برای خودم جمع کنم».

**اسم مشتق**

- در عربی به اسم‌هایی که براساس وزن و قاعده خاصی از روی فعل‌ها ساخته می‌شوند، اسم مشتق می‌گویند. پس گروه‌های زیر همگی مشتق هستند:
- ۱ اسم فاعل ۲ اسم مفعول ۳ اسم مبالغه ۴ اسم تفضیل ۵ اسم مکان ۶ صفت مشتبه
- یادگرفتن صفت‌های مشتبه طبق کتاب درسی لازم به نظر نمی‌رسد، ولی دانستن آن برای فهمیدن بحث «حال» که در درس ۲ عربی دوازدهم آمده بسیار مفید است، پس بهتر است با آن آشنا شویم:
- صفت مشتبه ← به اسم‌هایی گفته می‌شود که معنای وصفی (صفت) دارند و جزء سایر مشتق‌ها نیستند.
- مثال** «جَمیل»: زیبا - «فَرِح»: خوشحال - «کَریم»: بخشنده - «فَلِق»: نگران - «کثیر»: زیاد و ...
- خوب است بدانیم بیشتر کلماتی که بر وزن‌های «فَعیل» یا «فَعَل» هستند صفت مشتبه‌اند.
- پس اگر خواستیم مشتق‌ها را بشماریم یا پیدا کنیم باید دنبال تک‌تک موارد بالا بگردیم.

**تست عین عبارة لیس فیها اسم مشتق:**

- (۱) الدلافین ترشد الإنسان إلى مكان غرق سفينة!  
(۲) سبحان ربّي الأعلى و بحمده!  
(۳) يستخدم المزارعون شجرة التّفط كسّیاج لصيانة ثمراتهم!  
(۴) هذا علم تُطالِع فیهِ طریقة معالجة أمراض القلب!
- پاسخ** گزینه «۴» در این گزینه، اسم مشتقی وجود ندارد. دقت کنید که «مُعَالَجَة» بر وزن «مَفَاعِلَة» مصدر است و مصدرها مشتق به حساب نمی‌آیند.
- بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «مَكَان» بر وزن «مَقَال»، اسم مکان است، پس مشتق به حساب می‌آید. / گزینه (۲): «أَعْلَى» بر وزن «أَفَعَى»، اسم تفضیل است، پس این کلمه هم مشتق است. / گزینه (۳): «مَزَارِع» اسم فاعل ثلاثی مزید است و جزء مشتق‌ها در نظر گرفته می‌شود.

**کارگاه ترجمه**

**ترجمه اسم تفضیل**

- همان‌طور که گفته شد، اسم تفضیل برای مقایسه استفاده می‌شود؛ پس برای ترجمه آن‌ها از «صفت + تر یا ترین» کمک می‌گیریم: أَجْمَل (زیباتر، زیباترین)، أَعْلَم (داناتر، داناترین) و ... اما برای ترجمه دقیق‌تر این اسم‌ها به موارد زیر دقت کنید:
- اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِنْ» بیاید، آن را به صورت صفت برتر فارسی (صفت + تر) ترجمه می‌کنیم.

**مثال** • ثوبی اَرْحَضَ مِنْ ثوبِ صديقي ← لباس من از لباس دوستم ارزان تر است.

• هل شاهدتْ أَجْمَلَ مِنْ هذه المنظره؟ ← آیا زیباتر از این منظره دیده‌ای؟

• اگر همراه اسم تفضیل، یک مضاف‌الیه داشته باشیم، اسم تفضیل را به صورت صفت عالی فارسی (صفت + ترین) ترجمه می‌کنیم.

**مثال** • أَفْضَلَ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ ← برترین مردم کسی است که بر هوا و هوس خود غلبه کند!

• أَعْظَمُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا، أَخْفَاهَا ← بزرگ‌ترین عبادت از نظر پاداش، پنهان‌ترین آن است!

**نکته** عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةُ: «أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي!»:

(۱) برادر محبوب من کسی است که عیب‌های من را به من بازگوید! (۲) برادرانم را دوست دارم؛ زیرا عیب‌هایم را به من هدیه می‌کنند!  
(۳) محبوب‌ترین برادران من کسی است که عیب‌های من را به من هدیه کند! (۴) کسی که عیب من را به من هدیه کند، محبوب‌ترین برادر من است!  
**پاسخ** گزینه «۳» «أَحَبُّ» بر وزن «أَفْلٌ» اسم تفضیل است و چون با مضاف‌الیه یعنی «إِخْوَانٌ» آمده، به معنای «محبوب‌ترین» است؛ پس گزینه‌های (۱) و (۲) نمی‌توانند درست باشند. «إِخْوَانٌ» و «عیوب» هر دو، جمع هستند ولی در گزینه (۴) به صورت مفرد ترجمه شده‌اند؛ بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

## نکات ترجمه‌متن

۱) قد + فعل مضارع: وقتی حرف «قَدْ» به همراه فعل مضارع بیاید به معنای «شاید، گاهی، ممکن است و ...» است.

**مثال** • قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا ← ممکن است در بین مردم کسی باشد که از ما بهتر است.

• قَدْ تَضَرَّنَا آمَالُنَا الْكَثِيرَةُ ← گاهی آرزوهای زیادمان، به ما ضرر می‌سازد.

۲) بعض ... بعض:

وقتی دو کلمه «بعض» در کنار هم قرار بگیرند، در ترجمه، از لفظ «یکدیگر» استفاده می‌کنیم.

**مثال** • يَسْأَلُ بَعْضُ التَّلَامِيذِ بَعْضًا عَنِ مَوْعِدِ الْإِمْتِحَانِ ← دانش‌آموزان از یکدیگر دربارهٔ زمان امتحان سؤال می‌کنند.

• لَا يَعْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ← نباید غیبت یکدیگر را کنید.

۳) «بئس» و «نعم»:

کلمه «بئس» معنی «بد است» می‌دهد و برای بیان احساس‌مان دربارهٔ یک عمل زشت یا فرد بد به کار می‌رود.

**مثال** • بئس القول الكذب ← دروغ، بد سخنی است! • بئس الرجل الكاذب ← دروغگو، بد مردی است!

کلمه «نعم» معنی «خوب است» می‌دهد و برای تعریف کردن از یک فرد خوب یا کار پسندیده استفاده می‌شود.

**مثال** • مُسَاعَدَةُ الْفُقَرَاءِ نِعْمُ الْعَمَلُ ← کمک کردن به فقیران، خوب کاری است!

• نِعْمُ الْمُؤْمِنُ الْمُؤْمِنُ الْمُخْلِصُ ← مؤمن باخلاص، خوب مؤمنی است!

**نکته** دقت کنید که کلمات «نعم» و «بئس» به صورت «بهترین» یا «بدترین» ترجمه نشوند.

## واژه‌ها

تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ)  
تَوَاب: بسیار توبه‌پذیر (در مورد خداوند)، بسیار توبه‌کننده (در مورد بندگان)  
تَوَاصَلَ: ارتباط  
جَادَلَ: ستیز کرد (جَادَلَ، يُجَادِلُ)  
حَرَّمَ: حرام کرد (حَرَّمَ، يُحَرِّمُ)  
حَسَنَ: نیکو گردانید (حَسَنَ، يُحَسِّنُ)  
حَفِي: پنهان  
زَمِيل: همکار، هم‌شاگردی  
سَاءَ: بد شد (سَاءَ، يَسُوءُ)  
سَاتَرَ: پنهان‌کننده، پوشاننده  
سِعْرًا: قیمت (جمع: أَسْعَارًا)  
صَلَّ: همراه شد (صَلَّ، يَصِلُ)  
عَابَ: عیب‌جویی کرد، عیب‌دار کرد (عَابَ، يَعِيبُ)  
عَذَّبَ: عذاب داد (عَذَّبَ، يُعَذِّبُ)

إِتَّقَى: پروا کرد (إِتَّقَى، يَتَّقَى)  
أَتَمَّ: کامل می‌کنم (أَتَمَّ، يُتِمُّمُ)  
أَثْقَلَ: سنگین‌تر  
إِثْمًا: گناه  
أَدْعَى: دعوت کن (دَعَا، يَدْعُو)  
إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (إِسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)  
أَسْرَى: حرکت داد (أَسْرَى، يُسْرِئُ)  
إِغْتَابَ: غیبت کرد (إِغْتَابَ، يَغْتَابُ)  
بِئْسَ: چه بد است  
بَعْضٌ ... بَعْضٌ: یکدیگر  
بَنَفْسَجِي: بنفش  
تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (تَجَسَّسَ، يَتَجَسَّسُ)  
تَخْفِيفٌ: تخفیف  
تَسْمِيَةٌ: نام‌دادن، نامیدن (تَسَمَّى، يُسَمِّي)

مَصْنَع: کارخانه	عَسَى: شاید
مَطْبُخ: آشپزخانه	فُسُوق: آلوده شدن به گناه
مَطْبَعَة: چاپخانه	فَضَح: رسوا کردن
مَطْعَم: رستوران	قَدْ: گاهی، شاید (بر سر فعل مضارع)
مَلْعَب: ورزشگاه	كِبَاوَر: گناهان بزرگ (مفرد: كَبِيرَة)
مَنْزِل: خانه	كِرَة: ناپسند داشت (كِرَة، يَكْرَة)
مُهْتَدِي: هدایت شده	لَحْم: گوشت (جمع: لُحُوم)
مَيِّت: مُرده (جمع: أَمْوات، مَوْتَى)	لَقَب: لقب داد (لَقَّبَ، يُلَقَّبُ)
مِيزان: ترازو (ترازوی اعمال)	لَمَز: عیب گرفت (لَمَزَ، يَلْمِزُ)
نوعیَّة: جنس	مَنْجَر: مغازه
نَهَى: بازداشت، نهی کرد (نَهَى، يَنْهَى)	مَخْرَن: انبار
المُحَاوَلَة = الإِجْتِهَاد = السَّعْي (تلاش)	السَّغَر = الثَّمَن (بها)
ذَنْب = إِثْم (گناه)	عَسَى = زَبْمَا (شاید، ممکن است ...)
الكَرِيه = القَبِيح (زشت)	الإِسْتِهْزَاء = السُّخْرِيَّة (مسخره کردن)
أُرِيدُ = أَطْلُبُ (می خواهم)	يَنْهَى = يَمْنَعُ (منع می کند)
حَرَمٌ (حرام کرد) ≠ أَحَلُّ (حلال کرد)	يُنْسُ (چه بد است) ≠ نِعَمٌ (چه خوب است)
المَيِّت (مُرده) ≠ الحَيِّ (زنده)	الخَفِي (پنهان) ≠ الظَّاهِر (اشکار)
سَاءٌ (بد شد) ≠ حَسَنٌ (خوب شد)	يَكْرَة (ناپسند می داند) ≠ يَجِبُ (دوست دارد)
أَقَلُّ (کم تر) ≠ أَكْثَرُ (بیشتر)	ضَلُّ (گمراه شد) ≠ إِهْتَدَى (هدایت شد)
التَّوَاضَل (ارتباط) ≠ التَّقَاطُع (بُریدن)	الرَّخِيص (ارزان) ≠ الغالي (گران)
	سوء الظَّن (بدگمانی) ≠ حُسْنُ الظَّن (خوش گمانی)

### ترجمه و بررسی جملات درس

ردیف	جمله	ترجمه
۱	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ ﴾	ای کسانی که ایمان آورده اید قومی قوم دیگر را نباید مسخره کند،
	﴿ لَا يَسْخَرُ ﴾ فعل نهی غایب است که با کلمه «نبايد» ترجمه می شود.	
۲	﴿ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ ﴾	شاید که آن ها از ایشان بهتر باشند.
۳	﴿ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءِ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُمْ ﴾	وزنانی، زنان دیگر را (نبايد مسخره کنند) شاید که آنان بهتر از ایشان باشند.
۴	﴿ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ﴾	از خودتان (یکدیگر) عیب جویی نکنید و به همدیگر لقب های زشت ندهید.
۵	﴿ يُنْسِ الْإِسْمَ الْفُسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ ﴾	بد نامی است «آلودگی به گناه» پس از ایمان آوردن.
	﴿ بئس ﴾ فعلی است که معنای «بد ... است» یا «چه بد ... است» می دهد و متضاد آن «نعم» است: «چه خوب ... است».	
۶	﴿ وَمَنْ لَّمْ يَتَّبِعْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴾	و کسانی که توبه نکنند از ستمگران هستند.
	این جمله، شرطیه است، برای همین «لَمْ يَتَّبِعْ» به صورت مضارع ترجمه می شود.	
۷	﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ﴾	ای کسانی که ایمان آورده اید، از شک و گمان بسیار دوری کنید زیرا برخی از گمان ها گناهانند و جاسوسی نکنید.
	﴿ كَثِيرًا ﴾ را در این آیه هم می توانیم به صورت قید ترجمه کنیم و هم مفعول: «از بسیاری گمان ها دوری کنید» یا «از گمان ها بسیار دوری کنید».	
۸	﴿ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا ﴾	از یکدیگر نباید غیبت کنید.
	﴿ بَعْضٌ ﴾ کناره هم بیابند، معنی «همدیگر، یکدیگر، ...» می دهند.	
	• با این که «لا يغتتب» فعل غایب است ولی به خاطر ضمیر «کم» به شکل مخاطب ترجمه شده است.	

عین خود

۹	﴿أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾	آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟ (البته) آن را ناپسند می‌دانید و از خدا بترسید به راستی که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.
۱۰	قد يكون بين الناس من هو أحسن منا.	شاید میان مردم کسی باشد که از ما بهتر است.
«قد» وقتی کنار فعل مضارع به کار برود معنای «شاید، گاهی و ...» می‌دهد — «قد یکون»: شاید باشد		
۱۱	فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ الْأَخْرِيِّنَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.	پس باید از خودپسندی دوری کنیم و با سخنی پنهانی یا با اشاره، عیب‌های دیگران را بیان نکنیم.
۱۲	فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.	امیرالمؤمنین علی (ع) گفته است: بزرگ‌ترین عیب این است که از چیزی که مانند آن در خودت هست عیب‌جویی کنی.
۱۳	تَنْصَحْنَا الْآيَةَ الْأُولَى وَ تَقُولُ: ﴿لَا تَعْيِبُوا الْأَخْرِيِّنَ﴾	آیه نخستین ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.
۱۴	وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا. بِنَسِ الْعَمَلِ الْفُسُوقِ!	و آنان را با لقب‌هایی که زشت می‌دانند لقب ندهید، بد کاری است «آلوده شدن به گناه».
۱۵	وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.	و هر کس آن را انجام دهد از ستمگران است.
۱۶	إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:	بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:
۱۷	الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْأَخْرِيِّنَ وَ تَسْمِيَتَهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.	مسخره کردن دیگران و نام‌گذاری آنان با نام‌های زشت؛
۱۸	سَوْءَ الظَّنِّ وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.	بدگمانی که آن اتهام زدن شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی؛
۱۹	الْتَجَسُّسَ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.	جاسوسی کردن که آن تلاش زشتی است برای کشف رازهای مردم برای رسواکردنشان.
۲۰	وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.	آن در مکتب ما از گناهان بزرگ و از اخلاق زشت است؛
۲۱	وَ الْغِيبَةَ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.	و غیبت که از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط در بین مردم است.
۲۲	سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.	برخی از مفسران سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سوره اخلاق نامیده‌اند.

### جملات مهم‌ترین‌ها

ردیف	جمله	ترجمه
۱	خيرٌ إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم.	بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه کند.
«أهدى» فعل ماضی به معنای «هدیه کرد» است.		
• مفهوم عبارت است که بهترین دوست کسی است که عیب‌های ما را به ما تذکر بدهد.		
۲	مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ.	هر کس شهوتش بر عقل او غلبه کند او بدتر از چهارپایان است.
۳	شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ.	بدترین مردم شخص دوروست.
۴	﴿جَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾	با آنان با روشی که نیکوتر است گفت‌وگو کن، زیرا پروردگارت به آن که از راهش گمراه شده آگاه‌تر است.
مفهوم عبارت: «خوش‌برخوردی با دیگران و سخن‌گفتن با نرمی و ادب با آنان»		
۵	يَخْتَلِفُ سِعْرُ هَذِهِ السَّرَاوِيلِ حَسَبِ النُّوعِيَّاتِ.	قیمت این شلوارها براساس جنس تفاوت دارد.
۶	ذلك متجز زميلي له سراويل أفضل.	آن فروشگاه دوستم است، او شلوارهای بهتری دارد.
۷	مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.	هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد.
۸	اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي.	خدایا همان‌طور که آفرینش من را خوب انجام دادی، اخلاقم را نیکو گردان.



# پرسشہا چھ گزینہ



## واثرگان

۱۰۷۶- عین الخطأ في الفراغات:

- (۱) ..... اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ! (سوء الظَّنِّ)  
 (۲) ..... لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ! (التَّجَسُّسِ)  
 (۳) ..... لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ! (التَّجَسُّسِ)  
 (۴) ..... لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ مِنْ أَسْوَأِ الْأَعْمَالِ! (التَّجَسُّسِ)

۱۰۷۷- عین العبارة التي قد جاءت فيها المتضادتان:

- (۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبِهَائِمِ!  
 (۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ!  
 (۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!  
 (۴) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!

۱۰۷۸- عین ما جاءت فيه كلمتان متضادتان:

- (۱) إِنَّ تَرْزَعُ شَرًّا تَحْضُدُ نَدَامَةً فِي النَّهَائِمِ!  
 (۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ﴾  
 (۳) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ  
 (۴) اللَّهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ!

۱۰۷۹- «كَمْ ..... هَذِهِ الْفَسَاتِينِ؟ - يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ ..... وَلَكِنِّي أُعْطِيكَ .....!»:

- (۱) قِيَمَةٌ - الْأَشْعَارُ - التَّخْفِيفُ (۲) نَقُودٌ - التَّوَعِّيَاتُ - التَّخْفِيفُ (۳) سِعْرٌ - التَّوَعِّيَاتُ - التَّخْفِيفُ (۴) قِيَمَةٌ - الْأَشْعَارُ - التَّخْفِيفُ

۱۰۸۰- عین الخطأ لتكميل الفراغات:

- (۱) الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ ..... بَيْنَ النَّاسِ! (التَّوَاصُلِ)  
 (۲) لَا تَسْخَرُوا مِنْ قَوْمٍ آخَرَ ..... أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْكُمْ! (عَسَى)  
 (۳) إِنَّا مُنِغْنَا عَنْ ..... الْآخِرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْفَبِيحَةِ! (تَسْمِيَةِ)  
 (۴) مَنْ ..... خُلِقَ عَدَبٌ نَفْسُهُ! (حَسَنٌ)

۱۰۸۱- عین الخطأ في التّضاد:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ فِي الْقُرْآنِ مَا يَضُرُّنَا: أَحَلَّ  
 (۲) ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ﴾: أَمِيتَ  
 (۳) ﴿إِنَّ رَبَّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾: أَهْدَى  
 (۴) الْكَلَامَ الْخَفِيِّ فِي الْجَمَاعَةِ قَبِيحٌ فَاجْتَنِبُوهُ: الظَّاهِرُ

۱۰۸۲- عین الخطأ في المتضاد و المترادف:

- (۱) قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ / ذَنْبٌ = إِثْمٌ  
 (۲) ضَلَّ ≠ إِهْتَدَى / أَرْسَلَ = بَعَثَ  
 (۳) جَلَسَ ≠ قَامَ / عَصَى = أَطَاعَ  
 (۴) بَعْدَ ≠ قَرَبَ / فَزَّ = هَرَبَ

۱۰۸۳- تُوجَدُ الْكَلِمَتَانِ الْمُتَضَادَّتَانِ فِي عِبَارَتَيْنِ .....

- (الف) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعَجَبِ لِأَنَّهُ أَمْرٌ قَبِيحٌ!  
 (ب) إِهْتَدَى النَّاسُ بَعْضُ الْأَوْقَاتِ بِالنَّجْمِ الَّتِي فِي السَّمَاءِ!  
 (ج) ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾  
 (د) إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْغَيْبَةَ فَجَادِلْ مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ!

- (۱) الف و ج (۲) ب و د

(كانون فرھنگی آموزش ۹۸)

۱۰۸۴- عین غير المناسب حسب التوضیحات:

- (۱) الْفَلَقُ: اسْمٌ آخَرَ لِلصَّبْحِ وَالْفَجْرِ!  
 (۲) الْمَتَجَرُ: مَوْضِعُ التَّجَارَةِ أَوْ الشَّرَاءِ وَالْبَيْعِ!  
 (۳) الْفَاسِقُ: الَّذِي خَرَجَ مِنْ طَرِيقِ الْحَقِّ وَتَرَكَ الذَّنْبَ!  
 (۴) الْخَفِيُّ: مُسْتَوْرٌ وَتَضَادُّ لِلظَّاهِرِ!

(كانون فرھنگی آموزش ۹۷)

۱۰۸۵- عین الصّحيح حسب الحقيقة:

- (۱) الْعُجْبُ هُوَ أَنْ يَسْتَرْ الْإِنْسَانُ عِيُوبَ الْآخِرِينَ وَ لَا يَفْعَلُ عَنْهَا فِي نَفْسِهِ!  
 (۲) التَّجَسُّسُ هُوَ إِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ!  
 (۳) يَحْدُرُنَا الْإِسْلَامُ مِنَ الْاسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ وَ يَمْنَعُنَا مِنْ تَسْمِيَتِهِمُ بِالْأَلْقَابِ الْقَبِيحَةِ!  
 (۴) الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ يَذْكَرَ الْإِنْسَانُ لِأَخِيهِ فِي غَيْبَتِهِ شَيْئًا لَا يَكْرَهُهُ عِنْدَ سَمَاعِهِ!

(سراسری تهری ۹۸)

۱۰۸۶- «..... البضائع ..... فالتاس طلبوا من الحكومة أن .....!». عین المناسب للفراغات:

- (۱) قِيَمَةٌ - يَزَادُ - تُقَلَّلُهَا  
 (۲) ثَمَنٌ - كَثُرَتْ - تُمَزَّرُهَا  
 (۳) أَسْعَارٌ - ارْتَفَعَتْ - تُخَفِّضُهَا  
 (۴) نَقُودٌ - يَرْتَفَعُ - تُمْنَعُهَا

(سراسری انسانی ۹۸)

۱۰۸۷- عین الخطأ:

- (۱) «الغيبه» هي أن نذكر الآخرين بما لا يكرهون!  
 (۲) «الميت» هو الذي قد خرجت روحه من بدنه و لا يتنفس!  
 (۳) «التجسس» سعي لمعرفة أمور الآخرين و هو من قبائح الأمور!  
 (۴) «الحجرات» جمع حجرة، و هي سورة في القرآن مشهورة بالعروس!

۱۰۸۸- ﴿و جَادِلْهُمْ بآتِي هِي أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾

- (۱) با آن‌ها با گفتاری نیکوتر ستیز کن، چرا که پروردگارت همان آگاه‌تر به کسی است که گمراه شده است!
  - (۲) با روش‌های بهتر با آنان مباحثه کن، همانا پروردگار نسبت به کسی که از راه گمراه شده است، آگاه‌تر است!
  - (۳) با آن‌ها به روشی که خوب است مجادله کن، قطعاً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند، آگاه است!
  - (۴) با آنان به شیوه‌ای که بهتر است استدلال کن، همانا پروردگار تو به کسی که از راهش گمراه شده، داناتر است!
- ۱۰۸۹- «هَلْ تَكْرَهُونَ أَكْلَ لَحْمِ أُخْيِكُمْ مِيتًا؟ فَلِمَذَا لَا تَجْتَنِبُونَ مِنَ الْغَيْبَةِ؟»:

- (۱) آیا خوردن گوشت برادر مرده خود را ناپسند می‌دانند؟ پس چرا از غیبت پرهیز نمی‌کنند؟
- (۲) چرا ناپسند می‌دانید که گوشت برادران که مرده است را بخورید؟ پس چرا از غیبت اجتناب نمی‌کنید؟
- (۳) آیا خوردن گوشت برادران که مرده است را ناپسند می‌دانید؟ پس چرا از غیبت دوری نمی‌کنید؟
- (۴) آیا از خوردن گوشت‌های برادر مرده‌تان اکراه دارید؟ پس باید از غیبت دوری کنید!

۱۰۹۰- «قَدْ عَلَّمَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ أَمَمَ الْأُمُورِ الْأَخْلَاقِيَّةِ فِي حَيَاتِنَا الْيَوْمِيَّةِ»:

- (۱) خداوند در قرآن کریم کارهای اخلاقی مهم در زندگی روزانه را یاد داده است!
- (۲) خداوند در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین امور اخلاقی را در زندگی روزمره‌مان آموزش می‌دهد!
- (۳) خداوند مهم‌ترین امور اخلاق در قرآن کریم را در زندگی روزانه‌مان یاد داده است!
- (۴) خداوند در قرآن کریم مهم‌ترین کارهای اخلاقی در زندگی روزانه‌مان را آموزش داده است!

۱۰۹۱- «يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ اِقْبَلِ التَّوْبَةَ عَنِّي وَ اِزْحَمْنِي، إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ!»:

- (۱) ای پوشاننده هر عیبی، توبه را از من بپذیر و به من رحم کن، همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی!
- (۲) ای پوشاننده همه عیب‌ها، توبه را از من قبول کن و به من رحم کن که قطعاً تو بهترین مهربانان هستی!
- (۳) ای کسی که هر عیبی را می‌پوشانی، توبه‌ام را از من قبول کن و به من رحم کن، یقیناً تو از بهترین رحم‌کنندگانی!
- (۴) ای پوشاننده هر عیب، توبه‌ام را از من قبول بفرما و به من رحم نما، همانا تو رحم‌کننده مهربانی هستی!

۱۰۹۲- «أَحَبُّ أَوْلَادِي مَنْ لَا يَعْيبُونَنَا وَلَكِنَّهُمْ يُهْدُونَنَا إِلَيْنَا عِيُونَ!»:

- (۱) دوست دارم دوستانم را که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند، ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!
- (۲) دوست‌داشتنی‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب نمی‌گیرند ولی ما را در مورد عیب‌هایمان هدایت می‌کنند!
- (۳) محبوب‌ترین دوستانم کسی است که از ما عیب‌جویی نکند ولی به ما عیبمان را هدیه دهد!
- (۴) محبوب‌ترین دوستانم کسانی هستند که از ما عیب‌جویی نمی‌کنند ولی به ما عیب‌هایمان را هدیه می‌دهند!

۱۰۹۳- «عَلَيْنَا أَنْ نُنصَحَ طَالِبًا يَسْخَرُ مِنْ كُلِّ الطَّلَابِ فِي الصَّفِّ حَتَّى يَتَنَبَّهَ!»:

- (۱) ما باید نصیحت کنیم دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌کند تا آگاه شود!
- (۲) بر ماست که نصیحت بکنیم دانش‌آموزی را که هر دانش‌آموزی را در کلاس مسخره می‌کند تا این که بفهمد!
- (۳) باید دانش‌آموزی را که همه دانش‌آموزان را در کلاس مسخره می‌نماید آگاه کنیم و نصیحت کنیم!
- (۴) دانش‌آموزی را که در کلاس همه دانش‌آموزان را مسخره می‌کند باید نصیحت کرد تا آگاه شود!

۱۰۹۴- «قَدْ لَقَّبَ بَعْضُ زَمَلَانِي صَدِيقِي بِلِقَبٍ قَبِيحٍ يَكْرَهُهُ، بَسَّسَ الْعَمَلَ هَذَا!»:

- (۱) گاهی بعضی از هم‌شاگردی‌هایم، دوستم را با لقب زشت لقب می‌دهند که از آن بدش می‌آید. این، کار بدی است!
- (۲) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم به دوستم لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌دانیم. بد کاری است این عمل!
- (۳) بعضی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستم را لقب زشتی داده‌اند که آن را ناپسند می‌داند. این، بد کاری است!
- (۴) تعدادی از هم‌کلاسی‌هایم، دوستانم را لقبی ناپسند داده‌اند که آن را زشت می‌شمارند. این، بد عملی است!

۱۰۹۵- عَيْنُ الْخَطَا:

- (۱) لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرِيْنَ! از دیگران عیب‌جویی نکنید!
- (۲) ﴿و لَا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا﴾ و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن اکراه دارند، لقب نمی‌دهند!
- (۳) بَسَّسَ الْعَمَلُ الْفَسُوقَ بَعْدَ الْإِيمَانِ! بد کاری است آلوده‌شدن به گناه بعد از ایمان آوردن!
- (۴) و مِنْ لَمْ يَنْبُ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ! و هر کس توبه نکند او از ستمگران است!

۱۰۹۶- «قَدْ يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ، يُنْضَخُوهُمْ وَ قَوْلُوا لَهُمْ: يَمْنَعُ الْقُرْآنُ النَّاسَ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ!»:

- (۱) قومی، قوم دیگر را نباید مسخره کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع کرده است!
- (۲) گاهی قومی، قوم دیگر را مسخره می‌کند. آن‌ها را نصیحت کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن، مردم را از این کار منع می‌کند!
- (۳) گاهی اوقات گروهی، گروه دیگر را مسخره می‌کند. باید آن‌ها را نصیحت کرد و به آن‌ها گفت: قرآن این کار را برای مردم ممنوع می‌کند!
- (۴) گروهی، گروه دیگر را مسخره کرده است. آن‌ها را نصیحت و سفارش کنید و به آن‌ها بگویید: قرآن مردم را از این کار دور می‌کند!

### ۱۰۹۷- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾

- ۱) کسانی که ایمان آورده‌اند از بسیاری از گمان‌ها می‌پرهیزند؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است!
  - ۲) ای کسانی که ایمان آوردید از گمان‌ها بسیار اجتناب کنید؛ زیرا گناه محسوب می‌شود!
  - ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است!
  - ۴) ای آنان که ایمان آورده‌اید از گمان‌های بسیاری اجتناب کرده‌اند؛ چه، بعضی از گمان‌ها گناه است!
- ۱۰۹۸- ﴿الَّذِينَ لَا يَتُوبُونَ مِن كِبَائِرِ الذَّنُوبِ وَ يَغْتَابُونَ الْآخِرِينَ فَهَمَّ فِي عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾:

- ۱) کسانی که از گناهان کبیره توبه نمی‌کنند و غیبت دیگران را می‌کنند پس آن‌ها در عذابی دردناک هستند!
  - ۲) کسانی که از گناهان بزرگ توبه نکرده‌اند و غیبت دیگران کرده‌اند، آن‌ها در عذاب دردناک‌اند!
  - ۳) هر کس از گناهان بزرگ توبه نکند و غیبت دیگران کند در عذابی دردناک می‌باشد!
  - ۴) کسانی که از گناهان کبیره خود توبه نمی‌کنند و از دیگران غیبت می‌کنند در دردناک‌ترین عذاب هستند!
- ۱۰۹۹- ﴿تَنصَحْنَا أَحَدِي آيَاتِ الْقُرْآنِ فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ وَ تَقُولُ: ﴿لَا يَغْتَابُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا﴾﴾:

- ۱) آیات اول سوره حجرات در قرآن، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: گروهی از شما گروه دیگر را غیبت نکنند!
  - ۲) یکی از آیات قرآن در سوره حجرات، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: بعضی از شما نباید غیبت دیگری را بکنند!
  - ۳) یکی از آیات قرآن در سوره حجرات، ما را نصیحت کرده و می‌گوید: بعضی از شما غیبت دیگری را نمی‌کنند!
  - ۴) یک آیه از آیات قرآن در سوره حجرات ما را پند می‌دهد و می‌گوید: نباید از دیگران غیبت کنیم!
- ۱۱۰۰- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ﴾:

- ۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمی، مردم دیگری را مورد تمسخر قرار دهد زیرا ممکن است آن‌ها از ایشان باایمان‌تر باشند!
  - ۲) ای آنانی که ایمان آورده‌اید، به مسخره کردن قوم دیگران نپردازید، شاید که آن‌ها از شما بهتر باشند!
  - ۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی، قوم دیگری را مسخره کند، شاید که آن‌ها از ایشان بهتر باشند!
  - ۴) کسانی که ایمان آورده‌اند، نباید مردم دیگری را مسخره نمایند، شاید آن‌ها از ایشان برتر باشند!
- ۱۱۰۱- ﴿لَا تَجَسَّسُوا فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ فَضَحَّتْهُمُ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ أَلَنِي لَنْ يَغْفِرَهَا اللَّهُ﴾:

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید؛ زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
  - ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید؛ چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
  - ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید؛ زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
  - ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید؛ چه این کار، باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!
- ۱۱۰۲- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَىٰ عِلْمِهِ! کسی که دانش مردم را به دانش خویش بیفزاید، از همه داناتر است!
- ۲) ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ \* مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿﴾: بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از بدترین چیزهایی که آفریده است!
- ۳) خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَىٰ إِلَيْكُمْ غِيوبَكُمْ! بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد!
- ۴) ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ﴾: پس خداوند آرامشی را بر پیامبرش و مؤمنان نازل کرد!

### ۱۱۰۳- عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ! کسی که شهوتش را بر عقلش مسلط سازد، از چارپایان هم بدتر است!
- ۲) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ! عيب بزرگی است که از آن چه همانندش در خودت هم هست، عيب جویی نمایی!
- ۳) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید!
- ۴) ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾: تقوای خدا پیشه کنید؛ بی‌شک، خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!

### ۱۱۰۴- عَيْنِ الْخَطَا:

- ۱) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَبَ نَفْسَهُ! هر کس بد اخلاق باشد، خودش در عذاب خواهد بود!
  - ۲) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! من فقط برانگیخته شدم تا بزرگواری‌های اخلاق را کامل کنم!
  - ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ! چیزی در ترازوی (اعمال) سنگین‌تر از اخلاق خوب نیست!
  - ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِإِبَادِهِ! دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، نزد خدا، سودمندترینشان برای بندگانش است!
- ۱۱۰۵- ﴿قَدْ نَعِبْتُ الْآخِرِينَ بِمَا فِيْنَا مِثْلَهُ فَهَذَا مِنْ شَرِّ الْأَعْمَالِ الَّتِي يَجِبُ أَنْ نَجْتَنِبَهَا﴾:

- ۱) از دیگران به آن‌چه مانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این کار از کارهای بدی است که ما باید از آن اجتناب نماییم!
- ۲) گاهی از دیگران عیب‌هایی گرفته‌ایم که مانندش در خودمان هم هست. پس این، از بدترین کارهاست و باید از آن دوری کنیم!
- ۳) گاهی از دیگران از آن‌چه همانندش در خودمان هست عیب می‌گیریم. پس این، از بدترین کارهایی است که باید از آن دوری نماییم!
- ۴) شاید از دیگران عیب‌هایی بگیریم که خودمان هم مانند آن را داریم. پس باید از آن دوری کنیم، زیرا آن از بدترین کارها می‌باشد!

عین صحیح

۱۱۰۶- «قَدْ يَجْعَلُ اللَّهُ خَيْرًا فِي شَيْءٍ كُنَّا نَكْرَهُهُ فِي بَدَايَةِ الْأُمْرِ!»:

- ۱) گاهی خداوند در چیزی که در آغاز کار، آن را ناپسند می‌شمردیم، خیری قرار می‌دهد!
- ۲) بی‌شک الله در چیزی که آن را در ابتدای کار ناپسند می‌شماریم، خیری قرار داده است!
- ۳) شاید خداوند در چیزی که در آغاز کار آن را ناپسند شمرده بودیم، خیری قرار داده است!
- ۴) در ابتدای کار، چیزی را ناپسند می‌شماریم که شاید خداوند در آن خیری قرار دهد!

۱۱۰۷- «مَنْ يَنْهَضُ مِنْ مَكَانِهِ لِيَجِلَّ مَشَاكِلَ جِيرَانِهِ يَعْتَبَرُ مِنْ خَيْرِ عِبَادِ اللَّهِ...!»:

- ۱) هر کس از جای خود برخیزد و مشکلات همسایگانش را حل کند، بهترین بندگان خداوند است!
- ۲) کسی که برای رفع مشکلات نزدیکانش از جایش برمی‌خیزد، از بندگان خوب خداوند می‌باشد!
- ۳) اگر کسی از جای خویش برخیزد و اقدام به حل مشکلات همسایگانش نماید، از بهترین بندگان خداوند خواهد شد!
- ۴) هر کس از جای خود برخیزد تا مشکلات همسایگانش را حل کند، از بهترین بندگان خدا به حساب می‌آید!

۱۱۰۸- «قَدْ أَكَّدَ عَلَيْنَا أَنْ نَحْسَنَ خُلُقَنَا فِي التَّوَاصُلِ مَعَ الْأَخْرَيْنِ فَإِنَّهُ يُؤْتَرُ فِيهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا نَتَّصَوَّرُ!»:

- ۱) بر ما تأکید شده است که اخلاقمان را در ارتباط با دیگران نیکو گردانیم؛ چه آن بیشتر از آن چیزی که تصور می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد!
- ۲) به ما تأکید کرده‌اند که در ارتباطمان با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ زیرا این کار بیشتر از چیزی که تصورش را می‌کنیم، بر آن‌ها تأثیرگذار است!
- ۳) گاهی بر ما تأکید می‌شود که در ارتباط با دیگران، اخلاقمان را نیکو گردانیم، زیرا آن بر ایشان بیشتر از تصور ما تأثیر می‌گذارد!
- ۴) بر ما تأکید شده است که در ارتباط با دیگران خوش‌اخلاق باشیم؛ چون این کار، تأثیر بسیاری را بر آن‌ها می‌گذارد، بیشتر از چیزی که تصورش را کنیم!

۱۱۰۹- «لَا تَسْخَرْ مِنْ عُيُوبِ شَخْصٍ أَبَدًا لِأَنَّ الدَّهْرَ يَدُورُ وَ أَنْتَ تُصِيبُ بِنَفْسِ الْعُيُوبِ الَّتِي كُنْتَ تَسْخَرُهَا ذَاتَ يَوْمٍ...!»:

- ۱) نباید عیب‌های هیچ‌کس را مسخره نمایی؛ زیرا روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار خواهی شد!
- ۲) هیچ‌گاه عیب‌های کسی را مسخره نکن؛ چه روزگار می‌چرخد و تو به همان عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره می‌کردی، دچار می‌شوی!
- ۳) هیچ وقت عیب‌های دیگری را مسخره نکن؛ چه بسا روز بچرخد و تو هم به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار شوی!
- ۴) هیچ‌گاه اقدام به مسخره کردن عیب‌های کسی نکن؛ روزگار می‌چرخد و خودت به عیب‌هایی که روزی آن‌ها را مسخره کرده بودی، دچار می‌شوی!

۱۱۱۰- «جاسوسان برای کشف اسرار کشور ما تلاش خواهند کرد، اما ما به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم!»:

- ۱) سَيُحَاوِلُ الْجَوَاسِيسُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَحُ لَهُمْ! (۲) الْجَوَاسِيسُ سَيُحَاوِلُونَ لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا فِي الْبِلَادِ وَلَكِن نَحْنُ مَا سَمِحْنَا لَهُمْ!
- ۳) الْجَوَاسِيسُ سَوْفَ يُحَاوِلُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ بِلَادِنَا وَلَكِنَّا لَا نَسْمَحُ لَهُمْ! (۴) يَسْعَى الْجَوَاسِيسُ فِي بِلَادِنَا لِكَشْفِ أَسْرَارِنَا وَلَكِنَّا نَحْنُ لَا نَسْمَحُ لَهُمْ!

۱۱۱۱- «معلم زبان عربی، ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: کسانی که از دیگران عیب‌جویی کنند در زندگی موفق نمی‌شوند!»:

- ۱) يَتَصَحَّحُنَا مَعْلَمُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَعْيبُ مِنَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجِحُ فِي الْحَيَاةِ!
- ۲) تَصَحَّحَنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيِّ وَقَالَ: مَنْ يَلْمِزُونَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجِحُونَ فِي النَّهَايَةِ!
- ۳) يَنْصَحُنَا مَعْلَمُ الْعَرَبِيَّةِ وَيَقُولُ: الَّذِينَ يَلْمِزُوا الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجِحُوا فِي حَيَاتِهِمْ!
- ۴) تَنْصَحُنَا مَعْلَمَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَقَوْلُ: مَنْ يَلْمِزَنَ الْأَخْرَيْنِ لَا يَنْجِحَنَّ فِي الْحَيَاةِ!

۱۱۱۲- در مکتب ما تلاش برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آن‌ها از اخلاق زشت است. «في مکتبنا .....!»:

- ۱) السَّعْيُ لِاكتشاف أسرار الناس للفضح من أخلاق السيئة! (۲) المحاولة لكشف أسرار الناس لفضحهم من الأخلاق السيئة!
- ۳) محاولتنا لكشف الأسرار الناس لفضحهم من الأخلاق القبيحة! (۴) السعي لاكتشاف الأسرار الناس لفضحهم من أخلاقنا القبيحة!

۱۱۱۳- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- ۱) همه شما باید از خودپسندی دوری کنید: عَلَيْكُمْ جَمِيعًا أَنْ تَجْتَنِبُوا الْعُجْبَ!
- ۲) دوستان تو باید عیب‌هایت را به تو هدیه کنند: يَجِبُ أَنْ يُهْدِيَكَ أصدِقَاؤُكَ عَيْبَكَ!
- ۳) پروردگاران به آن‌چه در سینه‌هایمان هست، آگاه‌تر است: إِنَّ رَبَّنَا عَلِيمٌ بِمَا فِي صُدُورِنَا!
- ۴) خدایا از تو ممنونم زیرا تو اخلاقم را نیکو گردانیدی! اللَّهُمَّ أَشْكُرُكَ لِأَنَّكَ تَحْسِنُ خُلُقِي!

۱۱۱۴- عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) بی‌شک خداوند نسبت به بندگان بسیار توبه‌پذیر است: إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ عَلَى عِبَادِهِ!
- ۲) گناهان کبیره به‌جز شرک، آمرزیده می‌شوند: تُغْفَرُ كَبَائِرُ الذَّنُوبِ إِلَّا الشِّرْكَ!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین بندگان خدا، باتقواترینشان هستند: أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْقَاهُمْ!
- ۴) منت گذاشتن بعد از انجام کار نیک، بد عملی است: الْمَنْ بَعْدَ الْقِيَامِ بِحَسَنَةٍ مِنَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ!

۱۱۱۵- «بیشتر مردم حرف‌زدن با سخن پنهان را در جمع، ناپسند می‌شمارند!»:

- ۱) إِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّكَلَّمَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمْعِ! (۲) لَا يُحِبُّ أَكْثَرُ النَّاسِ أَنْ نَتَكَلَّمَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمَاعَةِ!
- ۳) عَدَدٌ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ لَا يُحِبُّونَ التَّحَدَّثَ بِقَوْلٍ خَفِيِّ عِنْدَ الْجَمْعِ! (۴) أَكْثَرُ النَّاسِ يَكْرَهُونَ التَّحَدَّثَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ فِي الْجَمَاعَةِ!

۱۱۱۶- «جندی سابور أقدمُ جامعةٍ في إيران أسس بأمرِ سابور الملكِ الساسانيّ و قد كُتِبَ على رأسِ بابِها: العلمُ أفضلُ من الثروة و السيف!»:  
جندی سابور .....

(۱) قدیمی ترین دانشگاه ایران است که شاپور، پادشاه ساسانی، فرمان بنیان‌گذاری آن را داد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهتر از ثروت و شمشیر است!

(۲) دانشگاهی قدیمی در ایران است که به فرمان شاپور، پادشاه ساسانی، بنیان‌گذاری شد و بر سردر آن نوشته شده بود: علم بهترین ثروت و شمشیر است!

(۳) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهتر از ثروت و شمشیر است!

(۴) قدیمی ترین دانشگاه در ایران است که به دستور شاپور، پادشاه ساسانی، تأسیس شد و بر سردر آن نوشته شده بود: دانش بهترین ثروت و شمشیر است!

۱۱۱۷- «تَمَسَّحْنَا آيَاتِنَا مَبَارَكَاتِنَا فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ بِتَرْكِ صِفَتَيْنِ: الْأُولَى: عَيْبِ الْأَخْرَيْنِ وَ الثَّانِيَةَ: تَلْقِيبِ النَّاسِ بِالْقَابِ بِكِرْهُونِهَا!»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۸)

(۱) دو آیه مبارک از سوره «الحجرات» ما را به ترک دو صفت دعوت می‌کند: نخست: عیب‌جویی از دیگران و دوم: ملقب کردن آنان به صفاتی که بدشان نباید!  
(۲) در سوره «الحجرات» دو آیه مبارک ما را سفارش می‌کند تا دو ویژگی را از خود دور کنیم: اولی: عیب‌گرفتن از مردم و دوم: دادن لقب‌های بدی به آنان که خوششان نمی‌آید!

(۳) دو آیه مبارک در سوره «الحجرات» ما را به ترک کردن دو خصلت پند می‌دهد: اول: عیب‌جویی کردن از دیگران و دوم: ملقب کردن مردم به لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند!

(۴) در سوره «الحجرات» دو آیه ما را از دو صفت باز می‌دارند: یکی این‌که از مردم عیب‌جویی کنیم و دوم آن‌که به آنان لقب‌هایی بدهیم که آن‌ها را ناپسند می‌دارند!

۱۱۱۸- «يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ! لَا تَعْبُوا النَّاسَ أَبَدًا لِأَنَّ إِحْدَى آيَاتِ سُورَةِ الْحَجَرَاتِ تَنْصَحُنَا هَكَذَا!»: ای مؤمنان! .....

(۱) هیچ‌گاه از مردم عیب‌جویی نکنید، زیرا آیه اول از سوره حجرات به ما این‌طور اندرز می‌دهد!

(۲) عیب‌های مردم را هرگز آشکار نکنید، زیرا یکی از آیات سوره حجرات ما را این‌چنین پند می‌دهد!

(۳) از مردم هیچ‌گاه عیب‌جویی نکنید، چون یکی از آیات سوره حجرات به ما این‌چنین پند می‌دهد!

(۴) عیب‌های مردم را هرگز آشکار نکنید، چرا که یک آیه از سوره حجرات ما را این‌گونه نصیحت می‌کند!

۱۱۱۹- «لَا يَعْتَمِدُ النَّاسُ عَلَى الَّذِي يَسْتَهْزِئُ بِالْآخِرِينَ وَ لَا يَتَّقِي اللَّهَ!»:

(۱) مردم نباید به کسی که دیگران را مسخره می‌کند، اعتماد کنند و باید از خدا بترسند!

(۲) کسی که دیگران را مسخره می‌کند به مردم اعتماد نمی‌کند و از خدا پروا ندارد!

(۳) مردم نباید به کسی که دیگران او را مسخره می‌کنند و از خدا پروا ندارند، اعتماد کنند!

(۴) مردم به کسی که دیگران را مسخره می‌کند و از خدا نمی‌ترسد، اعتماد نمی‌کنند!

۱۱۲۰- «ذَهَبْتُ إِلَى مَتَجَرِّ زَمِيلِي وَ اشْتَرَيْتُ سِرْوَالًا بَعْدَ التَّخْفِيفِ بِسِعْرِ تِسْعِينَ أَلْفَ تومَانًا!»:

(۱) به مغازه همکارم رفتم و شلواوری را بعد از تخفیف به قیمت هفتاد هزار تومان خریدم!

(۲) به مغازه همکارم رفتم و شلواوری را بعد از تخفیف به قیمت نود هزار تومان خریدم!

(۳) به دکان همکارم رفتم و پیراهنی را بعد از تخفیف به قیمت هشتاد هزار تومان خریدم!

(۴) به مغازه همکارم رفتم و شلواوری را بعد از تولید به قیمت نود هزار تومان خریدم!

۱۱۲۱- عَيْنُ الْخَطَا:

(۱) اكتسبت أفضل الدرجات في امتحان اللغة العربية بين زملائي! بهترین نمره‌ها را در آزمون زبان عربی در میان همکلاسی‌هایم به دست آوردم!

(۲) يبيع هذا البائع بضاعه بأدنى الأسعار في مدينتنا! این فروشنده اجناسش را با پایین‌ترین قیمت‌ها در شهرمان به فروش می‌رساند!

(۳) السكوت أفضل من أن نذكر عيوب الآخرين في غيابهم! سکوت بهتر از این است که عیب‌های دیگران را در غیابشان بیان نماییم!

(۴) إن الإسلام قد حرم الغيبة، لأنها من أهم أسباب قطع العلاقات! قطعاً اسلام غیبت را حرام نموده است؛ زیرا از سایر عوامل در قطع روابط مهم‌تر است!

۱۱۲۲- «قَدْ تَنَابَرَّ بَعْضُ النَّاسِ بَعْضَ الْأَخْرَيْنِ بِأَسْمَاءٍ قَبِيحَةٍ وَ قَدْ يَسْتَهْزِئُونَ بِهِمْ، إِنَّ هَذَا الْعَمَلَ فَسُوقٌ!»:

(۱) بعضی مردم به بعضی دیگر، اسامی ناپسندی نسبت داده‌اند و گاهی آن‌ها را مسخره می‌کنند، همانا این کار، به گناه افتادن است!

(۲) گاهی برخی مردم به برخی دیگر، نام‌های زشتی می‌دهند و گاهی به وسیله آن‌ها مسخره می‌کنند، همانا این کار از گناهان است!

(۳) برخی مردم به برخی دیگر اسامی زشتی نسبت داده‌اند و با استفاده از آن‌ها به تمسخر می‌پردازند، همانا این کار، به گناه افتادن است!

(۴) شاید بعضی مردم به بعضی دیگر، نام‌های زشتی نسبت بدهند و گاهی آن‌ها را مسخره کنند، همانا این کار، به گناه آلوده شدن است!

۱۱۲۳- «مَنْ يَنْظُرُ فِي عَيْبِ الْأَخْرَيْنِ وَ يَغْفُلُ عَنِ أَخْطَاءِ نَفْسِهِ تَطَهَّرَ الْأَخْلَاقُ السَّيِّئَةَ فِيهَا!»:

(۱) هر کس به عیب‌های دیگران بنگرد و از اشتباهات خود غافل شود، خوی‌های بد در او آشکار می‌گردند!

(۲) کسی که به تمام عیب‌ها بنگرد و از اشتباه خود غافل شود، اخلاق زشت در او نمایان می‌شود!

(۳) هر کس عیب دیگران را نگرست و از اشتباهات خود غافل شد، خوی‌های بد در او آشکار گردید!

(۴) کسی که به عیوب دیگران نگاه کند و از خطاهای خود غفلت بورزد، اخلاق زشت در او نمایان خواهد شد!

عین الخطا

۱۱۲۴- «أرأيت أشجع من هؤلاء الشباب المجتهدين الذين يقفون أمام أعظم مشاكل حياتهم بالسعي والمقاومة؟!»: آیا .....

- ۱) دیده‌ای شجاع‌ترین جوانان تلاشگری را که با سعی و پایداری در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی خود می‌ایستند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۲) شجاع‌تر از این جوانان کوشایی را دیده‌ای که با سعی و مقاومت، فرا روی بزرگ‌ترین سختی‌های زندگی‌شان ایستادگی کرده‌اند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۳) شجاعتی بیشتر از شجاعت جوانان تلاشگر را مشاهده نموده‌ای که در برابر مشکلات بزرگ زندگی خود با تلاش و ایستادگی، مقاومت می‌کنند؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)
- ۴) دلیرتر از این جوانان کوشایی را که در مقابل بزرگ‌ترین مشکلات زندگی‌شان، با سعی و مقاومت می‌ایستند، دیده‌ای؟! (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

۱۱۲۵- «لا تجسسوا في أمور الآخرين لأنه يسبب فضحهم و هو من كبائر الذنوب التي لن يعفها الله!»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۶)

- ۱) در کارهای دیگران دخالت نکنید، زیرا سبب رسوایی‌شان می‌شود و آن از گناهان بزرگی است که خداوند آن را هرگز نمی‌بخشاید!
- ۲) نباید در کارهای دیگران تجسس کنید، چون دلیل رسوایشان می‌شوید و آن از گناهان کبیره است و خداوند هم آن را نخواهد آمرزید!
- ۳) در کارهای دیگران جاسوسی نکنید، زیرا آن سبب رسوایی‌شان می‌شود و از گناهان بزرگی است که خداوند آن را نخواهد آمرزید!
- ۴) در کارهای دیگران تجسس نکنید، چه این کار باعث رسوایی آن‌ها می‌گردد و از گناهان بسیار بزرگ است که خداوند هم شما را نخواهد آمرزید!

۱۱۲۶- «أحب الناس إلى الله يوم القيامة إمام عادل لأن الناس أشبه بأمرائهم أخلاقاً»: (کانون فرهنگی آموزش ۹۵)

- ۱) روز قیامت، خداوند پیشوایان عدل‌پیشه را دوست دارد، چون مردم شبیه فرمانروایانشان هستند!
- ۲) محبوب‌ترین مردم نزد خدا در روز قیامت، پیشوایی عادل است، زیرا مردم از جهت اخلاق به حاکمانشان شبیه‌ترند!
- ۳) دوست‌داشتنی‌ترین فرد در پیشگاه خداوند، حاکم عدل‌گستر است، زیرا انسان‌ها اخلاقشان مثل حاکمانشان می‌شود!
- ۴) روز حساب، محبوب‌ترین مردم برای خدا، فرمانروای عادل است، چون آن‌ها از لحاظ خلق و خو به حاکمان شبیه‌ترند!

۱۱۲۷- عین الخطأ:

- ۱) قال المعلم لمتعلميه تكلموا معاً بالتي هي أحسن! معلم به دانش‌آموزانش گفت که با یکدیگر به وجهی که بهتر است سخن بگویید! (سراسری تهرمی ۹۵)
- ۲) نحن نصلي لله مُطالبين المعونة الإلهية منه! ما نماز می‌خوانیم چون از او یاری الهی را خواستاریم!
- ۳) قلب هذا المؤمن كأنه قد فرغ من غير الله! قلب این مؤمن گویی از غیر خدا خالی شده است!
- ۴) جمال العلم والأدب زينة لا تزول! زیبایی علم و ادب زینتی است که زایل نمی‌شود!

۱۱۲۸- «إذا أساءك أحدٌ مقابل مروءتك إليه، فلا تخبر الناس بما فعل بك حتى لا تزول المروءة في الدنيا!»: (سراسری ریاضی ۹۵)

- ۱) هنگامی که کسی در مقابل جوانمردی‌ت به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!
- ۲) آن‌گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کرد، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۳) چنان چه بدی کردن شخصی به تو در برابر مروءت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۴) اگر شخصی مقابل مروءت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

۱۱۲۹- ﴿عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً﴾: (سراسری هنر ۹۴)

- ۱) بندگان رحمان کسانی هستند که روی زمین به آرامی راه می‌روند! (۲) عبادت‌کنندگان رحمانی آنان هستند که بر زمین هموار راه می‌روند!
- ۳) عبادت‌کنندگان خداوند کسانی هستند که آرام بر کره زمین ره می‌سپارند! (۴) بندگان خداوند رحمانی آنان هستند که بر کره زمین به سادگی راه می‌سپارند!

۱۱۳۰- «الغد المضيء يتعلّق بمن يعرف اليوم و ينتفع به بأحسن وجه!»: (سراسری تهرمی ۹۳)

- ۱) فردای روشنی‌بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود ببرد!
- ۲) فردایی روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳) فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می‌شناسد و برترین نفع را از آن می‌برد!
- ۴) فردایی فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

۱۱۳۱- «أعرض عن هوى نفسك حتى لا يصل ضرره إلى قلبك!»: (سراسری ریاضی ۹۳)

- ۱) از هواهای نفس خود اعراض کن تا به دل تو زیان نرساند! (۲) از هوای نفس خود روی برگردان تا زیان آن به قلبت نرسد!
- ۳) از خواهش‌های نفسانی خویش پرهیز کن تا ضررش به قلب تو نرسد! (۴) از خواهش نفسانی خویش دوری کن تا ضررهایش را به دل تو نرساند!

۱۱۳۲- عین الخطأ:

- ۱) الوالدان يخفق قلبهما لحب أولادهما دائماً! والدین قلبشان همواره به عشق فرزندان‌شان می‌تپد!
- ۲) رأيت إقبال أولادنا على التلفزيون قد ازداد! توجه فرزندانمان را به تلویزیون می‌بینیم که زیاد می‌شود!
- ۳) إن أحب الأعمال عند الله أدمها و إن قلت! محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند بادوام‌ترین آن‌هاست، اگرچه اندک باشد!
- ۴) علی الانسان أن يتحرر من كل عبودية إلا عبودية الله تعالى! بر انسان است که از هر عبودیتی جز عبودیت خداوند تعالی آزاد شود!

۱۱۳۳- «الأفضل للطالب أن ينتخب فرعه الجامعي بدقة حتى لا يندم في المستقبل!»: (سراسری زبان ۹۰)

- ۱) دانش‌آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعداً پشیمان نشود!
- ۲) دانش‌آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می‌کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- ۳) بهتر برای دانش‌آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- ۴) برای هر دانش‌آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعداً دچار پشیمانی نشود!

- ۱۱۳۴- «قد تعلّمت أن لا أعجل في معاتبة أحد بذنب ارتكبه، فلعل الله أراد أن يغفر ذنبيه!»: (سراسری انسانی ۹۰)
- ۱) یاد گرفته‌ام که در سرزنش کردن کسی به سبب گناهی که مرتکب شده عجله نکنم، چه شاید خدا بخواهد از گناه او درگذرد!
  - ۲) مرا فهمانده‌اند که نباید در عیب‌جویی از افراد به سبب گناهان آن‌ها تعجیل کنم، چه بسا بخواهد از گناه آن‌ها گذشت کند!
  - ۳) فهمیده‌ام که در عیب‌گیری از اشخاص به خاطر گناه‌کردنشان نباید شتاب داشته باشم، چه بسا خدا بخواهد آن‌ها را بیمارزد!
  - ۴) به من آموخته‌اند که نباید در سرزنش هیچ فردی به خاطر گناهش عجله کرد، چه شاید آمرزیده‌ خداوند باشد!
- ۱۱۳۵- «زَبْنُوا أَنْفُسَكُمْ فِي الدُّنْيَا بِمَا يَلِيْقُ لِأَخْرَتِكُمْ مِنَ الدُّنْيَا، مَا دَامَتِ الْفُرْصَةُ بَاقِيَةً لَكُمْ!»: (سراسری انسانی ۹۰)
- ۱) تا فرصت دارید در این دنیا به چیزی مزین شوید که شایسته آخرت شما است!
  - ۲) در این دنیا از خود دنیا آن‌چه را شایسته شماست برای آخرت بیابید تا فرصت آن را دارید!
  - ۳) از خود دنیا برای آخرت خود آن‌چه شایسته است زینت خویش سازید تا فرصتی برایتان باقی است!
  - ۴) تا فرصت برایتان باقی است، در دنیا خویشتن را بدان‌چه از خود دنیا شایسته آخرتتان است بیارید!
- ۱۱۳۶- «شعرت بأنّ الشيطان يَقهقهه و يسخر مَنّي عند عصيان ربّي!»: (سراسری انسانی ۹۰)
- ۱) گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
  - ۲) هنگام نافرمانی از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
  - ۳) هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه شیطان واقع شده‌ام!
  - ۴) احساس کردم گویی این قهقهه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!
- ۱۱۳۷- «يجب أن ننظر في عيوب أنفسنا حتّى نغفل عن عيوب الآخرين، لأنّ من ينظر في عيوب النّاس ينس عيوب نفسه!»: (سراسری تهرنی ۸۹)
- ۱) فقط باید عیوب خود را ببینیم، زیرا اگر به عیوب مردم نگاه کنیم قطعاً عیب‌های خود را فراموش می‌کنیم!
  - ۲) نگرستن در عیوب خود غفلت از عیب‌های دیگران است، زیرا کسی که عیوب مردم را نگاه می‌کند خود را فراموش کرده است!
  - ۳) باید در عیب‌های خود بنگریم تا از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا هر کس در عیب‌های مردم بنگرد عیب‌های خود را فراموش می‌کند!
  - ۴) لازم است در عیب‌های خود بنگریم تا این‌که از عیب‌های دیگران غافل شویم، زیرا نگاه کردن در عیب‌های مردم فراموش کردن عیب خود است!
- ۱۱۳۸- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری زبان ۸۹)
- ۱) الظّلم على الضعیف أقیح الظّلم، و هذا العمل مذموم! ظلّم بر ضعیف، زشت‌ترین ظلم است و این کار ناپسند است!
  - ۲) الزاهدون یجتنبون الخطیئات، و هؤلاء محبوبون عند الله! زاهدان از خطاها دوری می‌کنند و این‌ها پیش خدا محبوب‌اند!
  - ۳) النّاس یذنبون و قلیل من هؤلاء المذنبین یتوبون! مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این‌ها گناهکارانی هستند که توبه می‌کنند!
  - ۴) یعبد العابدون الله فی اللیل المظلم و هذا اللیل کسیر لهم! عابدان خدا را در شب تاریک عبادت می‌کنند و این شب مانند پوششی برای آن‌هاست!
- ۱۱۳۹- «أفضل النّاس من یبدأ بتأدیب نفسه قبل تأدیب غیره!»: (سراسری زبان ۸۸)
- ۱) بهترین مردم آن کسی است که خود را قبل از دیگران تأدیب کند!
  - ۲) بلندمرتبه‌ترین مردم کسی است که قبل از دیگری به تأدیب خود پردازد!
  - ۳) فاضل‌ترین مردم آن است که ادب‌کردن نفس خویش را بر دیگران ترجیح دهد!
  - ۴) برترین مردم کسی است که قبل از تأدیب دیگری به ادب‌کردن خود پردازد!
- ۱۱۴۰- عَيْنُ الصّحیح: (سراسری ریاضی ۸۷)
- ۱) طوبی لمن یشغله عیبه عن عیوب الآخرين: خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیوب دیگران بازدارد،
  - ۲) و لا یشغله مقامه و لا یغزه ماله فی هذه الدنیا: و در این دنیا مقام او را به خود مشغول نکرد و مال او را مغرور نکرد،
  - ۳) و یعظّم الله کما عظّم الله نفسه: و خدا را بزرگ داشت همان‌طور که خود بزرگ داشته شده،
  - ۴) فهکذا إذا مات یكون رسول الله أنیسه! این‌گونه است که زمان مرگ، مونس رسول خدا می‌شود!
- ۱۱۴۱- «یا عباد الله! لا تحزنوا فأنتم فی أعلى درجه إن کنتم محبّین له!» ای بندگان خدا ..... (سراسری تهرنی ۸۷)
- ۱) غم نخورید، چه شما اگر دوستدار او باشید در برترین مرتبه هستید!
  - ۲) غمگین مشوید در حالی که در بهترین مراتب هستید اگر دوستدار وی باشید!
  - ۳) هرگز غم نخورید، چه شما اگر او را دوست بدارید در بالاترین درجات قرار می‌گیرید!
  - ۴) هیچ‌گاه غمگین مشوید در حالی که در بالاترین مرتبه‌اید تا زمانی که دوستدار او هستید!
- ۱۱۴۲- عَيْنُ الْخَطَا: (سراسری انسانی ۸۷)
- ۱) ألیس العلم أحبّ إلیک من الثروة؟ آیا نزد تو علم محبوب‌تر از ثروت نیست؟
  - ۲) الله أعلم بما نعمل فی کلّ زمن! خداوند بر آن‌چه در هر زمان انجام می‌دهیم آگاه‌تر است!
  - ۳) هذان البلدان أكبر بلدین شاهدتهما! این دو شهر از شهرهای بزرگی هستند که آن‌ها را شناخته‌ام!
  - ۴) إنّ أحسن التلامیذ من یساعدون الآخرين! بهترین دانش‌آموزان کسانی هستند که به دیگران مساعدت می‌کنند!

خوبی



- ۱) اِثْمَهُ كَانَ مِنْ أَعْظَمِ شِعْرَاءِ عَصْرِهِ يَنْشُدُ الشَّعْرَ بِاللُّغَتَيْنِ الْفَارْسِيَّةِ وَالْعَرَبِيَّةِ!
- ۲) هُوَ مِنْ كِبَارِ الشُّعْرَاءِ فِي زَمَانِهِ وَ قَدْ أَنْشَدَ الشَّعْرَ بِاللُّسَانَيْنِ الْعَرَبِيَّةِ وَالْفَارْسِيَّةِ!
- ۳) اِثْمَهُ أَعْظَمُ شَاعِرٍ فِي عَصْرِهِ وَ كَانَ يَنْشُدُ الْأَشْعَارَ بِلُغَتَيْنِ الْفَارْسِيَّةِ وَالْعَرَبِيَّةِ!
- ۴) هُوَ أَكْبَرُ شِعْرَاءِ زَمَانِهِ وَ كَانَ قَدْ أَنْشَدَ الْأَشْعَارَ بِلِسَانَيْنِ الْعَرَبِيِّ وَالْفَارْسِيِّ!

- ۱) نعم القدرة، الغرورُ أمامَ الظالمين!؛ بهترین نوع قدرت، غرورداشتن در مقابل ستمگران است!
- ۲) بئسَ الشَّيْمَةُ أَنْ لَا تَعْفُوَ عَنِ الْآخِرِينَ!؛ این‌که تو از همه در نمی‌گذری خصلت بدی است!
- ۳) نعم الكوكب، كوكب سعادتي في سماء حياتي!؛ چه خوب است ستارهٔ سعادت من در آسمان زندگی!
- ۴) بئسَ الأمل، أمل اكتساب مال الدنيا الرخيص!؛ آرزوی به دست آوردن مال ارزان دنیا بد آرزویی است!

- ۱) دانش‌آموزان از آموزگارشان درخواست نصیحت با جملات بارز و پرفایده‌ای را کردند!
- ۲) شاگردان از معلمان خود خواستند که با آنان به وسیلهٔ کلمات پر بار و مفید به نصیحت بنشینند!
- ۳) شاگردان از آموزگاران خود درخواست کردند که سخنانی بارز و سودمند را به عنوان نصیحت بگویند!
- ۴) دانش‌آموزان از معلم خویش خواستند تا آنان را با کلماتی ارزشمند که برای آن‌ها مفید باشد، نصیحت کند!

- ۱) أكثر الحيوانات التي في بيئتها لها تكيف معها!
- ۲) كثيراً من الحيوانات تعيش في البيئة التي تكيفت النفس لها معها!
- ۳) كثير من الحيوانات تكيفت نفسها مع البيئة التي عاشت فيها!
- ۴) أكثر الحيوانات قد تكيفت نفسها مع البيئة التي تعيش فيها!

- ۱) إنَّ أسهل طريق للتعليم رجوع الدروس!
- ۲) إنَّما مراجعة الدروس طريق سهل للتعلُّم!
- ۳) مراجعة الدروس أسهل طريق للتعلُّم!
- ۴) الرجوع إلى الدروس أسهل من طريق التعليم!

- ۱) آرزوی دل خلقی تو به شیرین‌سخنی
- ۲) به دوزخ برد مرد را خوی زشت
- ۳) چه روی است این‌که دیدارش برداز من شکیبایی
- ۴) سعدی از اخلاق دوست هر چه برآید نکوست

- ۱) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ؛ عیب‌کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش
- ۲) شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ؛ تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت
- ۳) بئسَ الاسمُ الفسوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ؛ گنه‌کار اندیشناک از خدای / به از پارسایی عبادت‌نمای
- ۴) رَبُّ سَكُوتٍ أْبْلَغُ مِنَ الْكَلَامِ؛ صدف‌وار باید زبان در کشیدن / که وقتی که حاجت بود دُر چکانی

- ۱) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾: الاجْتِنَابُ مِنَ الْعَجَبِ!
- ۲) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾: الْمَوْعِظَةُ وَالْحَوَازُ مَعَ الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ!
- ۳) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ: الدَّعْوَةُ إِلَى الْخُلُقِ الْحَسَنِ!
- ۴) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ: الدَّعْوَةُ إِلَى تَعْلِيمِ النَّاسِ بِمَا نَتَعَلَّمُهُ!

- ۱) بزرگان نکردند در خود نگاه
- ۲) رهرو آن نیست که گه تند و گه‌ی خسته رود
- ۳) ز خاک آفریدت خداوند پاک
- ۴) فروتن بُود هوشمند گزین

- ۱) پندم چه دهی نخست خود را
- ۲) آینه چون عیب تو بنمود راست
- ۳) با بدان کم نشین که درمانی
- ۴) هان بیا تا عیب هم پوشیم چون دلق و کلاه



١١٥٣- ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ﴾ تمنعنا الآية عن:

- (١) العُجْب (٢) الغيبة (٣) الكِذْب (٤) سوء الظنِّ

١١٥٤- «عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل!» عيّن الصّحيح في المفهوم:

- (١) از بس که مهر دوست به دل جا گرفته است  
(٢) گر زهر دهد تو را خردمند بنوش  
(٣) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است  
(٤) رازی که بر غیر نگفتیم و نگوییم

١١٥٥- عيّن الخطأ في أجوبة الأسئلة للحوارات التالية:

- (١) بكم تومان هذه الفساتين؟ خمسة و سبعون ألفاً!  
(٢) كم صار المبلغ؟ أصبَحَ مئتين و ثلاثين ألفاً!  
(٣) هل لك أرخص من هذا؟ نعم عندنا أبيض و أسود!  
(٤) هل تريد سروال أكبر من هذا؟ نعم أريد أكبر من هذا!

(كانون فرهنگي آموزش ٩٧)

١١٥٦- ما هو الصّحيح في العبارات التالية حسب الحقيقة؟

- (١) ذو الوجّهين محبوب عند الرّملاء!  
(٢) يقبل الحكم كل هدف في مباراة كرة القدم!  
(٣) لا يختلف سعر الملابس حسب التوعيات!  
(٤) يسعر الفضة أرخص من الذهب!

(كانون فرهنگي آموزش ٩٧)

١١٥٧- عيّن الخطأ حسب الحقيقة:

- (١) هذه حكمة نافعة: ينس الجليس الكتاب!  
(٢) بعث الأنبياء للتخفيض من عيوب الإنسان!  
(٣) إن الله قد حرّم الكسب من الحرام!  
(٤) سورة البقرة أكبر سورة في القرآن!

(كانون فرهنگي آموزش ٩٧)

١١٥٨- عيّن ما يُعادل المثل التالي: «خير الأمور أوسطها!»

- (١) خير الخصال حفظ اللسان!  
(٢) خير الأصحاب من ذلك على الخير!  
(٣) نه چندان بخور کز دهانت برآید / نه چندان که از ضعف جانت برآید  
(٤) دهل را کاندرون زندان باد است / به گردون می رسد فریادش از پوست

(كانون فرهنگي آموزش ٩٧)

١١٥٩- عيّن الصّحيح في الحوار بين البائع و الزائر:

- (١) بكم تومان هذه السراويل؟ ← السراويل النسائية بخمسة و تسعين ألف تومان.  
(٢) أريد سراويل أفضل من هذه. ← هذه الأسعار غالية.  
(٣) كم سعر هذا القميص الرجالي؟ ← أبيض و أسود و أزرق.  
(٤) كم صار المبلغ؟ ← أعطيني بعد التخفيض.

## قواعد

١١٦٠- عيّن ما كلّه اسم التفضيل:

- (١) أخصر - أقل - أعلى - أضغر  
(٢) أقوى - أراذل - أبعد - أشهر  
(٣) أسود - أبيض - خير - أخضر  
(٤) أكثر - أصل - أقدم - أصبَح

١١٦١- عيّن ما كلّه اسم التفضيل:

- (١) أبيض - أضغر - أجود  
(٢) أنقى - أحب - أعلم  
(٣) أرحم - أزرق - أغلى  
(٤) أشد - أضفر - أكبر

١١٦٢- عيّن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) سيهلك الأفاضل من الناس عندما يحكمهم ملك ظالم!  
(٢) قافلة الزوّار ستندفع إلى مشهد المقدّسة في الساعة السابعة غداً!  
(٣) لما ننظر إلى التور الأحمر نشعر بتعب شديد!  
(٤) من بذّر بذور الخير فحصاده ينفعه بلا شك!

١١٦٣- عيّن ما ليس فيه اسم المكان:

- (١) ﴿و ماواهم جهنم و ينس المصير﴾  
(٢) في طريقنا نحو أصفهان توقفتنا ساعة لأكل الطعام في مطعم نظيف!  
(٣) الغريب في الأمر هو أن جميع الأسماك المنتشرة على الأرض في ظاهرة مطر السمك من نوع واحد!  
(٤) يبعد مرقد ثامن أئممتنا مسافة ثمانمئة كيلومتر تقريباً عن طهران!

١١٦٤- عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) ﴿إني أعلم ما لا تعلمون﴾  
(٢) فقيهة واحد أشد على الشيطان من ألف عابد!  
(٣) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه!  
(٤) من غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم!

١١٦٥- عيّن «خير» ليس اسم التفضيل:

- (١) خير إخوانكم من أهدى إليكم عيوبكم!  
(٢) ﴿و لو أنهم صبروا حتى تخرج إليهم لكان خيراً لهم﴾  
(٣) ﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره﴾  
(٤) ﴿بقيّة الله خير لكم إن كنتم مؤمنين﴾

## ١١٦٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) إِنَّ نَهْرَ التَّيْلِ أطولُ الْأَنْهَارِ فِي الْعَالَمِ!

(٣) مَا كَانَتْ قِيَمَةُ الْمَلَابِسِ فِي الْعِرَاقِ أَرْخَصَ مِنْ إِيْرَانِ وَلَكِنْ اشْتَرَيْتَهَا لِلْهَدِيَّةِ!

## ١١٦٧- عَيْنُ الْخَطَا عَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ:

(١) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ! اسم التفضيل

(٣) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ! اسم التفضيل

## ١١٦٨- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ فِي مَحَلِّ الْمَفْعُولِ:

(١) الْقِيَامُ بِالْوَجِيبَاتِ الدَّرَاسِيَّةِ أَقَلُّ شَيْءٍ تُرِيدُ مِنَ الطَّلَابِ!

(٣) مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ!

## ١١٦٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمَحْدَدَةِ:

(١) لِعِبَادِ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ رِزْقٌ مَعْلُومٌ! اسم مفعول - خبر

(٣) عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ! اسم تفضيل - خبر

## ١١٧٠- عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) الَّذِي أَحْسَنَ عَمَلَهُ يَفْرَحُ فِي التَّهَيُّاتِ!

(٣) أَحْسَنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ!

## ١١٧١- عَيْنُ «الْآخِرِينَ» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

(٣) أحياناً نَعِيبُ مَا فِي الْآخِرِينَ وَفِينَا نَفْسُ الصِّفَاتِ أَيْضاً!

## ١١٧٢- عَيْنُ «خَيْرٍ» يَكُونُ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ!

(٣) ﴿فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَنَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْراً كَثِيراً﴾

## ١١٧٣- عَيْنُ مَا فِيهِ «اسْمُ التَّفْضِيلِ» أَكْثَرُ:

(١) ﴿وَمَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ﴾

(٣) إِنَّهُ كَانَ مِنْ أَعْظَمِ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ وَأَشَدَّهُمْ إِهْتِمَاماً بِنَشْرِ الْعِلْمِ!

## ١١٧٤- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَعْيَنَةِ:

(١) الْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنٌ! مبتدأ مؤخر

(٣) أُعْجِزُ النَّاسَ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ! مبتدأ

## ١١٧٥- عَيْنُ عِبَارَةٍ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ التَّفْضِيلِ مَعاً:

(١) أَكْثَرُ الْمَلَاعِبِ الْمُتَقَدِّمَةِ مَجْهَرَةٌ بِمَصَابِيحِ لَيْلِيَّةٍ!

(٣) الَّذِي يَكْفُلُ مَعَاشَ أُسْرَتِهِ أَحَقُّ بِدُخُولِ الْجَنَّةِ مِمَّنْ يَغْبُدُ دَائِماً!

## ١١٧٦- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ لَيْسَ خَيْراً:

(١) ﴿... وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾

(٣) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!

## ١١٧٧- عَيْنُ الْخَطَا فِي اسْتِخْدَامِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) جَبَلُ دِمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانِ!

(٣) فَاطِمَةُ كَبْرَى مِنْ صَدِيقَتِهَا سَتاً!

## ١١٧٨- عَيْنُ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) خَيْرُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَصْدِقَائِكَ!

(٣) مَا رَأَيْتُ إِلَّا خَيْراً فِي كَلَامِ أَبِي!

## ١١٧٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ كَلِمَاتٍ: «مُحَرَّمٌ - مَطَاعِمٌ - خَلَاقٌ - حُسْنِيٌّ».

(١) اسم الفاعل - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل

(٣) اسم المفعول - اسم المكان - اسم المبالغة - اسم التفضيل

## ١١٨٠- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ!

(٣) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَنْ يَدْعُونِي إِلَى الْمَعَاصِي!

(٢) هَذِهِ الطَّالِبَةُ كَبْرَى مِنْ زَمِيلَاتِهَا فِي الصَّفِّ عَقْلاً!

(٤) أُخْتِي الْكُبْرَى تَدْرُسُ فِي فَرْعِ الْإِقْتِصَادِ الصَّنَاعِيِّ!

(٢) قَدْ دُفِنَ أَرْبَعَةٌ مِنْ أُمَّتِنَا فِي مَقْبَرَةِ الْبَقِيعِ! اسم المكان

(٤) قَدْ كَانَ الْمَحْمُولُ إِحْدَى وَسَائِلِ التَّقْلِ وَالرَّكْبِ فِي قَدِيمِ الزَّمَانِ! اسم المكان

(٢) أَثْقَلُ الْأَشْيَاءِ فِي الْمِيزَانِ هُوَ الْخُلُقُ الْحَسَنُ!

(٤) أَقْدَمَ أَحْزَرَ التَّهَانِيَّ إِلَى صُيُوفِنَا فِي هَذِهِ الْحَفْلَةِ!

(٢) عَلَيْنَاكُمْ بِأَوْسَطِ الْأُمُورِ فَإِنَّ لَهَا نَتَائِجَ جَيِّدَةً! اسم تفضيل - مبتدأ

(٤) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ! اسم مكان - مفعول

(٢) أَحْسَنُ الْأَوْلَادِ مَنْ يَحْتَرِمُ وَالِدَيْهِ!

(٤) أَحْسَنَ السَّابِّ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِ!

(٢) التَّوَّاضَعُ أَمْرٌ جَمِيلٌ يُمَكِّنُ أَنْ يُؤْتَرَ فِي الْآخِرِينَ!

(٤) التَّجَسُّسُ فِي أُمُورِ الْآخِرِينَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِهِمْ!

(٢) ﴿... عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْراً مِنْهُمْ﴾

(٤) كَلِمَةُ خَيْرٍ تُفِيدُ أَفْضَلَ مِنْ كِتَابٍ لَا فَائِدَةَ لَهُ!

(٢) أُمِرْنَا بِالْإِعْتِدَالِ فِي أَعْمَالِنَا فَإِنَّ خَيْرَ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا!

(٤) أَقْرَبُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ رَحْمَةً وَأَقْلَبُهُمْ غَضَباً!

(٢) لَا يُمَكِّنُ أَنْ تُعَدَّ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا! مفعول به

(٤) لَا يُمَكِّنُ الْاعْتِمَادَ عَلَى مَنْ لَا يُعْتَقَدُ الْأَمَانَةَ! مفعول به

(٢) هُنَاكَ عَمَّالٌ يَشْتَعِلُونَ فِي مَصَانِعِ خَارِجِ الْمَدِينَةِ!

(٤) فَرِيقٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ الْإِيْرَانِيِّينَ صَعِدُوا أَعْلَى الْجِبَالِ فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ!

(٢) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾

(٤) لِي سَبَبٌ آخَرَ لِعَدَمِ حُضُورِي فِي الْحَفْلَةِ إِضَافَةً إِلَى مَرَضِي!

(٢) قَالَ: أَنَا أَعْلَمُ بِمَا لَا تَعْلَمُونَ!

(٤) أَكَمَلَ النَّاسَ إِيمَاناً أَحْسَنَهُمْ خُلُقاً!

(٢) أُرِيدُ لَكُمْ الْخَيْرَ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ!

(٤) ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظاً وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾

(٢) اسم المفعول - اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم المبالغة

(٤) اسم الفاعل - اسم المفعول - اسم التفضيل - اسم المكان

(٢) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ وَ لَا يُعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ!

(٤) أَغْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحَرَصِ أَسِيراً!

١١٨١- «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غَيُوبَكُمْ» عَيْنُ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ:

- (١) جمع التكمير (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل المجزء الثلاثي (٤) حرف الجر  
١١٨٢- ﴿وَوَجَدْتُهُمْ بِاللَّيْلِ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ﴾ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ:  
(١) الفعل المتعدي (٢) اسم التفضيل (٣) الفعل الماضي (٤) اسم الفاعل

١١٨٣- عَيْنُ مَا جَاءَ فِيهِ اسْمُ الْمِبَالِغَةِ:

- (١) الظواهر الطبيعية آية من آيات الله التي تَفَعُّ أَمَامَ عِيُونِنَا!  
(٢) أَيَّامُ الدِّرَاسَةِ مِنَ الْإِيَّامِ الْجَمِيلَةِ. لِعَتْنَمُوا هَذِهِ الْإِيَّامَ!  
(٣) الْكَفَّارُ يَظُنُّونَ أَنَّ النَّائِمَ فِي الْفِرَاشِ هُوَ الرَّسُولُ ﷺ!  
(٤) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

١١٨٤- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي اسْمُ التَّفْضِيلِ فِيهَا يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَعْنَى:

- (١) شَجَرَةُ السَّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ!  
(٢) ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾  
(٣) تَعَرَّفْتُ عَلَى أَنْفَعِ الْأَدْوِيَةِ لِهَذَا الْمَرَضِ!  
(٤) الْقَرْيَةُ أَجْمَلُ مِنَ الْمَدِينَةِ جَدًّا!

١١٨٥- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «قَالَ مُضَيِّعٌ أَمْوَالِي لِي فِي الْمَحْكَمَةِ عِنْدَ الْقَاضِي: أُرْسِلْ لَكَ أَكْثَرُ أَمْوَالِكَ!»

- (١) اسم الفاعل للمزيد - اسم المكان  
(٢) اسم الفاعل للمجرد - اسم التفضيل  
(٣) اسم المفعول للمزيد - فعل مجهول  
(٤) اسم التفضيل - اسم المكان

١١٨٦- عَيْنُ الْخَطَأِ عَنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مَتِي فَاحْتَرَمُهَا!  
(٢) بَيْتُ الْإِطْفَالِ الْفُقَرَاءِ أَجْمَلُ مِنْ بَيْتِ الْآخَرِينَ!  
(٣) السَّيِّدُ الْحَسِينِيُّ مِنْ أَفْضَلِ الْمُعَلِّمِينَ!  
(٤) أُخْتِي صَغْرَى مَتِي عَمْرًا. أَلْعَبُ كُلَّ يَوْمٍ مَعَهَا!

١١٨٧- عَيْنُ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) الْكُذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ!  
(٢) لِأَدْخُلُ مَتَجَرَّ صَدِيقِي وَأَسْأَلُ أَسْعَارَ السَّرَاوِيلِ!  
(٣) السَّائِحُ ذَهَبَ إِلَى أَكْبَرِ الْمَكْتَبَةِ فِي خُوزِسْتَانَ!  
(٤) الْعَمَالُ يَنْصَرِفُونَ إِلَى الْمَصَانِعِ لِيَعْمَلُوا بِدَقَّةٍ!

١١٨٨- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ لَيْسَ خَيْرًا:

- (١) هَذِهِ الْقِصَّةُ الَّتِي سَمِعْتَهَا مِنْكَ أَنْفَعُ الْقِصَصِ!  
(٢) أَنْتَ أَقْوَاهُمْ فِي الْجِسْمِ هَلْ تُسَاعِدُنِي يَا أَخِي!  
(٣) شَهِدَاؤُنَا فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ خَيْرُ النَّاسِ إِيمَانًا وَ عَمَلًا!  
(٤) هَذَا الشَّارِعُ شَارِعٌ أَطْوَلُ مِنْ ذَلِكَ الشَّارِعِ!

١١٨٩- عَيْنُ الْخَطَأِ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- (١) الصَّادِقُونَ لَا يَكْذِبُونَ الْحَقَائِقَ حَوْلَهُمْ! (المبتدأ - المفعول)  
(٢) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَغْتَنِمَ الْفُرْصَ فِي الْخَبْرِ حَيَاتِهِ! (المجورور بحرف الجر - الفاعل)  
(٣) أَرِيدُ الْمُعَلِّمَ الْحَادِقَ لِتَرْبِيَةِ أَوْلَادِي! (صفة - مضاف إليه)  
(٤) لِمَدْرَسَتِنَا بَابٌ أَبْيَضٌ فِي مَدْخَلِهَا! (الخبر المقدم - المبتدأ المؤخر)

١١٩٠- عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ التَّفْضِيلِ مَعًا:

- (١) قَدْ طَالَعْتُ أَكْثَرَ الْكُتُبِ الْعِلْمِيَّةِ الَّتِي تَوْجَدُ فِي مَكْتَبَةِ الْمَدْرَسَةِ!  
(٢) أَحْسِنُ إِلَى مَنْ هُوَ غَافِلٌ عَنِ الْأُمُورِ الْمُهِمَّةِ!  
(٣) أَسْتَاذُنَا الْعَالِي فِي مَدْرَسَتِنَا أَكْثَرَ اشْتِهَارًا بِمَدَارِسِ طَهْرَانَ!  
(٤) هَلْ تَعْلَمُ يَا صَدِيقِي: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمًا!

١١٩١- أَيُّ مَطْلُوبٍ لَا يَوْجَدُ فِي الْعِبَارَاتِ:

- (١) ﴿إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾ (اسم المبالغة)  
(٢) عَلَى الْوَلَاةِ أَنْ يَشْجَعُوا النَّاسَ عَلَى التَّفَكُّرِ وَ التَّعَلُّمِ! (اسم الفاعل)  
(٣) تَعَالَى نَدَّهَبُ إِلَى الْمَلْعَبِ لِشَاهِدَ فَرِيقِنَا! (اسم المكان)  
(٤) مَشَاوِرَةُ الْمُشْفِقِ الْجَاهِلِ خَطِرٌ! (اسم المفعول)

١١٩٢- عَيْنُ «خَيْرٍ» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ!  
(٢) تَوَكَّلْنَا عَلَى اللَّهِ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ يَجْلِبُ لَنَا الْخَيْرَ وَ السَّعَادَةَ!  
(٣) أُرْسَدْنَا إِلَى خَيْرِ السَّبِيلِ مَنْ كَانَ يُعَلِّمُنَا!  
(٤) ﴿عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾

١١٩٣- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾  
(٢) أَحْسَنُ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا دَائِمًا!  
(٣) لِلْبَلْبَلِ خَيْرٌ الْأَصْوَاتِ مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الطَّيْرِ!  
(٤) شَرُّ الْأَصْدِقَاءِ مَنْ هُوَ جَاهِلٌ فِي الْأُمُورِ!

١١٩٤- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ:

- (١) عِنْدَمَا فَهَمَّتْ الزَّلْزَالُ تَرَكْتُ مَكَانِي وَ أَسْرَعْتُ إِلَى الشَّارِعِ!  
(٢) كَانُ مَوْعِدَ لِقَائِنَا مَعَ الْأَصْدِقَاءِ عِنْدَ مَدْخَلِ الْمَدْرَسَةِ!  
(٣) لَمْ يَفْتَحْ بَابُ قَاعَةِ الْإِنْتِظَارِ فِي الْمَطَارِ فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ!  
(٤) جَاءَ النَّبِيُّ ﷺ عِنْدَمَا كَانَتِ الدُّنْيَا مَمْلُوءَةً بِالشَّرِّ وَ الْمَعَاصِي!

١١٩٥- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

- (١) أَنَا أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ! (اسم التفضيل)  
(٢) قَالَ الْعَالِمَةُ بِشَهَامَةِ: لَا تَخَافُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا! (فاعل)  
(٣) الْبَائِعُ قَدْ عَرَفْنِي. تَعَالَى نَدَّهَبُ إِلَى مَتَجَرَّ آخِرًا! (مفعول)  
(٤) لِمَاذَا لَيْسَ بَعْضُ النَّاسِ شَاكِرِي نَعْمَ اللَّهِ؟ (مضاف إليه)

١١٩٦- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَحَبُّ هَذَا الْفَلَمِ الرَّائِعِ لِأَنَّهُ جَمِيلٌ جَدًّا!  
(٢) رَبَّنَا أَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَ إِزْحَمْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ!  
(٣) أَعْلِمْتُ أَجَلٌ مِنْ مَعْلَمٍ يَبْنِي وَ يَنْشِئُ أَنْفُسًا!  
(٤) ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾

- (١) قَتَلَ ← اسم المكان: مَقْتَلٌ / اسم المفعول: مَقْتُولٌ  
 (٢) نَفَعَ ← اسم التفضيل: أُنْفَعُ / اسم الفاعل: مُنْتَفِعٌ  
 (٣) عَلِمَ ← اسم الفاعل من باب التعجيل: مُتَعَلِّمٌ / اسم التفضيل: أَعْلَمُ  
 (٤) صَدَقَ ← اسم الفاعل من باب التفعُّل: مُتَّصِدِقٌ / اسم التفضيل: صَادِقٌ
- ١١٩٨- كم اسماً مشتقاً جاء في الآية التالية؟ ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

(١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١١٩٩- عَيْنُ عِبْرَةٍ لَيْسَ فِيهَا اسْمٌ مُشْتَقٌّ:

- (١) ﴿إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾  
 (٢) ﴿عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ﴾  
 (٣) ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ﴾  
 (٤) ﴿كُلَّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾
- ١٢٠٠- عَيْنُ اسْمٍ مُشْتَقٍّ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِيُّ:
- (١) ﴿لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾  
 (٢) من جَرَّبَ المَجْرَبَ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ!  
 (٣) فقد استفاد من اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ!  
 (٤) ﴿إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَاماً﴾
- ١٢٠١- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْأَسْمَاءِ الْمَشْتَقَّةِ: «شَجْرَةُ النَّفْثِ شَجْرَةٌ بِسْتِخْدَامِهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَّاحٍ حَوْلَ مَزَارِعِهِمْ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ!»

- (١) مفعول به - مجرور بحرف الجرّ - مضاف إليه  
 (٢) فاعل - مضاف إليه - مضاف إليه  
 (٣) فاعل - مجرور بحرف الجرّ - مفعول به  
 (٤) مفعول به - مضاف إليه - مفعول به
- ١٢٠٢- كم اسماً مشتقاً جاء في عبارة «كانت مكتبة جندي سابور في خوزستان أكبر مكتبة في العالم القديم!»؟
- (١) اثنان (٢) ثلاثة (٣) أربعة (٤) خمسة
- ١٢٠٣- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ مَعْنَاهُ عَنِ الْبَاقِي:
- (١) جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا!  
 (٢) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ!  
 (٣) سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ!  
 (٤) أَسِيَا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ!

- ١٢٠٤- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ التَّفْضِيلِ أَوْ اسْمُ الْمَكَانِ؟
- (١) أَحْسَنْتِ، الْجِنْفَاطُ عَلَى هَذِهِ الْمَلَاعِبِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ!  
 (٢) ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾  
 (٣) ﴿أَحْسَنُ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ﴾  
 (٤) يُحِبُّ الْأَبَاءَ وَالْأُمَّهَاتِ رُؤْيَةَ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ!

- ١٢٠٥- عَيْنٌ جَوَاباً فِيهِ أَسْمَاءُ التَّفْضِيلِ وَالْمَكَانِ فَقَطُّ:
- (١) أَعْلَى - مَسْجِدٌ - كَذَّابٌ  
 (٢) صُغْرَى - مَرْزُوقٌ - أَكْبَرُ  
 (٣) آخِرٌ - صَادِقٌ - مَنْزِلٌ  
 (٤) مَشْهَدٌ - فَضْلَى - مَكْتَبٌ

- ١٢٠٦- عَيْنٌ مَا فِيهِ اسْمُ الْمَكَانِ وَاسْمُ التَّفْضِيلِ مَعاً:
- (١) كُلُّ يَوْمٍ أَذْهَبُ مَعَ صَدِيقِي إِلَى الْمَكْتَبَةِ!  
 (٢) الطَّائِوَسُ أَجْمَلُ طُيُورٍ فِي هَذِهِ الْغَابَةِ!  
 (٣) قَصِدْتُ الرَّجُوعَ إِلَى الْمَصْنَعِ وَتَكَلَّمْتُ مَعَ مُدِيرِهِ!  
 (٤) أَنْتَ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ تَكُونُ أَحَقُّ النَّاسِ بِالْحُكْمِ!

- ١٢٠٧- كم اسم التفضيل و اسم المكان معاً يُوجَدُ فِي الْعِبْرَةِ التَّالِيَةِ؟
- «ذَهَبْتُ إِلَى مَصْنَعِ أُخْتِي الصُّغْرَى؛ وَاشْتَرَيْتُ قَمِيصاً أبيضَ وَ سِرْوَالَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ.»
- (١) ثلاثة (٢) أربعة (٣) خمسة (٤) ستة

- ١٢٠٨- عَيْنُ كَلِمَةٍ «خَيْرٌ» تَدُلُّ عَلَى التَّفْضِيلِ:
- (١) قَالَ تَلْمِيذِي بِفَرَحٍ: أَنَا بَخِيرٌ، شَكَرْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ!  
 (٢) قُلْتُ لِأَصْدِقَائِي: الْخَبْرُ فِي مَا وَقَعَ، لَا تَبْأَسُوا وَ لَا تَحْزَنُوا!  
 (٣) قَالَ اللَّهُ لِعِبَادِهِ: إِنَّا جَعَلْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ خَيْرًا كَثِيرًا لَكُمْ!  
 (٤) إِنِّي قُلْتُ: الصَّلَاةُ فِي هَذِهِ اللَّحَظَاتِ خَيْرٌ مِنْ نَعْمَلِهِ جَمِيعاً!

- ١٢٠٩- عَيْنٌ مَا فِيهِ اسْمٌ تَفْضِيلٍ وَ اسْمٌ مَكَانٍ وَ اسْمٌ فَاعِلٍ مَعاً:
- (١) كَانَتْ مِنْ أَهَمِّ وَصَايَا النَّبِيِّ ﷺ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ الَّتِي بُعِثَ لَهَا!  
 (٢) عَلَيَّ الشَّبَابُ أَنْ يَكُونُوا مُشْتَاقِينَ الْأَعْمَالِ الصَّالِحَةِ!  
 (٣) فِي مَكْتَبَةِ مُدْرِسِنَا أَكْثَرُ مِنْ أَلْفِ كِتَابٍ!  
 (٤) فِي مَزَارِعِ إِيْرَانَ الْكَبِيرَةِ تَنْمُو نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لَهَا خَوَاصُّ!

- ١٢١٠- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمٌ التَّفْضِيلِ:
- (١) أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيْرَانَ دَمَاوَنْدَا!  
 (٢) أَخِي أَحَبُّ كُرَةِ الْقَدَمِ فِي زَمَنِ طِفْلِيَّتِهِ!  
 (٣) أَقَلُّ النَّاسِ دَرَجَةٌ فِي الْآخِرَةِ أَهْلُ الْمَعَاصِي!  
 (٤) فَاطِمَةُ الْكُبْرَى بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ!

- ١٢١١- عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ:
- (١) أَنَا أَعْلَمُ مَا تَطْلُبُ!  
 (٢) التَّلْمِيذُ أَكْرَمَ الْمُعَلِّمِينَ!  
 (٣) قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ مَا أَحْسَنَتْهُ!  
 (٤) أَنَا أَقْدَرُ مِنْكَ فِي الرِّيَاضَةِ!

- ١٢١٢- عَيْنُ «خَيْرٍ» لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:
- (١) خَيْرِكُمْ عَاقِبَةُ أَحْسَنِكُمْ أَخْلَاقاً!  
 (٢) هَذَا خَيْرُ الْأَعْمَالِ أَجْراً عِنْدَ اللَّهِ!  
 (٣) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ لَنَا!  
 (٤) خَيْرٌ مَا وَهَبَ رَبَّنَا هُوَ الصَّحَّةُ!

١٢١٣- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ إِسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوَاءِ!  
(٢) صَدِيقَتِي صَغْرَى مِنْ أُخْتِي بِنْتًا!

١٢١٤- عَيْنُ كَلِمَةِ «خَيْرٍ» تَخْتَلِفُ نَوْعِيَّتُهَا عَنِ الْبَاقِي:

- (١) ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾  
(٢) سُبْحَانَكَ يَا رَبِّي اسْمُكَ خَيْرٌ مِنْ إِسْمِي وَذِكْرُكَ شِفَاءٌ!

١٢١٥- عَيْنُ عِبْرَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَفْعُولِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ مَعًا:

- (١) يُسْتَعْمَدُ شَجَرَةُ النَّفْطِ فِي الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ الْمَحَاصِلِ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ!  
(٢) فِي مَدِينَتِنَا مَجْلِسٌ لِتَفْسِيرِ الْقُرْآنِ يَحْضُرُ فِيهِ مُتَعَلِّمُونَ كَثِيرَةٌ!

١٢١٦- عَيْنُ اسْمِ تَفْضِيلٍ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِي:

- (١) ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالْتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾  
(٢) تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً!

١٢١٧- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَتَقَى النَّاسَ مِنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ!  
(٢) أَعْلَمُ أَنَّ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ فَهُوَ عَلِيمٌ!

١٢١٨- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «اسْمُ التَّفْضِيلِ»:

- (١) أَفْضَلُنَا مَنْ يُحِبُّونَ الْعِلْمَ وَيَعْمَلُونَ بِهِ!  
(٢) حُسْنُ الْخَلْقِ أَثْقَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ!

١٢١٩- عَيْنُ كَلِمَةِ «الْخَيْرِ» لَيْسَتْ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ!  
(٢) خَيْرُ الْأَعْمَالِ أَوْسَطُهَا!

١٢٢٠- عَيْنُ الْخَطَا عَنْ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- (١) الْحَدِيقَةُ الصَّغْرَى مَعَ الْأَشْجَارِ الْمُثْمِرَةِ أَحْسَنُ مِنَ الْحَدِيقَةِ الْكُبْرَى مِنْ دُونَ الْأَثْمَارِ!  
(٢) الْإِخْوَانُ الَّذِينَ يَسَاعِدُونَنَا فِي أُمُورِنَا الصَّعْبَةِ خَيْرٌ إِخْوَانٍ فِي حَيَاتِنَا!  
(٣) إِنَّ الْأَعْمَالَ الَّتِي نَعْمَلُهَا لِكَسْبِ الْحَلَالِ فَضْلَى مِنْ بَقِيَّةِ أَعْمَالِنَا!  
(٤) سَاعَاتُ تَفَكَّرْنَا فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ أَقَلُّ مِنْ نَوْمِنَا عَادَةً!

١٢٢١- عَيْنُ الْخَطَا (فِي التَّفْضِيلِ):

- (١) لَا شَكَّ أَنَّ لُغَةَ الْقُرْآنِ أَبْلَغُ مِنْ جَمِيعِ اللُّغَاتِ الْأُخْرَى!  
(٢) مَعْلَمُونَا فِي الْمَدْرَسَةِ مِنْ أَفْضَلِ مَعْلَمِي الْبِلَادِ!

١٢٢٢- عَيْنُ مَا يَدُلُّ عَلَى الْمَكَانِ:

- (١) هُوَ مِنْ مَقَاتِلِنَا! (٢) يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ! (٣) هُوَ مِنْ مَفَاخِرِ أُمَّتِنَا! (٤) مَصَالِحُ الْأُمَّةِ نَحْفَظُهَا!

١٢٢٣- عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) السَّخِيءُ أَكْرَمُ هَوْلَاءِ الْفُقَرَاءِ! (٢) أَنَا أَعْلَمُ أَنَّ هَذَا لَيْسَ مَفِيدًا! (٣) هُوَ عَصَى رَبِّي فَنَدِمُ عَلَى عَمَلِهِ! (٤) الْإِجَابَةُ الْحَسَنَى تَتَعَلَّقُ بِأَخِي!

«تحليل صرفي ووضبط الحركات»

١٢٢٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) «بئس الاسمُ القُسوُّ بعد الإيمان»: اسم - مفرد - مذكر - مصدر على وزن «إفعال» / مجرور بحرف الجرّ  
(٢) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخُرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ﴾: فعل مضارع للتهي - للمخاطب - مجرّد ثلاثي / فعل مع فاعله جملة فعلية  
(٣) قد حرّم الله في هاتين الآيتين الاستهزاء بالآخرين: اسم - مفرد مذكر - مصدر من «باب استفعال» / مضاف إليه  
(٤) الغيبة من أهمّ أسباب قطع التواصل بين الناس: اسم - مفرد - مذكر - اسم تفضيل على وزن «أفعل» / مجرور بحرف «من» و «من أهمّ» جار و مجرور في محلّ الخبر

١٢٢٥- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِيَّةِ الْكَلِمَاتِ:

- (١) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ: فعل مضارع - مزيد ثلاثي من مصدر «إتمام» - متعدّد / فعل و فاعله مستتر  
(٢) ﴿مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ فَالْوَلَدُ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾: اسم فاعل (من مصدر «ظلم») - نونه مفتوحة دائماً / خبر  
(٣) ﴿أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا﴾: فعل مضارع - للغائب - ليس له حرف زائد / فعل و مفعوله «أحد»  
(٤) علينا أن نهتم بنشر التّواصل بين الناس: اسم - مفرد - مذكر - مصدر ثلاثي مجرّد / مضاف إليه

١٢٢٦- «تنصحننا الآية الأولى و تقول: لا تعيبوا الآخرين!»:

- (١) تنصح: فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - متعد / فعل و فاعله «نا»
- (٢) الأولى: اسم - من الأعداد الترتيبية - مؤنث على وزن «فعلَى» / صفة للموصوف «الآية»
- (٣) لا تعيبوا: فعل مضارع - «لا» حرف لنفي المضارع - مزيد ثلاثي بزيادة حرف «ت» / فعل و فاعله ضمير «الواو» البارز
- (٤) الآخرين: اسم - مفرد: «أخر» - اسم تفضيل من مصدر «تأخير» / مفعول

١٢٢٧- «التجسس من كبائر الذنوب و من الأخلاق السيئة!»:

- (١) التجسس: اسم - مفرد - مذكر - مصدر (فعله الماضي: تَجَسَّس) / مبتدأ و الجملة اسمية
- (٢) كبائر: اسم - جمع التكمير (مفرد: كبير، مذكر) / مجرور بحرف الجر
- (٣) الذنوب: اسم - جمع مكسر (مفرد: ذنب، مذكر) / مضاف إليه
- (٤) الأخلاق: اسم - مفرد - مذكر / مجرور بحرف «من»

١٢٢٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- (١) التجسس مُحاولَةٌ قبيحة لكشف أسرار الناس: مفرد - مؤنث - اسم مفعول من باب «مفاعلة» / خبر للمبتدأ «التجسس»
- (٢) خير إخوانكم مَنْ أهدى إليكم عيوبكم: مفرد - مذكر - اسم التفضيل من مصدر «هداية» / خبر
- (٣) ليلة القدر خير من ألف شهر: اسم - مفرد مذكر - اسم تفضيل (تضمن معنى: «تر») / خبر
- (٤) فليعبدوا رب هذا البيت: اسم - مفرد - مذكر (جمعه: بيوت) - اسم مكان / مضاف إليه

١٢٢٩- عَيْنُ الخَطَأِ فِي ضبط حركات الكلمات:

- (١) التَّجَسُّسُ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ!
- (٢) أَكْبُرُ الْغَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ!
- (٣) قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ!
- (٤) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ!

١٢٣٠- عَيْنُ الخَطَأِ فِي ضبط حركات الكلمات:

- (١) رَبَّنَا أَمَّا فَافْقِرْ لَنَا وَ ارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿﴾
- (٢) تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً!
- (٣) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ ﴿﴾
- (٤) اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي!

١٢٣١- عَيْنُ الخَطَأِ فِي ضبط حركات الكلمات:

- (١) ﴿وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾
- (٢) مُحاولَةٌ قبيحة لكشف أسرار الناس لفضحهم يُسمى التَّجَسُّسُ!
- (٣) كَانَتْ مَكْتَبَةٌ «جُنْدِي سَابور» أَكْبَرُ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ!
- (٤) بِكُمْ تَوْمَانِ هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟

١٢٣٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي ضبط حركات الكلمات:

- (١) عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ غُيُوبَ الْآخِرِينَ!
- (٢) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!
- (٣) تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ الْآيَةُ الثَّانِيَةُ وَ لِذَلِكَ سُمِّيَتْمَا بِآيَاتِ الْأَخْلَاقِ!
- (٤) السَّرْوَالُ النَّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تَسْعِينَ أَلْفِ تَوْمَانِ!

١٢٣٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي ضبط حركات الكلمات:

- (١) أَعْلَمُ النَّاسِ مِنْ جَمَعَ عِلْمِ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ!
- (٢) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ!
- (٣) ﴿وَ جَادَلْهُمْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾
- (٤) إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!

۱۰۷۶- گزینه «۴»

ترجمه گزینه (۴): «اظهار ندامت و سعی برای جبرانش ..... است.» (خودپسندی) ← غلط است، این عبارت توصیف «التوبة» است.

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه (۱): بدگمانی، اتهام شخصی به شخصی دیگر است بدون دلیل منطقی! / گزینه (۲): خداوند بدگمانی، را برای مردم حرام کرده است! / گزینه (۳): جاسوسی برای فهمیدن رازهای دیگران از بدترین کارهاست!

۱۰۷۷- گزینه «۲»

در این گزینه دو اسم متضاد وجود دارد: الأراذل (فرومایگان) ≠ الأفاضل (شایستگان)

در سایر گزینه‌ها هیچ دو اسم متضادی نداریم: گزینه (۱): کسی که شهوتش بر عقلش غلبه کند، از چارپایان بدتر است! / گزینه (۳): چیزی در ترازوی اعمال [سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست! / گزینه (۴): بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه را که در خودت ماندنش هست عیب‌جویی کنی!

۱۰۷۸- گزینه «۱»

در گزینه (۱) تَزْرَع (بکاری) ≠ تَحْصُد (درو می‌کنی) متضاد هستند.

در سایر گزینه‌ها اسم‌های متضاد نداریم:

گزینه (۲): و با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت داناتر است! / گزینه (۳): بگو پناه می‌برم به پروردگار سپیده‌دم از شر آن‌چه آفریده است! / گزینه (۴): خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند!

۱۰۷۹- گزینۀ «۳»

ترجمۀ کامل عبارت: «قیمت این پیراهن ها چند است؟ بر حسب جنس فرق می کند ولی من به شما تخفیف می دهم!»  
 ترجمۀ گزینه ها: گزینۀ (۱): ارزش - قیمت ها - خوار شمردن / گزینۀ (۲): پول - جنس - خوار شمردن / گزینۀ (۳): قیمت - جنس - تخفیف / گزینۀ (۴): ارزش - قیمت ها - تخفیف

۱۰۸۰- گزینۀ «۴»

ترجمۀ گزینۀ (۴): «کسی که خوب کند اخلاقی را، خودش را عذاب می دهد». ← غلط است، حَسَن نمی تواند این جمله را تکمیل کند بلکه «سَاء» (بد شود) مناسب آن است.

ترجمۀ سایر گزینه ها: گزینۀ (۱): غیبت از مهم ترین دلایل قطع ارتباط بین مردم است! / گزینۀ (۲): قوم دیگری را مسخره نکنید، شاید از شما بهتر باشند! / گزینۀ (۳): همانا ما از نامیدن دیگران با اسم های زشت منع شده ایم! ✓

۱۰۸۱- گزینۀ «۳»

در گزینۀ (۳) ضَلَّ یعنی «گمراه شد» و اَهْدَى یعنی «هدیه داد» که هیچ ارتباطی ندارد و متضاد نیستند!  
 بررسی سایر گزینه ها: گزینۀ (۱): حَرَمَ (حرام کرد) ≠ أَحَلَّ (حلال کرد) / گزینۀ (۲): الْحَيَّ (زنده) ≠ الْمَيِّتَ (مرده) / گزینۀ (۴): الْخَفِيَّ (پنهان) ≠ الظَّاهِرَ (آشکار)

۱۰۸۲- گزینۀ «۳»

در گزینۀ (۳) عَصَى یعنی «عصیان کرد، سرکشی کرد» و اطاع یعنی «اطاعت کرد» این دو فعل متضاد هم هستند، نه مترادف!

۱۰۸۳- گزینۀ «۲»

اِهْتَدَى (هدایت شد) در عبارت (ب) و ضَلَّ (گمراه شد) در عبارت (د) متضاد هم هستند، بنابراین جواب، گزینۀ (۲) است.

ترجمۀ عبارات: (الف): ما باید از خودپسندی دوری کنیم؛ چون که آن امر زشتی است. / (ب): مردم گاهی اوقات با ستارگانی که در آسمان هستند، هدایت شده اند. / (ج): خداوند آرامشش را بر رسولش و بر مؤمنان نازل کرد. / (د): خداوند غیبت را حرام کرده است پس با کسی که از راهش گمراه شده است ستیز کن!

۱۰۸۴- گزینۀ «۳»

در این گزینه در توضیح «فاسق» که معنای «گناهکار» می دهد، آمده است: «کسی که از راه حق خارج شده و ترک گناه کرده است.» که قسمت دوم توضیح غلط است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینۀ (۱): سپیده دم: نام دیگری برای صبح و طلوع خورشید. / گزینۀ (۲): مغازه: محل تجارت یا خرید و فروش. / گزینۀ (۴): پنهان: پنهان شده و متضاد آشکار.

۱۰۸۵- گزینۀ «۳»

در این گزینه آمده است: «اسلام ما را از مسخره کردن دیگران بر حذر می دارد و از نامگذاری آنان با لقب های زشت منع می کند.» که این عبارت کاملاً صحیح است.

در سایر گزینه ها آمده است: گزینۀ (۱): خودپسندی این است که انسان عیب های دیگران را ببوشاند و از آن ها در خودش غافل نشود. (این موارد هیچ ربطی به خودپسندی ندارد). / گزینۀ (۲): جاسوسی کردن، یعنی تهمت زدن یک شخص به شخص دیگری! (این توضیح مربوط به «سوء ظن» است نه جاسوسی کردن) / گزینۀ (۴): غیبت آن است که انسان برای دوستش چیزی را در زمان غیبتش ذکر کند که هنگام شنیدنش از آن بدش نیاید. («غیبت» کلاً یعنی: «گفتن حرفی درباره کسی که حاضر نیست» و خوب و بد آن حرف مهم نیست).

۱۰۸۶- گزینۀ «۳»

ترجمۀ عبارت سؤال: «..... کالاهای ..... پس مردم از حکومت خواستند که .....!»

ترجمۀ گزینه ها: گزینۀ (۱): ارزش - افزایش می یابد - آن را کاهش دهد / گزینۀ (۲): قیمت - زیاد شد - آن را تلخ کند / گزینۀ (۳): قیمت ها - بالا رفت - آن را کاهش دهد (تخفیف بدهد) / گزینۀ (۴): پول - بالا می رود - آن را ممنوع کند  
 با توجه به معنای گزینه ها، گزینۀ (۳) صحیح است!

هم چنین می توان با توجه به صیغۀ فعل ها به پاسخ صحیح رسید:  
 گزینۀ (۱): «یَزَاد» به «قیمۀ» برمی گردد، بنابراین باید به صورت مؤنث (تزداد) به کار رود. / گزینۀ (۲): «كثرت» به «ثمن» برمی گردد، بنابراین باید به صورت مذکر (کثر) به کار رود. / گزینۀ (۴): «يرتفع» به «نقود» برمی گردد و چون برای جمع های غیر انسان از مفرد مؤنث استفاده می کنیم، باید به صورت (ترتفع) به کار رود.

۱۰۸۷- گزینۀ «۴»

ترجمۀ گزینۀ (۱): «غیبت» آن است که دیگران را با آن چه ناپسند نمی دارند، یاد کنیم! (نادرست است).

ترجمۀ گزینۀ (۴): «اتاق ها» جمع «حجره» است و سوره ای از قرآن است که به عروس مشهور است! (سوره ای که به عروس قرآن مشهور است سوره «الرحمن» است).

بررسی سایر گزینه ها: گزینۀ (۲): «مردۀ» همان کسی است که روحش از بدنش خارج شده و نفس نمی کشد. / گزینۀ (۳): «جاسوسی کردن» تلاشی است برای فهمیدن کارهای دیگران، در حالی که از زشت ترین کارهاست.

۱۰۸۸- گزینۀ «۴»

کلمات مهم: جادل: ستیز کن، استدلال کن - أحسن: بهتر - أعلم: دانایتر - ضلّ: گمراه شده است.

بررسی سایر گزینه ها: گزینۀ (۱): «چرا که» اضافه است - «عن سبيله» ترجمه نشده است. / گزینۀ (۲): «روش های بهتر» ترجمۀ درستی نیست چون «بالتی هی أحسن» یک عبارت کامل است و نباید صفت و موصوف ترجمه شود - ضمیر «ك» در «رَبَّكَ» و ضمیر «ه» در «سَبِيلَه» ترجمه نشده است. / گزینۀ (۳): «خوب» درست نیست، چون «أحسن» اسم تفضیل است - «کسانی که» باید «کسی که» باشد، چون فعل بعد از «مَن» مفرد است - «آگاه» باید «آگاه تر» باشد چون «أعلم» اسم تفضیل است.

۱۰۸۹- گزینۀ «۳» نکات مهم:

- هل: آیا ← رد گزینۀ (۲)
- نكرهون: ناپسند می دانید، بدان می آید ← رد گزینۀ (۱)
- لماذا: چرا؟ ← رد گزینۀ (۴)
- لا تجتنبون: دوری نمی کنید (للمخاطبین و منفی است) ← رد گزینۀ های (۱) و (۴)
- میتاً: که مرده است، در حالی که مرده است (صفت نیست) ← رد گزینۀ های (۱) و (۴)

۱۰۹۰- گزینۀ «۴» نکات مهم:

- قد علم: یاد داده است، آموزش داده است (فعل ماضی است). ← رد گزینۀ (۲)
- أهم الأمور الأخلاقية: مهم ترین کارهای اخلاقی ← رد گزینۀ های (۱) و (۳)
- در گزینۀ (۲) «یکی از» اضافی است.
- حياتنا اليومية: زندگی روزانه مان ← رد گزینۀ (۱)

۱۰۹۱- گزینۀ «۱» کلمات مهم:

- سائر: پوشاننده ← رد گزینۀ (۳)
- كل معيوب: هر عیبی (چون معيوب مفرد و نکره است، کل را «هر» ترجمه می کنیم). ← رد گزینۀ های (۲) و (۴)
- التوبة: توبه (نباید همراه ضمیر ترجمه کرد). ← رد گزینۀ های (۳) و (۴)
- خير الزاحمين: بهترین رحم کنندگان (نباید قبلشان «از» بیاید و در ضمن الزاحمين جمع است). ← رد گزینۀ های (۳) و (۴)

۱۰۹۲- گزینۀ «۴» نکات مهم:

- أحبّ: محبوب ترین (دقت کنید که بر وزن أَفْل و اسم تفضیل بوده و فعل نیست). ← رد گزینۀ (۱)
- مَن: کسانی (چون بعد از آن فعل جمع آمده، پس باید به صورت جمع ترجمه شود!) ← رد گزینۀ های (۱) و (۳)



● لا یعیبوننا: از ما عیب جویی نمی کنند (جمع است). ← رد گزینه (۳)

● یهدون: هدیه می دهند (أهدی، یهدی، إهداء) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

● عیوننا: عیب‌هایمان ← رد گزینه (۳)

**کلمات مهم:** ۱۰۹۳- گزینه «۱»

● أن ننصح: نصیحت کنیم (للمتكلم مع الغير است). ← رد گزینه (۴)

● كل الطلاب: همه دانش‌آموزان (الطلاب جمع است پس كل را «همه»

ترجمه می‌کنیم). ← رد گزینه (۲)

● حتی یتنبه: تا آگاه شود (للتغاب است). ← رد گزینه (۳)

**کلمات مهم:** ۱۰۹۴- گزینه «۳»

● قد لَقَبَ: لقب داده‌اند (فعل ماضی است). ← رد گزینه (۱)

● بعض: بعضی ← رد گزینه (۴)

● صدیقی: دوستم ← رد گزینه (۴)

● قبیح: زشتی (نکره است). ← رد گزینه (۱)

● یکره: ناپسند می‌داند، بدش می‌آید ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

● بنس العمل هذا: این، کار بدی است! ← رد گزینه (۲)

● ۱۰۹۵- گزینه «۲» در این گزینه، «لا تُلقَّبوا» فعل نهی و به معنی

«لقب ندهید» است.

● ترجمه درست: «و آن‌ها را با لقب‌هایی که از آن‌ها اکراه دارند، لقب ندهید!»

**نکات مهم:** ۱۰۹۶- گزینه «۲»

● قد یسخر: گاهی مسخره می‌کند («قد» قبل از فعل مضارع معنی «گاهی،

ممکن است» می‌دهد). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

● انصحا: نصیحت کنید (فعل امر است). ← رد گزینه (۳)، ضمناً

«سفارش کنید» در گزینه (۴) اضافی است.

● یمنع: منع می‌کند (مضارع است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)!

**نکات مهم:** ۱۰۹۷- گزینه «۳»

● یا أيها الذین آمنوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ← رد گزینه (۱)

● اجتنبوا: پرهیزید، اجتناب کنید (فعل امر است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

● کثیراً من الظن: بسیاری از گمان‌ها ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

● بعض الظن: بعضی از گمان‌ها ← رد گزینه (۲) (در ضمن در گزینه (۲)

از فعل «محسوب می‌شود» استفاده کرده که معادلی در عبارت عربی ندارد.)

**کلمات مهم:** ۱۰۹۸- گزینه «۱»

● الذین: کسانی که ← رد گزینه (۳)

● لا یتوبون: توبه نمی‌کنند ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

● یفتابون: غیبت می‌کنند (فعل مضارع) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

● عذاب أليم: عذابی دردناک (موصوف و صفت و نکره است). ← رد

گزینه‌های (۲) و (۴)

(در ضمن در گزینه (۴) «خود» اضافه است.)

**نکات مهم:** ۱۰۹۹- گزینه «۲»

● تنصحننا: نصیحت می‌کند ما را (فعل مضارع) ← رد گزینه (۳)

● إحدى آیات القرآن: یکی از آیات قرآن ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

● فی سورة: در سورة («فی» ترجمه شود!) ← رد گزینه (۱)

● لا یعتب: نباید غیبت کند (این فعل امر غایب است و با «نباید» ترجمه

می‌شود!) ← رد سایر گزینه‌ها!

● بعضکم بعضاً: بعضی از شما دیگری را یا یکدیگر را ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

**نکات مهم:** ۱۱۰۰- گزینه «۳»

● یا أيها الذین آمنوا: ای کسانی که ایمان آورده‌اید ← رد گزینه (۴)

● لا یسخر: نباید مسخره کند (امر غایب است و با «نباید» ترجمه می‌شود.)

← رد گزینه (۲)

● قوم من قوم: قومی، قوم دیگر را ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

● عسی: شاید ← رد گزینه (۱)

● خیراً: بهتر ← رد گزینه (۱)

● منهم: از آن‌ها ← رد گزینه (۲)

**نکات مهم:** ۱۱۰۱- گزینه «۳»

● لا تجسسوا: جاسوسی نکنید / فعل نهی است، معنای «باید» ندارد! ← رد

گزینه‌های (۱) و (۲)

● یسبب: سبب می‌شود (للتغاب است). ← رد گزینه (۲)

● کبائر الذنوب: گناهان بزرگ، گناهان کبیره («بسیار» لازم نیست). ←

رد گزینه (۴)

● آلتی: که (باید ترجمه شود!) ← رد گزینه (۲)

● لن یعرف: نخواهد آموخت ← رد گزینه (۱)

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱۱۰۲- گزینه «۳»

● داناترین مردم: من: خیر است و جمله باید به صورت مبتدا و خبر ترجمه

شود؛ ترجمه درست: «داناترین مردم کسی است که دانش مردم را به دانش

خویش بیفزاید.» / گزینه (۲): شَر: در این جا معنی «شَر» و «بدی» دارد؛

ترجمه درست: «بگو به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از شر آن چه آفریده

است.» / گزینه (۴): سَكِيتَه: آرامش خود را - رسول: فرستاده / ترجمه

درست: «پس خداوند، آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان، نازل کرد!»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱۱۰۳- گزینه «۳»

● است و عقل مفعول، بنابراین ترجمه درست به این صورت است: «کسی که شهوتش

بر عقلش غلبه کند، پس او از چارپایان بدتر است!» / گزینه (۲): أكبر العیب:

«بزرگ‌ترین عیب» - «هم» اضافه است؛ ترجمه درست: «بزرگ‌ترین عیب

این است که از آن چه همانندش در خودت هست، عیب جویی نمایی!» /

گزینه (۴): تَوَاب: بسیار توبه‌پذیر (اسم مبالغه است)؛ ترجمه درست: «تقوای

خدا پیشه کنید، زیرا خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.»

**نکات مهم:** ۱۱۰۴- گزینه «۱»

● در این گزینه، ساء فعل و خُلِقَ فاعل آن است،

بنابراین «بداخلاق» ترجمه درستی نیست! در ضمن عَذَّب فعل متعدی و به

معنی «عذاب می‌دهد» است.

● ترجمه درست: «هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.»

**نکات مهم:** ۱۱۰۵- گزینه «۳»

● قد نعیب: گاهی عیب می‌گیریم (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن

«گاهی» ترجمه می‌شود). ← رد سایر گزینه‌ها

● بما فینا مثله: از آن چه همانندش در خودمان هست ← رد گزینه (۴)

● من شر الأعمال الّتی: از بدترین کارهایی که (شَر در این جا اسم تفضیل

است، «آلتی» باید ترجمه شود). ← رد سایر گزینه‌ها!

**نکات مهم:** ۱۱۰۶- گزینه «۱»

● قد یجعل: گاهی قرار می‌دهد (فعل مضارع است و «قد» قبل از آن معنی

«گاهی» می‌دهد). ← رد سایر گزینه‌ها

● کُنَّا نکره: آن را ناپسند می‌شمردیم (کان + فعل مضارع = ماضی

استمراری) ← رد سایر گزینه‌ها

● در گزینه (۴)، تغییرات و جابه‌جایی در اجزای جمله اتفاق افتاده و معنای عوض شده!

**نکات مهم:** ۱۱۰۷- گزینه «۴»

● من ینهض: هر کس برخیزد ← رد گزینه (۳)

● لیجئ: تا حل کند (لمعناى «تا» می‌دهد). ← رد سایر گزینه‌ها!

● جیران: همسایگان (جمع جاز است). ← رد گزینه (۲)

● یعتب: به حساب می‌آید، شمرده می‌شود (فعل مجهول است). ← رد

سایر گزینه‌ها!

• من: از (باید ترجمه شود) ← رد گزینه (۱)

• خیر عباد الله: بهترین بندگان خدا ← رد گزینه (۲)

**۱۱۰۸- گزینه «۱» نکات مهم:**

• قد اُكِّد: تأکید شده است (فعل ماضی که با حرف ضمه دار شروع شده حتماً مجهول است، در ضمن نباید مضارع ترجمه شود) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)  
 • اَنْ نُحَسِّنَ: که نیکو گردانیم (صیغۀ للمتكلم مع الغير از حَسَنٌ، يُحَسِّنُ، تحسین است!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)  
 • خُلِّفْنَا: اخلاقمان را (مفعول نُحَسِّنَ است!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)  
 • يُؤَثِّرُ: اثر می‌گذارد (باید به صورت فعل مضارع ترجمه شود نه مبتدا و خبر!) ← رد گزینه (۲)

• اَكْثَرُ مِمَّا نَتَصَوَّرُ: بیشتر از چیزی که تصور می‌کنیم ← رد سایر گزینه‌ها!  
 • دقت کنید در گزینه‌های (۲) و (۴) یک ضمیر «ش» اضافه آمده و در گزینه (۳) به صورت اسم ترجمه شده است.

**۱۱۰۹- گزینه «۲» نکات مهم:**

• لَا تَسْخَرُ مِنْ: مسخره نکن (فعل نهی مخاطب است و معنی «نباید» ندارد).  
 ← رد گزینه (۱) و در گزینه (۴) هم گفته «اقدام نکن» که معادلی در عبارت عربی ندارد!

• عُيُوبُ شَخْصٍ: عیب‌های کسی ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)  
 • لِأَنَّ زَيْراً، چون که، چه ... ← رد گزینه‌های (۳) و (۴) که ترجمه‌اش نکرده‌اند.  
 • يَدُوزُ: می‌چرخد ← رد گزینه (۳)  
 • اللَّذَّهْرُ: روزگار ← رد گزینه (۳)  
 • أَنْتَ تُصِيبُ: تو دچار می‌شوی ← (فعل مضارع است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• بِنَفْسِ الْعُيُوبِ الَّتِي: به همان عیب‌هایی که ← رد سایر گزینه‌ها!  
 • كُنْتُ تَسْخَرُ: مسخره می‌کردی (كان + فعل مضارع = ماضی استمراری) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

**۱۱۱۰- گزینه «۱» نکات مهم:**

• «جاسوسان» و «برای کشف اسرار» در همه گزینه‌ها یک‌جور و درست ترجمه شده‌اند. 😊

• کشور ما: بلادنا (قبلس به «فی» احتیاج نداریم!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)  
 • تلاش خواهند کرد: سيحاولون، سيحاولون ← چون فعل مستقبل است، پس حتماً «س» یا «سوف» می‌خواهد (رد گزینه ۴)؛ ضمناً اگر در ابتدای جمله بیاید مفرد و در میان جمله، باید به صورت جمع باشد! ← رد گزینه (۳)  
 • اجازه نمی‌دهیم: لَا نَسْمَحُ (فعل مضارع منفی است). ← رد گزینه (۲)

**۱۱۱۱- گزینه «۴» نکات مهم:**

• نصیحت می‌کند: اگر مذکر باشد يُنصَحُ و اگر مؤنث باشد تُنصَحُ ← رد گزینه (۲) ← چون فعل ماضی است.  
 • معلم زبان عربی: معلّم اللّغة العربيّة (مذکر) / معلّمة اللّغة العربيّة (مؤنث) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)  
 • می‌گوید: يَقُولُ / تَقُولُ ← رد گزینه (۲)  
 • کسانی که: الَّذِينَ (مذکر) / مَنْ. نکته، این جاست که با توجه به عبارت فارسی بعد از این کلمات هر فعلی که استفاده شود، باید جمع باشد.  
 ← رد گزینه (۱)

• در گزینه (۳) دلیلی برای حذف «ن» از آخر فعل‌ها نداریم و غلط هستند.  
 • در زندگی: فِي الْحَيَاةِ ← گزینه (۲) اشتباه ترجمه کرده، گزینه (۳) یک ضمیر «هم» اضافه آورده.

**۱۱۱۲- گزینه «۲» نکات مهم:**

• تلاش: المحاولة / السّعي. هیچ ضمیری لازم نیست بهش بچسبه! ← رد گزینه (۳)

• کشف رازهای مردم: كَشَفَ أَسْرَارَ النَّاسِ، دقت کنید که «كَشَفَ» و «أَسْرَارُ» هر دو به اسم بعد از خود اضافه شده‌اند، بنابراین نباید «ال» داشته باشند.  
 ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

• رسوا کردن آن‌ها: فضحهم، ضمير «هم» باید بیاید ← رد گزینه (۱)  
 • اخلاق زشت: موصوف و صفت است پس هر دو باید «ال» بگیرند ضمناً ضمير هم نباید بگیرد ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

**۱۱۱۳- گزینه «۱» خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): عيب ← عيوب (باید جمع بیاید) / گزینه (۳): عَلِيمٌ ← عَلِمٌ (چون گفته، «آگاه‌تر» یعنی اسم تفضیلیه!) / گزینه (۴): تُحَسِّنُ ← حَسَّنَتْ (دقت کنید که «نیکو گردانیدی» ماضیه، نه مضارع).

**۱۱۱۴- گزینه «۴» نکات مهم:** در گزینه (۴) برای گفتن «چه بد است»، در عربی از «بئس» استفاده می‌کنیم یعنی: بئس العمل، المن بعد القيام بالحسنة! جمله‌ای که در این گزینه نوشته شده به این معناست: «منت گذاشتن بعد از انجام کاری، از کارهای بد است!»

**۱۱۱۵- گزینه «۴» نکات مهم:**

• بیشتر مردم: أَكْثَرُ النَّاسِ (باید از اسم تفضیل استفاده کنیم!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• حرف زدن: التكلّم، التحدّث ← در گزینه (۲) فعل «إن نتكلم» به صورت متکلم مع الغير آمده که غلط است.

• در جمع: في الجماعة (عند یعنی «نزد») ← رد سایر گزینه‌ها  
 • ناپسند می‌شمارند: يكرهون ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

**۱۱۱۶- گزینه «۳» کلمات مهم:** «أقدم»: قدیمی‌ترین - «أُسْس»: تأسیس شد (فعل مجهول) - «قد کتب»: نوشته شده بود (اولاً مجهول است و دوماً چون دو فعل ماضی پشت هم آمده‌اند، دومی به صورت ماضی بعید ترجمه می‌شود). - «أفضل من»: بهتر از

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): فرمان ... داد («أُتْس» فعل مجهول است و «أمر» نیز در این جا اسم است نه فعل) / گزینه (۲): قدیمی («أقدم» اسم تفضیل است). - بهترین («أفضل» با حرف «من» آمده، پس معنای «بهتر» می‌دهد نه «بهترین») / گزینه (۴): بهترین (مانند گزینه ۲)

**۱۱۱۷- گزینه «۳» کلمات مهم:** «تَنصَحْنَا»: ما را نصیحت می‌کند - «تلقب»: لقب‌دادن - «يكرهونها»: آن‌ها را ناپسند می‌دارند.

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): از سوره «حرف» «فی» دقیق ترجمه نشده است. - دعوت می‌کند (ترجمه صحیحی برای «تنصح» نیست). - آنان («النّاس» یعنی «مردم») / گزینه (۲): از خود دور کنیم (ترجمه درستی برای «تَرَكَ» نیست). - مردم («الآخرين» یعنی «دیگران») - بدی (اضافی است). - آنان (مانند گزینه ۱) / گزینه (۴): بازمی‌دارد (اولاً «تنصح» یعنی «نصیحت می‌کند»، ثانیاً «ترك» ترجمه نشده است). - از مردم (مانند گزینه ۲) - آنان (مانند گزینه‌های قبل)

**۱۱۱۸- گزینه «۳» کلمات مهم:** «لا تعيبوا»: عیب‌جویی نکنید - «إحدى»: یکی از - «تَنصَحْنَا»: ما را نصیحت می‌کند.

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): آیه اول («إحدى آيات» یعنی «یکی از») / گزینه (۲): آشکار نکنید (ترجمه درستی برای «لا تعيبوا» نیست). - عیب‌های ... («لا تعيبوا» فعل است نه اسم) / گزینه (۴): عیب‌های ... آشکار نکنید (مانند گزینه ۲) - یک آیه (مانند گزینه ۱)

سید

۱۱۱۹- گزینۀ «۴»

**کلمات مهم:** «لا یعمد»: اعتماد نمی‌کند (در این جا به صورت جمع ترجمه می‌شود). «یستهزی»: مسخره می‌کند «لا یتقی»: پروا نمی‌کند.

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): نباید ... «لا یعمد» فعل نهی نیست. - باید ... بترسند «لا یتقی» اولاً مفرد است و ثانیاً «باید» اضافی است، چون «لا یتقی» فعل نفی است. / گزینۀ (۲): کسی که ... (جای «مردم» و «کسی که» عوض شده است) ← مردم به کسی که ... / گزینۀ (۳): نباید ... (مانند گزینۀ ۱) - دیگران او را ... (جای کلمات عوض شده است) ← او دیگران را ... - مسخره می‌کنند ... پروا ندارند (فعل‌ها باید به صورت مفرد ترجمه شود، چون به «الذی» برمی‌گردد).

۱۱۲۰- گزینۀ «۲»

**کلمات مهم:** «متجر»: مغازه - «زمیلی»: همکارم - «اشتریت»: خریدم - «سروالاً»: شلوار - «التخفیف»: تخفیف - «سعر»: قیمت - «تسعین ألف»: نود هزار

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): هفتاد هزار «تسعین» یعنی «نود» / گزینۀ (۳): پیراهنی «سروالاً» یعنی «شلواری» - هشتاد (مانند گزینۀ ۱) / گزینۀ (۴): تولید «تخفیف» یعنی «تخفیف»

۱۱۲۱- گزینۀ «۴»

**«اهم»** اسم تفضیل است و چون به «أسباب» اضافه شده باید به صورت صفت عالی ترجمه شود. ← «من أهم أسباب ...»: از مهم‌ترین دلایل ...

۱۱۲۲- گزینۀ «۱»

**کلمات مهم:** «قد تناز»: نسبت داده‌اند (قد + ماضی ← ماضی نقلی) - «أسماء قبیحة»: نام‌های زشتی - «قد یستهزؤون»: گاهی مسخره می‌کنند («قد» وقتی با مضارع بیاید معنای «گاهی» می‌دهد) - «فسوق»: آلوده شدن به گناه

**خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۲): گاهی «قد» به همراه ماضی آمده، پس معنای «گاهی» نمی‌دهد. - می‌دهند «تَنَازَر» ماضی است نه مضارع. - به وسیله (حرف «پ» چون با فعل «یستهزی» آمده ترجمه نمی‌شود. ← «بهم» آنان را) - از (اضافی است) - گناهان «فسوق» در این جا مصدر است ← آلوده شدن به گناه / گزینۀ (۳): با استفاده از (مانند گزینۀ ۲) - به تمسخر می‌پردازند (اولاً «قد» ترجمه نشده است. ثانیاً ترجمه درستی برای «یستهزؤون» نیست.) / گزینۀ (۴): شاید (مانند گزینۀ ۲) - نسبت بدهند (مانند گزینۀ ۲)

**نکته:** فعل «أستهزء» معمولاً با حرف «پ» به کار می‌رود که این حرف در ترجمه آورده نمی‌شود و کلمه‌ای که به حرف «پ» می‌چسبد به صورت مفعول ترجمه می‌شود.

۱۱۲۳- گزینۀ «۱»

**کلمات مهم:** «ینظر»: نگاه کند - «یغفل»: غافل شود - «تظهر»: آشکار می‌شود.

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۲): تمام (اضافی است). - عیب‌ها «الأخرین» ترجمه نشده است. - اشتباه «أخطاء» جمع است. / گزینۀ (۳): عیب «عیوب» جمع است. - نگرست «ینظر» فعل مضارع است. - غافل شد «یغفل» مضارع است. - آشکار گردید «تظهر» هم مضارع است. / گزینۀ (۴): خواهد شد (در جمله نشانه مستقبل وجود ندارد).

۱۱۲۴- گزینۀ «۴»

**کلمات مهم:** «أشجع من»: شجاع‌تر از - «الشباب المجتهدین»: جوانان تلاشگر - «یقفون»: می‌ایستند - «أعظم مشاكل»: بزرگ‌ترین مشکلات

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): شجاع‌ترین «أشجع» با «من» آمده، پس ترجمه «شجاع‌تر از» صحیح است. - جوانان «هؤلاء» ترجمه نشده است. / گزینۀ (۲): ایستادگی کرده‌اند «یقفون» فعل مضارع است. / گزینۀ (۳): شجاعی «أشجع» بر وزن «أفعل» اسم تفضیل است. - بیشتر از شجاعت ... (چنین ساختاری در عبارت عربی نیامده است). - جوانان (مانند گزینۀ ۱) - بزرگ «أعظم» اسم تفضیل است.

۱۱۲۵- گزینۀ «۳»

**کلمات مهم:** «لا تجسسوا»: جاسوسی نکنید - «یُسَبَّ»: باعث می‌شود - «فُضِحَ»: رسوایی - «کبائر الذنوب»: گناهان بزرگ - «لن یغفر»: نخواهد آمرزید (لن + مضارع ← مستقبل منفی)

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): دخالت نکنید (ترجمه دقیقی برای «لا تجسسوا» نیست). - نمی‌بخشاید «لن یغفر» مستقبل منفی است. / گزینۀ (۲): نباید ... (ترجمه فعل نهی مخاطب «نباید» نمی‌خواهد). - دلیل ... می‌شوید «یُسَبَّ» فعل غایب است نه مخاطب. - «الذی» در این جا یعنی «که» - هم (اضافی است). / گزینۀ (۴): این کار (اضافی است). - بسیار (اضافی است). - هم (مانند گزینۀ ۲) - شمارا (ضمیر «ها» در «لن یغفرها» مربوط به «الذنوب» است).

۱۱۲۶- گزینۀ «۲»

**کلمات مهم:** «أحب الناس»: محبوب‌ترین مردم - «إمام عادل»: پیشوایی عادل - «أشبهه»: شبیه‌تر

**بررسی خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): ساختار جمله کاملاً تغییر کرده است. / گزینۀ (۳): فرد (ترجمه فارسی برای «التاس» نیست). - انسان‌ها (ترجمه مناسبی برای «التاس» نیست). - مثل ... «أشبهه» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۴): برای خداوند «إلی الله» یعنی «نزد خداوند» - آن‌ها «التاس» ترجمه نشده است. - حاکمان (ضمیر «هم» در «أمرائهم» ترجمه نشده است).

۱۱۲۷- گزینۀ «۲»

در گزینۀ (۲) لله ترجمه نشده و در ضمن هیچ کلمه‌ای که معادل «چون» باشد در عبارت عربی نیست. ترجمه درست این عبارت این چنین است: «ما برای خداوند نماز می‌خوانیم در حالی که از او یاری الهی را خواستاریم»

۱۱۲۸- گزینۀ «۱»

- نکات مهم:**
- أساءك: به تو بدی کرد ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
  - مروءتك إلیه: جوانمردی‌ات به او، مروءت به او ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
  - لا تخبر: باخبر مکن ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
  - ما فعل بك: آن چه با تو کرده است ← رد گزینۀ (۳)
  - حتی لا تزول: تا از بین نرود ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

۱۱۲۹- گزینۀ «۱»

- کلمات مهم:**
- عباد: بندگان (عباد جمع عبد است نه جمع «عابد: عبادت‌کنندگان»!) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
  - الذین: کسانی که ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)
  - الأرض: زمین (نه کره زمین!) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
  - هوناً: به آرامی، آرام ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

۱۱۳۰- گزینۀ «۱»

- کلمات مهم:**
- الغد الفضيء: «فردای روشنی‌بخش» (معرفه است و نباید نکره ترجمه شود، در ضمن موصوف و صفت است و نباید به صورت یک جمله مجزا ترجمه شود). ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
  - یعرف: می‌شناسد، بشناسد ← رد گزینۀ (۲)
  - ینتفع به: از آن سود ببرد ← رد سایر گزینه‌ها! 😊
  - الیوم: امروز (نه امروزش!) ← رد گزینۀ (۳)
  - بأحسن وجهه: به بهترین وجه، به بهترین صورت ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)
  - در ضمن گزینۀ (۴) کلاً اسلوب جمله را به هم ریخته و غلط است!

۱۱۳۱- گزینۀ «۲»

- کلمات مهم:**
- أعرض: روی برگردان ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
  - هوی: هوی، خواهش (مفرد است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)
  - نفس: نفس، خود (نفسانی ترجمه دقیقی نیست). ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)
  - حتی لا یصل: تا نرسد (متعدی نیست!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)
  - ضرره: ضررش، زیان آن (مفرد است). ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

۱۱۳۲- گزینه ۲

در این گزینه رأیت و ازداد هر دو ماضی هستند و به اشتباه مضارع ترجمه شده‌اند. **ترجمه درست عبارت:** «توجه (اشتیاق) فرزندانمان را به تلویزیون دیدم که زیاد شده است»

۱۱۳۳- گزینه ۳

**نکات مهم:**  
 • الأفضّل للطالب: بهتر است برای دانش آموز (الأفضل اسم تفضیل است، در ضمن به وجود حرف «ل» قبل از الطالب توجه کنید!) ← رد سایر گزینه‌ها!

• أن ينتخب: که انتخاب کند ← رد گزینه (۲)

• بدقة: با دقت! «دقیق» و «دقیقاً» نداریم! ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)

• حتی لا یندم: تا پشیمان نشود ← رد سایر گزینه‌ها!

• فی المستقبل: در آینده ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

۱۱۳۴- گزینه ۱

کلمات مهم:

• قد تعلّمت: یاد گرفته‌ام (که ماضی و للمتکلم وحده است.) ← رد سایر گزینه‌ها!

• أن لا أعجل: که عجله نکنم ← رد سایر گزینه‌ها!

• معاتبه: سرزنش کردن ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

• أحد: کسی، شخصی ← رد سایر گزینه‌ها!

• بذنب ارتکبه: به خاطر گناهی که مرتکب شده ← رد سایر گزینه‌ها!

• أراد: بخواهد ← رد گزینه (۴)

• أن یغفر ذنبه: گناهش را ببامرزد، از گناه او درگذرد ← رد سایر گزینه‌ها

۱۱۳۵- گزینه ۴

نکات مهم:

• زینوا: بیاریید (متعدی است.) ← رد سایر گزینه‌ها!

• ما یلیق لآخرتکم: آن چه شایسته آخرتتان است ← رد گزینه‌های (۲)

و (۳)

• من الدنیا: از دنیا، از خود دنیا (چون قبلیش هم به الدنیا اشاره کرده، می‌توانیم از ضمیر «خود» استفاده کنیم.) ← رد گزینه (۱)

• مادامت الفرصة باقیه لکم: تا فرصت برایتان باقی است ← رد سایر

گزینه‌ها!

۱۱۳۶- گزینه ۲

نکات مهم:

• شعرت: احساس کردم ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• یقهقهه: قهقهه می‌زند (مضارع است.) ← رد سایر گزینه‌ها!

• یسخر متی: مرا مسخره می‌کند (این هم مضارع است.) ← رد گزینه‌های

(۱) و (۳)

• عند عصیان رتی: هنگام نافرمانی از پروردگارم ← رد گزینه (۱)!

۱۱۳۷- گزینه ۳

نکات مهم:

• یجب أن نظنر: باید بنگریم! ← رد گزینه (۱) (به دلیل اضافی بودن

«فقط» و گزینه (۲)

• حتی نغفل ← تا غافل شویم ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)

• من ینظر: کسی که بنگرد، کسی که نگاه کند ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)

• یئس: فراموش می‌کند (فعل مضارع است!) ← رد سایر گزینه‌ها!

• در ضمن سایر گزینه‌ها غلط‌های واضح دیگری نیز دارند.

۱۱۳۸- گزینه ۳

بعد از اسم اشاره، اگر اسم ال داری بیاید، باید اسم اشاره را مفرد ترجمه کنیم، یعنی ترجمه درست این عبارت، این جوری است: «مردم گناه می‌کنند و عده کمی از این گناهکاران توبه می‌کنند»

۱۱۳۹- گزینه ۴

کلمات مهم:

• أفضل: برترین، بهترین ← رد گزینه (۲)

• من: کسی است که («آن است» غلطه!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• يبدأ ب: بپردازد ب...، شروع کند به ... ← رد گزینه‌های (۱) و (۳)

• تأدیب نفسه: ادب کردن خودش ← رد گزینه (۱)

• قبل تأدیب غیره: قبل از تأدیب دیگری ← رد سایر گزینه‌ها!

۱۱۴۰- گزینه ۱

خطاهای سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): ضمیر «ه» در مقامه و مائه ترجمه نشده - فعل‌های جمله، مضارع هستند و به غلط ماضی ترجمه شده‌اند؛ **ترجمه درست:** «و در این دنیا مقامش او را سرگرم نمی‌کند و مالش او را مغرور نمی‌کند.»

گزینه (۳): یعظم: مضارع است نه ماضی! عظم: مجهول نیست! والله فاعلش!

**ترجمه درست:** «و خدا را بزرگ می‌دارد، همان طور که خدا او را بزرگ داشته است!»

گزینه (۴): مات: فعل است نه اسم! انیسه: یعنی مونس او! **ترجمه درست:** «و این گونه هنگامی که بمیرد، رسول خدا ﷺ مونس او می‌باشد.»

۱۱۴۱- گزینه ۱

کلمات مهم:

• لا تحزنوا: غم نخورید، غمگین مباشید (معنی «هرگز» یا «هیچ‌گاه» در آن نیست!) ← رد گزینه‌های (۳) و (۴)

• أعلى درجه: برترین مرتبه، بالاترین مرتبه (درجه مفرد است.) ← رد

گزینه‌های (۲) و (۳)

• إن: اگر ← رد گزینه (۴)، در ضمن در گزینه (۴) «تازمانی که» اضافه است!

۱۱۴۲- گزینه ۳

کلمات مهم:

• أكبر (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم تفضیل است و شاهدت یعنی «دیدهام» نه «شناختم»!

ترجمه درست عبارت، چنین است:

«این دو شهر، بزرگ‌ترین شهرهایی هستند که آن‌ها را دیده‌ام!»

۱۱۴۳- گزینه ۱

نکات مهم:

• بزرگ‌ترین شاعران: أكبر شعراء، أعظم شعراء (ترکیب باید اسم تفضیل +

اسم جمع باشد.) ← رد گزینه‌های (۲) و (۳)

• بود: كان ← رد سایر گزینه‌ها!

• شعر می‌گفت: فعل ماضی استمراریه! که در عربی از كان + فعل مضارع ساخته می‌شود. پس می‌شود كان یُنشد، که یک كان در اول جمله داریم، بنابراین همون کافیه ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)!

۱۱۴۴- گزینه ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): نعم: یعنی «خوب است» نه «بهترین»!

**ترجمه درست:** «قدرت خوبی است غرور در برابر ستمگران!»

گزینه (۲): بئس: بد است، الآخرین: دیگران.

**ترجمه درست:** «خصلت بدی است که از دیگران در نمی‌گذری!»

گزینه (۳): حیاتی: زندگی من - الکوکب: ستاره

**ترجمه درست:** «ستاره خوبی است، ستاره سعادت من در آسمان زندگی‌ام!»

۱۱۴۵- گزینه ۴

کلمات مهم:

• معلّمهم: معلمشان، معلم خود (معلم مفرد است.) ← رد گزینه‌های

(۲) و (۳)

• أن ینصحهم: که آن‌ها را نصیحت کند (فعل و مفعولش هستند.) ←

رد سایر گزینه‌ها!

• کلمات قیمه (نکره است): کلماتی ارزشمند ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)!

• تفهیم: که برای آن‌ها مفید باشد (یک جمله کامل است.) ← رد سایر

گزینه‌ها!

۱۱۴۶- گزینه ۴

نکات مهم:

• بیشتر حیوانات: أكثر الحيوانات («کثیر من» یعنی «بسیاری از») ← رد

گزینه‌های (۲) و (۳)

• سازگار کرده‌اند: قد کتّفت (فعل ماضی است!) ← رد سایر گزینه‌ها!

موسسه

• یا محیطی که: مع البيئة التي (في درست نیست!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۲)  
• در آن به سر می‌برند: تعیش فیها (باید ضمیر «آن» ترجمه شود، در ضمن فعل مضارع است.) ← رد سایر گزینه‌ها!

**۱۱۴۷- گزینه «۳» نکات مهم:**

• دوره کردن: مراجعة ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)  
• آسان‌ترین راه: أسهل طریق ← رد گزینه‌های (۲) و (۴)  
• یادگیری: تعلم (تعلیم یعنی یاد دادن!) ← رد گزینه‌های (۱) و (۴)  
• در ضمن در گزینه (۲) اِنما اضافه است!

**۱۱۴۸- گزینه «۴» ترجمه و مفهوم عبارت:** «خداوند، همان طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، اخلاقم را نیز نیکو نما!»

این عبارت در واقع به صورت زیبا و سیرت زیبا در کنار هم اشاره دارد که فقط با گزینه (۴) هم‌معنا نیست که می‌گوید: هر چه از یار رسد نیکوست حتی اگر دشنام باشد!

**۱۱۴۹- گزینه «۴» ترجمه گزینه (۴):** «چه بسا سکوتی که از سخن رساتر است!» معنی اش واضح‌تر و بهتر است: «شعر روبروش هم می‌گه: مثل صدف باید سکوت کنی و در مواقع لزوم حرف بزنی، اونم حرف‌هایی ارزشمند مثل مروارید!»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند» یعنی باید عیب‌های همدیگه رو دوستانه و مانند هدیه به همدیگه بگیم، اما شعر فارسی می‌گه اول خودت و عیب‌های خودت رو ببین، بعد به عیب‌های بقیه بپرداز! / گزینه (۲): «بدترین مردم، [انسان] دورو است!»

شعر فارسی اما می‌گه نیت و باطن آدم‌ها باید شریف و سالم باشه و نمی‌شه از روی ظاهر یا لباس، آدم‌ها رو قضاوت کرد! / گزینه (۳): «آلوده شدن به گناه بعد از ایمان، بد اسمی است!» شعر فارسی اما می‌گه اگر گناهکار باشی ولی در دلت از خدا بترسی بهتره تا عبادت و پارسی‌ات رو به رخ دیگران بکشی!

**۱۱۵۰- گزینه «۴» ترجمه و مفهوم گزینه (۴):** «داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خود بیفزاید:» «دعوت به آموزش مردم با آن چه می‌آموزیم» عبارت درباره‌ی اینه که از علم دیگران هم استفاده کنیم و خودمون را داناتر و آگاه‌تر کنیم، نه این که به دیگران آموزش بدیم!

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): «بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که بر روی زمین با فروتنی راه می‌روند:» دوری از خودپسندی. / گزینه (۲): «و با آنان با روشی که بهتر است استدلال کن:» موعظه و گفت‌وگو با دیگران با کلامی نیکو! / گزینه (۳): «کسی که اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد:» دعوت به اخلاق نیکو

**۱۱۵۱- گزینه «۲» ترجمه عبارت:** «خودپسندی صفت نکوهش شده‌ای است؛ پس از آن دوری کنیدا!» مفهوم عبارت واضح‌تر!

**معنای گزینه‌ها:** گزینه (۱): انسان‌های بزرگ خودبین نیستند، و خداشناسی را نمی‌توانی در انسان‌های خودپسند پیدا کنی! / گزینه (۲): کسی که افراط و تفریط دارد به نتیجه نمی‌رسد؛ اما کسی که با آرامی و پیوسته حرکت کند، موفق می‌شود. / گزینه (۳): خداوند تو را از خاک آفریده؛ پس مانند خاک فروتن باش! / گزینه (۴): انسان فروتن انتخاب‌های هوشمندانه‌ای می‌کند و هر چه پربارتر باشد تواضعش بیشتر است!

**۱۱۵۲- گزینه «۱» ترجمه و مفهوم عبارت:** «بزرگ‌ترین عیب آن است که آن چه در خودت مثل آن هست را عیب جویی کنی!» که با گزینه (۱) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «چرا مرا نصیحت می‌کنی، اول باید خودت را یک نصیحت درست و حسابی بکنی!»

**معنی و مفهوم سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): اگر آینه (منظور دیگران است) عیب تو را با صداقت و درستی بیان کرد، به جای این که آینه را بشکنی و ناراحت شوی، خودت را اصلاح کن! / گزینه (۳): با انسان‌های بد رفت‌وآمد

نکن که درمانده می‌شوی، چون نفس انسان اثرپذیر است! / گزینه (۴): بیا تا از همدیگر عیب‌پوشی کنیم و آبروی یکدیگر را نبریم و غیبت نکنیم!

**۱۱۵۳- گزینه «۲»**

«آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را که مرده است، بخورد؟ پس از آن بدتان می‌آید!» این آیه، ما را از «غیبت کردن» منع می‌کند.

**۱۱۵۴- گزینه «۲» ترجمه:** «دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.»

این عبارت با گزینه (۲) هم‌مفهوم است که می‌گوید: «اگر انسان دانا و خردمند به تو زهر داد بخور و به او اعتماد کن، اما اگر نادان به تو شیرینی داد، قبول نکن!» معنای سایر گزینه‌ها بسیار واضح است و با عبارت مورد نظر فاصله زیادی دارند.

**۱۱۵۵- گزینه «۳»**

گزینه (۱): این پیراهن‌ها چند تومان هستند؟ هفتاد و پنج هزار (تومان) ✓  
گزینه (۲): مبلغ چقدر شد؟ دویست و سی هزار شد. ✓  
گزینه (۳): آیا از این ارزان‌تر هم داری؟ بله سفید و سیاه داریم. ✗  
گزینه (۴): آیا شلوازی بزرگ‌تر از این می‌خواهی؟ بله بزرگ‌تر از این می‌خواهم.

**۱۱۵۶- گزینه «۴»**

در این گزینه آمده است: «قیمت نقره از قیمت طلا ارزان‌تر است.» که براساس واقعیت کاملاً صحیح است.

**ترجمه سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): انسان دورو نزد همکاران محبوب است. (کاملاً برعکس!) / گزینه (۲): داور در مسابقه فوتبال هر گلی را می‌پذیرد. (غلط است، چون گل‌هایی که خطا باشند، مردود می‌شوند.) / گزینه (۳): قیمت لباس‌ها براساس جنس تفاوت ندارد. (کاملاً برعکس!)

**۱۱۵۷- گزینه «۱»**

در این گزینه آمده است: «این پندی سودمند است: کتاب، بدهمنشینی است.» که براساس واقعیت کاملاً برعکس است.

**ترجمه سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): پیامبران فرستاده شدند برای کم کردن عیب‌های انسان. / گزینه (۳): خداوند کسب حرام را حرام کرده است. / گزینه (۴): سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

**۱۱۵۸- گزینه «۳» ترجمه عبارت:** «بهترین کارها، میانه‌ترین در گزینه (۳) دیده می‌شود.

**ترجمه گزینه‌های عربی:** گزینه (۱): برترین ویژگی، مراقبت از زبان است. / گزینه (۲): بهترین یاران کسی است که تو را به نیکی راهنمایی کند.

**۱۱۵۹- گزینه «۱»**

در این گزینه، دو عبارتی که در مقابل هم آمده‌اند به هم مربوط هستند: «این شلوارها چند تومان است؟» ← «شلوارهای زنانه ۹۵ هزار تومان است.»

**ترجمه سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم. ← این قیمت‌ها گران است. / گزینه (۳): قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ ← سفید و سیاه و آبی. / گزینه (۴): مبلغ چقدر شد؟ ← بعد از تخفیف به من بده.

**۱۱۶۰- گزینه «۲»**

در این گزینه، اَفْوَى (قوی‌تر، قوی‌ترین)، اَرَاذِل جمع اَرْدَل (پست‌تر، پست‌ترین)، اَبْعَد (دورتر، دورترین) و اَشْهَر (مشهورتر، مشهورترین) همگی اسم تفضیل هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): اَحْمَر (قرمز) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. اَقْل (کم‌تر)، اَعْلَى (بالتر، بالاترین) و اَضْفَر (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. / گزینه (۳): اَسْوَد (سیاه)، اَبْيَض (سفید) و اَخْضَر (سبز) از رنگ‌ها هستند و اسم تفضیل نیستند. خَيْر اگر به معنی بهتر یا بهترین باشد، اسم تفضیل است. / گزینه (۴): اَكْثَر (بیشتر، بیشترین)، اَصْل (گمراه‌تر، گمراه‌ترین) و اَقْدَم (جلوتر، جلوترین) اسم تفضیل هستند؛ اِنَّا اَضْبَحْ (شد) فعل است.

**۱۱۶۱- گزینه «۲»**

در این گزینه اَثَقَى (باتقواتر، باتقواترین)، اَحَبَّ (محبوب‌تر، محبوب‌ترین) و اَعْلَم (داناتر، داناترین) همگی اسم تفضیل هستند.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): أَبْيَضُ (سياه) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. أَضْفَرُ (کوچک‌تر، کوچک‌ترین) و أَجْوَدُ (بخشنده‌تر، بخشنده‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. / گزینه (۳): أَرْحَمُ (مهربان‌تر، مهربان‌ترین) و أَعْلَى (گران‌تر، گران‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند. أَزْرَقُ (آبی) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست. / گزینه (۴): أَشَدُّ (شدیدتر، شدیدترین) و أَكْبَرُ (بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین) اسم‌های تفضیل هستند، اما أَضْفَرُ (زرد) از رنگ‌هاست و اسم تفضیل نیست.

**۱۱۶۲- گزینه (۱)** در این گزینه، الأفاضل جمع مکسر الأفضل (برتر) و اسم تفضیل است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): الزَّوَار جمع مکسر الزائر (اسم فاعل) - مَشْهَدٌ (اسم مکان) / گزینه (۳): الأَحْمَرُ (قرمز) از رنگ‌هاست. / گزینه (۴): الخَيْرُ در این جا به معنی «نیکی» است و اسم تفضیل نیست. در ضمن گفتیم هر جا که کلمه خیر با «ال» بیاید، قطعاً اسم تفضیل نیست.

**۱۱۶۳- گزینه (۳)** در گزینه (۳) هیچ اسمی بر وزن مَفْعَل، مَفْعِل و مَفْعَلَةٌ وجود ندارد.

در سایر گزینه‌ها اسم‌های مکان عبارت‌اند از: گزینه (۱): مَأْوَا (مأوی) (پناهگاه) / گزینه (۲): مَطْعَمٌ (رستوران) / گزینه (۴): مَرَقَدٌ (حرم)

**۱۱۶۴- گزینه (۱)** در گزینه (۱) أَعْلَمُ (می‌دانم) فعل است، نه اسم تفضیل. (من آن چه را نمی‌دانید، می‌دانم)

در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل‌ها عبارت‌اند از:

گزینه (۲): أَشَدُّ (شدیدتر) / گزینه (۳): أَعْلَمُ (عالم‌ترین) / گزینه (۴): شَرُّ (بدتر)

**۱۱۶۵- گزینه (۳)** «خیر» وقتی معنای «بهتر، بهترین» بدهد اسم تفضیل است. **معنی گزینه:** «پس هر کس ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند.» در این گزینه خَيْرٌ به معنی نیکی است و اسم تفضیل نیست.

**ترجمه سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد. / گزینه (۲): و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا به سوی آنان خارج شوی قطعاً برایشان بهتر بود. / گزینه (۴): بازمانده خدا (سرمایه و سود حلالی که خدا باقی نهد)، برایتان بهتر است، اگر مؤمن باشید.

**۱۱۶۶- گزینه (۲)** **ترجمه گزینه:** «این دانش آموز (دختر) از نظر عقلی از همکلاسی‌هایش در کلاس بزرگ‌تر است.» گفتیم که اگر اسم تفضیل برای مقایسه استفاده شود بر وزن أَفْعَل و اگر به عنوان صفت استفاده شود، بسته به مذکر یا مؤنث بودن موصوف، بر وزن فَعْلَى یا أَفْعَل می‌آید. پس در این گزینه به جای کِبْرَى باید از أَكْبَرُ استفاده شود.

در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل به درستی به کار رفته است: گزینه (۱): أطولُ (طولانی‌ترین) / گزینه (۳): أرخصُ (ارزان‌تر) / گزینه (۴): الكُبْرَى (بزرگ‌تر) / گزینه (۳): در این گزینه أهدى (هدیه کند) فعل است و

**۱۱۶۷- گزینه (۳)** اسم تفضیل نیست. **ترجمه عبارت:** «بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!»

در سایر گزینه‌ها کلمات به درستی معرفی شده‌اند: گزینه (۱): شَرُّ (بدترین): اسم تفضیل / گزینه (۲): مقبرة (آرامگاه): اسم مکان / گزینه (۴): المَحْمِلُ (کجاوه): اسم مکان

**۱۱۶۸- گزینه (۴)** در این گزینه أَحْرُ (گرم‌ترین) برای فعل أَقْدَمُ مفعول است. **ترجمه گزینه:** «در این جشن، گرم‌ترین تبریکات را به مهمانانم تقدیم می‌کنم.»

**نقش اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): أَقَلُّ (کم‌ترین): خبر برای مبتدا (القیام) / گزینه (۲): أثقلُ (سنگین‌ترین): مبتدا (خبرش: الخلق) / گزینه (۳): أَفْضَلُ (بهتر): صفت برای شیئاً

**۱۱۶۹- گزینه (۳)** **ترجمه گزینه:** «دشمنی عاقل از دوستی جاهل بهتر است.» خَيْرٌ در این گزینه خبر است برای مبتدا (عادواً).

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): مَعْلُومٌ (مشخص): اسم مفعول و صفت برای رزقُ / گزینه (۲): أوسطٌ (میانه): اسم تفضیل و مجرور به حرف بی / گزینه (۴): مكارم (مكارم) جمع مكسر مَكْرَمَةٌ (بر وزن مَفْعَلَةٌ است و اسم مکان نیست). مفعول برای فعل أَتَمَّ

**۱۱۷۰- گزینه (۲)** **ترجمه گزینه:** «بهترین فرزندان کسی است که به والدین خود احترام بگذارد.» در این گزینه، أَحْسَنُ اسم تفضیل است.

در سایر گزینه‌ها أحسن فعل است:

گزینه (۱): کسی که کارش را درست انجام دهد در پایان شاد می‌شود. / گزینه (۳): نیکی کن، همان‌گونه که پروردگارت به تو نیکی کرد. / گزینه (۴): جوان نیکی کرد به کسی که به او بدی کرده بود.

**۱۱۷۱- گزینه (۱)** الآخر (آخر، پایان) اسم فاعل است و الآخر (دیگر) اسم تفضیل. در گزینه (۱) الآخرین به معنی آیندگان است و اسم تفضیل نیست: «و برای من در آیندگان یاد نیکو قرار بده.»

**ترجمه سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): تواضع امر زیبایی است که ممکن است در دیگران اثر بگذارد. / گزینه (۳): گاهی از آن چه در دیگران است عیب‌جویی می‌کنیم و خود آن صفات در ما نیز هستند. / گزینه (۴): جاسوسی در کارهای دیگران تلاش زشتی برای کشف اسرار آنان است.

**۱۱۷۲- گزینه (۲)** **ترجمه گزینه:** «چه بسا از آن‌ها بهتر باشند.» در این گزینه خیر اسم تفضیل است، چون به معنای بهتر است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): هیچ خیری در سخنی نیست، مگر همراه عمل. / گزینه (۳): پس شاید از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر بسیاری قرار دهد. / گزینه (۴): کلام خیری که فایده برساند بهتر از کتابی است که هیچ فایده‌ای ندارد.

**۱۱۷۳- گزینه (۴)** **ترجمه گزینه:** «زدیدک‌ترین بندگان به خداوند در روز قیامت، بیشترین آن‌ها از نظر رحمت و کم‌ترین آن‌ها از نظر خشم است.» در این گزینه سه اسم تفضیل وجود دارد.

در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل‌ها به شرح زیرند: گزینه (۱): أَحْسَنُ (بهتر) ← أَشْلَمُ در این جا فعل است. (تسلیم کرد) / گزینه (۲): خَيْرٌ (بهترین) - أَوْسَطُ (میانه‌ترین) / گزینه (۳): أَعْظَمُ (بزرگ‌ترین) - أَشَدُّ (شدیدترین)

**۱۱۷۴- گزینه (۲)** **ترجمه گزینه:** «ممکن نیست که نعمت‌های خداوند بر ما شمرده شوند.» نَعَدُّ فعل مجهول است و «أَنْعَمُ» نایب فاعل آن است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): أَحْسَنُ (نیکوتر): مبتدای مؤخر و فی النساء: خبر مقدم از نوع جار و مجرور / گزینه (۳): أَعْجَزُ (عاجزترین): مبتدا و مَن: خبر / گزینه (۴): الأمانة (امانت): مفعول به برای فعل لا يَعْتَقِدُ

**۱۱۷۵- گزینه (۱)** **ترجمه گزینه:** «بیشتر ورزشگاه‌های پیشرفته مجهز به چراغ‌هایی شبانه هستند.» در این گزینه اکثر (بیشتر) اسم تفضیل و الملاعب جمع مکسر مَلْعَب (ورزشگاه) اسم مکان می‌باشد.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۲): مَصْنَعٌ جمع مکسر مَصْنَعٌ (کارگاه) اسم مکان است و اسم تفضیل ندارد. / گزینه (۳): أَحَقُّ (سزاوارتر) اسم تفضیل است و اسم مکان ندارد. / گزینه (۴): در این گزینه، اسم مکان وجود ندارد، ولی اسم تفضیل وجود دارد. (أَعْلَى)

**۱۱۷۶- گزینه (۴)** در این گزینه آخِرُ (دیگر) اسم تفضیل است و صفت برای سَبَبٌ (سَبَبٌ آخِرٌ: دلیلی دیگر).

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): خَيْرٌ (بهترین): خبر برای أَتَتْ / گزینه (۲): خَيْرٌ (بهتر): خبر برای لَيْلَةُ الْقَدْرِ / گزینه (۳): شَرُّ (بدتر): خبر برای هُوَ (در فَهْو)

**۱۱۷۷- گزینه «۳» ترجمه گزینه: «فاطمه از نظر سن از دوستش**

بزرگ تر است.» یا توجه به این که اسم تفضیل برای مقایسه (در جنس مؤنث) به کار رفته است، باید از وزن **أفعل** یعنی کلمه **أكبر** استفاده می‌شد. فقط زمانی از اسم تفضیل بر وزن **فعلی** برای مؤنث استفاده می‌کنیم که، صفت باشد.

**۱۱۷۸- گزینه «۴» ترجمه گزینه: «و خداوند بهترین نگه‌دارنده**

است و او مهربان‌ترین مهربانان است.» در این گزینه **خیر** اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها، **خیر** به معنای «خیر و خوبی» به کار رفته است:

گزینه (۱): **خوبی** تو از دوستانت بیشتر است! / گزینه (۲): برایتان در همه اوقات **خیر** می‌خواهم! / گزینه (۳): در سخن پدرم غیر از **خوبی** ندیدم!

**۱۱۷۹- گزینه «۳» مُحَرَّم (حرام‌شده) بر وزن مُفَعَّل و اسم مفعول**

است. **مَطَاعِم** (رستوران‌ها) جمع **مکسر مَطْعَم** و اسم مکان است. **خَلَاق** (بسیار خلق‌کننده) اسم مبالغه و بر وزن **فَعَال** است و **حُسْنَى** (نیکوتر) اسم تفضیل مؤنث و بر وزن **فَعْلَى** است؛ بنابراین گزینه (۳) صحیح است.

**۱۱۸۰- گزینه «۳» ترجمه گزینه: «به خدا پناه می‌برم از شر کسی**

که مرا به گناهان دعوت می‌کند.»

در این گزینه، **شر** به معنای «شر و بدی» است و اسم تفضیل نیست.

در سایر گزینه‌ها کلمات زیر اسم تفضیل هستند: گزینه (۱): **الأراذل** جمع **أرذل** (پست‌تر)، **الأفاضل** جمع **الأفضل** (برتر) / گزینه (۲): **شر** (بدترین) / گزینه (۴): **أغنى** (بی‌نیازترین)

**۱۱۸۱- گزینه «۳» در این عبارت، فعل ثلاثی مجزء نداریم! اهدی از**

باب **إفعال** است.

در ضمن در این عبارت: **إخوان** جمع **مکسر أخ** (برادر) و **عیوب** جمع **مکسر عیب** (نقص) هستند. هم‌چنین **خیر** (بهترین) اسم تفضیل و **إلی** در **إلیکم** (به شما) حرف **جز** می‌باشد.

**ترجمه عبارت:** «بهترین برادران شما کسی است که عیب‌های شما را به شما هدیه دهد.»

**۱۱۸۲- گزینه «۴» در این آیه هیچ اسمی که بر وزن فاعل یا «م...»**

باشد نداریم؛ پس هیچ اسم فاعلی هم نداریم.

**ترجمه آیه:** «با آن‌ها به روشی که بهتر است گفت‌وگو کن. همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شده است دانانتر است.»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **جادل + توهّم** (با آن‌ها گفتگو کن) فعل متعدی + مفعول / گزینه (۲): **أحسن** (بهتر): اسم تفضیل / گزینه (۳): **صَلَّ** (گمراه شد): فعل ماضی

**۱۱۸۳- گزینه «۴» در گزینه (۴) تَوَاب (بسیار توبه‌کننده) و اسم**

مبالغه است: «خداوند بسیار توبه‌کنندگان و پاک‌کنندگان را دوست می‌دارد.»

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **الظواهر**: جمع **مکسر الظاهرة** و اسم فاعل / گزینه (۲): **آیام** (روزها): جمع **مکسر یوم** - **الدّراسة** (درس خواندن): مصدر است و مشتق نیست! / گزینه (۳): **الکفار** (کافران) جمع **مکسر الکافر** (اسم فاعل) - **نائم** (خوابیده) و اسم فاعل

**۱۱۸۴- گزینه «۴» در گزینه (۴) أَجْمَل با «مین» آمده و به معنای**

«زیباتر» است: «روستا از شهر بسیار زیباتر است.» ولی در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل را با پسوند «ترین» ترجمه می‌کنیم:

گزینه (۱): درخت سکویا از بلندترین درختان جهان است.  
گزینه (۲): شما بهترین امتی هستید که برای مردم خارج شده‌اید.  
گزینه (۳): مفیدترین داروها را برای این بیماری شناختم.

**۱۱۸۵- گزینه «۳» در این عبارت، اسم مفعول مزید و فعل مجهول**

نداریم:

**مُصَبِّع** (از بین برنده): اسم فاعل مزید **المَحْكَمَة** (دادگاه): اسم مکان **القاضي** (قاضی): اسم فاعل مجزء **أكثر** (بیشتر): اسم تفضیل

**۱۱۸۶- گزینه «۴» در گزینه (۴) از اسم تفضیل مؤنث برای مقایسه**

استفاده شده که غلط است و باید به صورت «أصغر» آورده شود. در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل به شکل درست به کار رفته است.

**۱۱۸۷- گزینه «۱» در گزینه (۱) اسم مکان وجود ندارد. مفتاح**

(کلید) اسم بر وزن **مِفْعَال** است و ربطی به وزن‌های اسم مکان ندارد. در سایر گزینه‌ها، اسم‌های مکان به صورت زیرند:

گزینه (۲): **مَتَجَر** (مغازه) / گزینه (۳): **المکتبة** (کتابخانه) / گزینه (۴): **المصانع** جمع **مکسر المصنع** (کارخانه)

**۱۱۸۸- گزینه «۴» در گزینه (۴) هذا مبتدا است و خبر آن شارع**

است؛ **أطول** نیز صفت «شارع» است. به ترجمه دقت کنید: «این خیابان، خیابانی بلندتر از آن خیابان است.»

**نقش اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **أنتفع** (مفیدترین): خبر برای هذه / گزینه (۲): **أقوى** (قوی‌ترین): خبر برای أنت / گزینه (۳): **خیر** (بهترین): خبر برای شهداؤنا

**۱۱۸۹- گزینه «۲» در گزینه (۲) الفرض مفعول برای فعل یغتنم**

است: «انسان باید فرصت‌ها را در زندگی‌اش مغتنم بشمارد.»

در سایر گزینه‌ها نقش کلمات درست است.

**۱۱۹۰- گزینه «۳» در گزینه (۳) العالی (والا) اسم فاعل و أكثر**

(بیشتر) اسم تفضیل است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **أكثر** (بیشتر): اسم تفضیل؛ اسم فاعل نداریم! / گزینه (۲): **غافل و المهمم**: اسم فاعل و اسم تفضیل نداریم و **أحسن** (نیکی کن) فعل امر است! / گزینه (۴): **قاطع** (قطع‌کننده) اسم فاعل است و اسم تفضیل نداریم.

**۱۱۹۱- گزینه «۴» در گزینه (۴) اسم مفعول نداریم: مشاوره: مصدر،**

**المُشْفِق:** اسم فاعل و **الجاهل:** اسم فاعل است.

**بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **أمازة** (بسیار امرکننده): اسم مبالغه / گزینه (۲): **الوالة** جمع والی (بر وزن فاعی): اسم فاعل / گزینه (۳): **المُتَعَب** (ورزشگاه): اسم مکان

**۱۱۹۲- گزینه «۲» در گزینه (۲) خیر به معنی «خیر و نیکی» است؛**

پس اسم تفضیل نیست:

**ترجمه عبارت:** «توکل کردن ما به خداوند در همه کارها برایمان **خیر** و سعادت را جلب می‌کند.» در سایر گزینه‌ها **خیر** اسم تفضیل است:

گزینه (۱): «مؤمن قوی نزد خداوند از مؤمن ضعیف **بهتر** است.»  
گزینه (۳): «کسی که به ما درس می‌داد، ما را به **بهترین** راه راهنمایی کرد.»  
گزینه (۴): «شاید از چیزی بدتان بیاید، در حالی که آن برای شما **بهتر** است.»

**۱۱۹۳- گزینه «۲» در این گزینه، أحسن (نیکی کن) فعل امر است**

و اسم تفضیل نیست: «به والدین به طور همیشگی نیکی کن!»

**اسم‌های تفضیل در سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **الغلبا** اسم تفضیل مؤنث است: «سخن خداست که برتر است!» / گزینه (۳): **خیر:** «بلبل در بین سایر پرندگان، بهترین صداها را دارد.» / گزینه (۴): **شُر:** «**بدترین** دوستان کسی است که در کارها نادان است.»

**۱۱۹۴- گزینه «۴» در این گزینه اسم مکان وجود ندارد. در ضمن**

**المعاصي** جمع **المعصية** (مصدر) است و اسم مکان نیست.

**اسم‌های مکان در سایر گزینه‌ها:** گزینه (۱): **مکان** (مکان، جا) / گزینه (۲): **مَدْحَل** (ورودی) / گزینه (۳): **مطار** (فرودگاه)

**۱۱۹۵- گزینه «۱» در این گزینه نقش کلمات در جمله، خواسته شده**

است. «**أحقّ**» اگرچه اسم تفضیل است، اما از نظر نقش خبر برای «أنا» است. در سایر گزینه‌ها نقش کلمات به درستی آورده شده است.

۱۱۹۶- گزینۀ «۳»

در این گزینۀ، أَجَلٌ (گران قدرتر) اسم تفضیل است  
**بررسی سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): أَجَبْتُ (دوست دارم): فعل مضارع از باب  
 إفعال / گزینۀ (۲): أَمَنَّا (ایمان آوردیم): فعل / گزینۀ (۴): أَخْرَجَ (خارج  
 کرد): فعل ماضی

۱۱۹۷- گزینۀ «۱»

**خطاهای سایر گزینہ‌ها:**  
 گزینۀ (۲): اسم فاعل نَفَعَ: نافع (بر وزن فاعل) ← ثلاثی مجرد است.  
 گزینۀ (۳): اسم فاعل از باب تفعیل برای علم: مُعَلِّمٌ (عَلَّمَ، يُعَلِّمُ، تعلیم)  
 گزینۀ (۴): اسم تفضیل برای صدق: أَصْدَقُ (بر وزن أفعل)

۱۱۹۸- گزینۀ «۲»

اسم‌های مشتق عبارت‌اند از: قادر (اسم فاعل) -  
 أَكْثَرُ (اسم تفضیل) بنابراین دو اسم مشتق در آیه وجود دارد.

۱۱۹۹- گزینۀ «۲»

در گزینۀ (۲) اسم مشتق وجود ندارد.  
**اسم‌های مشتق در سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): الأكرم (گرامی تر): اسم  
 تفضیل / گزینۀ (۳): مُخْلِصًا (مُخْلِصٌ): اسم فاعل / گزینۀ (۴): ذائقة  
 (چشنده): اسم فاعل

۱۲۰۰- گزینۀ «۲»

«المجرب» در گزینۀ (۲) اسم مفعول و مشتق است  
 که در این عبارت مفعول فعل «جَرَّبَ» است: «کسی که آزموده را تجربه کند،  
 گرفتار پیشیمانی می‌شود». در سایر گزینہ‌ها اسم‌های مشتق نقش فاعل دارند:

۱۲۰۱- گزینۀ «۲»

گزینۀ (۱): المؤمنون (اسم فاعل). فاعل فعل رأی  
 گزینۀ (۳): الشّعرا جمع الشّاعر (اسم فاعل) فاعل فعل استفاد  
 گزینۀ (۴): الجاهلون (اسم فاعل) فاعل فعل خاطَبَ

۱۲۰۲- گزینۀ «۲»

**ترجمۀ عبارت:** «درخت نفت درختی است که  
 کشاورزان آن را مانند پرچین دور مزرعه‌هایشان برای محافظت از  
 محصول‌هایشان در برابر حیوانات به کار می‌گیرند.»

۱۲۰۳- گزینۀ «۲»

الفزارعونَ فاعل یستخدِمُ - مزارع مضاف‌الیه و محاصیل نیز مضاف‌الیه است.  
 سه اسم مشتق در این عبارت وجود دارد:

۱۲۰۴- گزینۀ «۱»

۱) مکتبۀ (اسم مکان)، ۲) اکبر (اسم تفضیل)، ۳) مکتبۀ (اسم مکان)  
 در این گزینۀ «أعلی» همراه حرف «من» آمده،  
 پس به صورت «بلندمرتبه‌تر» (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود و در سایر  
 گزینہ‌ها اسم تفضیل‌ها به شکل مضاف آمده‌اند، پس به صورت صفت  
 عالی (ترین) ترجمه می‌شوند.

۱۲۰۵- گزینۀ «۲»

ترجمۀ گزینہ‌ها: گزینۀ (۱): کوه دماوند بلندتر از کوه دنا است. / گزینۀ (۲):  
**برترین مردم سودمندترین آنان برای مردم است.** / گزینۀ (۳): سورۀ بقره بزرگ‌ترین  
 سورۀ در قرآن است. / گزینۀ (۴): آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

۱۲۰۶- گزینۀ «۳»

در این گزینۀ اسم تفضیل یا اسم مکان دیده  
 نمی‌شود. دقت کنید که هر دو «أحسن» که در این آیه به کار رفته‌اند فعل  
 هستند. «نیکی کن همان طور که خداوند به تو نیکی کرد.»

۱۲۰۷- گزینۀ «۲»

**بررسی سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): «ملاعب» جمع «ملاعب» اسم مکان است.  
 ← «آفرین، مراقبت از این ورزشگاه‌ها بر هر هم وطنی واجب است.» / گزینۀ  
 (۲): «أحسن» اسم تفضیل است. ← «نیکی و بدی با هم یکسان نیستند، با  
 روشی که نیکوتر است، پاسخ بده.» / گزینۀ (۴): «أحسن» اسم تفضیل است.  
 ← «پدران و مادران دوست دارند که فرزندان خود را در بهترین حال ببینند.»

۱۲۰۸- گزینۀ «۴»

«مَشْهُدٌ» (بر وزن مَفْعَلٌ) ← اسم مکان /  
 «فُضِّلِي» (بر وزن «فُعَلِي») ← اسم تفضیل / «مکتب» (بر وزن مَفْعَلٌ)  
 ← اسم مکان

۱۲۰۹- گزینۀ «۱»

**در سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): «أعلی» (بر وزن «أفعل») ← اسم تفضیل /  
 «مَسْجِدٌ» (بر وزن مَفْعَلٌ) ← اسم مکان / «کذاب» (بر وزن فَعَالٌ)  
 ← اسم مبالغه / گزینۀ (۲): «صُغْرِي» (بر وزن فُعَلِي) ← اسم تفضیل /  
 «مرزوق» (بر وزن مَفْعُولٌ) ← اسم مفعول / «أكبر» (بر وزن «أفعل»)

۱۲۱۰- گزینۀ «۲»

در این گزینۀ اسم تفضیل بوده، ولی اسم مکان و اسم فاعل  
 نیامده است. دقت کنید که «مکارم» یا این که بر وزن «مفاعِل» است، ولی اسم  
 مکان به حساب نمی‌آید چون معنای «مکان» نمی‌دهد. / گزینۀ (۲): «مُشْتاقٌ»  
 و «الصالحه» اسم فاعل هستند، ولی اسم مکان و اسم تفضیل نداریم. /  
 گزینۀ (۴): «مزارع» (جمع «مزرعة») اسم مکان و «مُفیده» و «خواض» (جمع  
 «خاصة») هر دو اسم فاعل هستند، ولی اسم تفضیل وجود ندارد.

۱۲۱۱- گزینۀ «۲»

اگر به معنای این عبارت به خوبی دقت کنید «أحَبُّ»  
 یک فعل ماضی است: «برادرم در زمان کودکی اش، فوتبال را دوست داشت.»  
**بررسی سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): بلندترین کوه در ایران، دماوند است.  
 ← «أعلی» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۳): کم‌ترین مردم از نظر رتبه  
 در آخرت گناهکاران هستند. ← «أقلُّ» اسم تفضیل است. / گزینۀ (۴):  
 «کبری» بر وزن «فُعَلِي» اسم تفضیل است.

۱۲۱۲- گزینۀ «۳»

در این گزینۀ کلمۀ «أقدر» همراه «من» آمده و  
 معنای «تواناتر» می‌دهد، پس اسم تفضیل است: «من از تو در ورزش تواناترم.»  
**بررسی سایر گزینہ‌ها:** گزینۀ (۱): من آن چه را که می‌خواهی می‌دانم. ←  
 ترجمۀ عبارت نشان می‌دهد که «أعلمُ» فعل مضارع است. / گزینۀ (۲): دانش آموز  
 معلم‌ها را گرامی داشت. ← «أكرم» فعل ماضی است. / گزینۀ (۳): ارزش  
 انسان به چیزی است که آن را درست انجام دهد. ← «أحْسَنُ» فعل است.  
 «الخیر» اولاً «ال» دارد و ثانیاً معنای «بهتر» یا  
 «بهترین» نمی‌دهد، پس اسم تفضیل نیست: «خیر در آن چیزی است که  
 برای ما رخ داده است.»  
 اما در گزینہ‌های دیگر کلمۀ «خیر» معنای «بهترین» می‌دهد و اسم تفضیل  
 است: گزینۀ (۱): بهترین شما از نظر عاقبت، نیکوترین شما در اخلاق است. /  
 گزینۀ (۲): این برترین کارها از نظر پاداش نزد خداوند است. / گزینۀ (۴):  
 بهترین چیزی که پروردگارمان به ما بخشیده همان سلامتی است.



۱۲۱۳- گزینۀ «۳»

وقتی بخواهیم دو نفر مؤنث را با هم مقایسه کنیم باید از وزن «أفعل» استفاده کنیم نه «فعلی»، پس گزینۀ (۳) غلط است و باید به صورت «صدیقتی أصغر من أختی ستاً» باشد.

تذکره

در گزینۀ (۴) «الفضلی» اسم تفضیلی است که به عنوان صفت یک اسم مؤنث به کار رفته برای همین بر وزن «فعلی» آمده است.

۱۲۱۴- گزینۀ «۴»

در این گزینۀ «خیر» معنای «خوبی» می‌دهد و اسم تفضیل نیست، ولی در گزینۀ‌های دیگر معنای «بهتر» یا «بهترین» می‌دهد و اسم تفضیل است.

**ترجمۀ گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۱): شب قدر بهتر از هزار ماه است. / گزینۀ (۲): پدر بزرگ عزیزم من را به بهترین کارها که نماز است، سفارش کرد. / گزینۀ (۳): پاک و منزهی تو ای پروردگار، نام تو بهترین نام و یاد تو درمان است. / گزینۀ (۴): هیچ خیری در خواندن قرآن نیست وقتی که اندیشیدن در آن نیست!

۱۲۱۵- گزینۀ «۳»

در این گزینۀ «مجلس» اسم مکان است، ولی اسم مفعول در آن وجود ندارد. دقت کنید که «متعلمون» به معنای «یادگیرندگان» اسم فاعل است نه مفعول.

**بررسی سایر گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۱): «مزارع» جمع «مزرعة»: اسم مکان / «محاصيل» جمع «محصول»: اسم مفعول / گزینۀ (۲): «مطابع» جمع «مطبعة»: اسم مکان - «مضامین» جمع «مضمون»: اسم مفعول / گزینۀ (۴): «محرّم» اسم مفعول / «مساجد» جمع «مسجد»: اسم مکان

۱۲۱۶- گزینۀ «۲»

در این گزینۀ دو اسم تفضیل وجود دارد: «أرذل» جمع «أرذل» و «أفاضل» جمع «أفضل» که هر دو در نقش فاعل هستند: «هرگاه فرومایگان حاکم شوند، شایستگان هلاک می‌شوند.»

در سایر گزینۀ‌ها اسم تفضیل‌ها در نقش خبر ظاهر شده‌اند: گزینۀ (۱): با آنان با روشی که نیکوتر است گفت‌وگو کن. ← «أحسن» خبر است. / گزینۀ (۳): ساعتی اندیشیدن از عبادت هفتاد سال برتر است. ← «خیر» خبر است. / گزینۀ (۴): هر کس که شهوتش بر عقل او پیروز شود، از چهارپایان بدتر است. ← «شتر» خبر است.

۱۲۱۷- گزینۀ «۳»

«أعلم: می‌دانم» در این عبارت فعل مضارع است نه اسم تفضیل.

معنای عبارت: «می‌دانم که هر کس علم مردم را با علم خود گرد آورد، بسیار دانا است.»

در گزینۀ‌های دیگر به ترتیب «أنقی، أنجح و أحسن» اسم تفضیل هستند.

۱۲۱۸- گزینۀ «۲»

«أحبّ» در این عبارت، فعل مضارع و به معنای «دوست دارم» است و نباید آن را اسم تفضیل بگیری: «معلم‌هایی را دوست دارم که با کارهای خود به مردم سود می‌رسانند.» **اسم‌های تفضیل موجود در بقیۀ عبارات:** گزینۀ (۱): «أفاضل (جمع «أفضل»): گزینۀ (۳): «أفضل» / گزینۀ (۴): «أحبّ»

۱۲۱۹- گزینۀ «۱»

«الخير» در این گزینۀ هم «ال» دارد و هم معنای تفضیلی ندارد، پس اسم تفضیل نیست: «خیر در چیزی است که اتفاق افتاده»، اما در سایر گزینۀ‌ها «خیر» معنای «بهترین» دارد و اسم تفضیل است.

گزینۀ (۲): «بهترین مردم کسی است که خود را برای نیکی اجبار کند. (دقت کنید که در این عبارت دو کلمۀ «خیر» دیده می‌شود که اولی اسم تفضیل بوده و دومی اسم تفضیل نیست، اما چون در گزینۀ (۱) اسم تفضیل «خیر» اصلاً وجود ندارد، نمی‌توانیم این گزینۀ را پاسخ صحیح بدانیم.)

گزینۀ (۳): «بهترین کارها، میانه‌ترین آن‌ها است.»

گزینۀ (۴): «دوست دارم که در زندگی به بهترین کارها اقدام کنم.»

۱۲۲۰- گزینۀ «۳»

طبق قاعده، برای مقایسۀ مؤنث‌ها نیز از اسم‌های تفضیل بر وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم نه «فعلی»، پس در این عبارت به جای «فضلی» باید از «أفضل» استفاده شود. دقت کنید که «الأعمال» جمع غیر عاقل بوده و مفرد مؤنث فرض می‌شود.

**نکته** اگر بخواهیم اسم تفضیل را به عنوان صفت برای یک اسم مؤنث به کار ببریم، باید از وزن «فعلی» استفاده کنیم؛ مانند «الحديقة الصغرى» و «الحديقة الكبرى» در گزینۀ (۱)؛ اما در همین گزینۀ هم وقتی می‌خواهیم این دو کلمۀ مؤنث را با هم مقایسه کنیم، از «أحسن» (بر وزن «أفعل») استفاده می‌کنیم.

۱۲۲۱- گزینۀ «۴»

هرگاه بخواهیم دو چیز یا دو نفر را با هم مقایسه کنیم باید از اسم تفضیل بر وزن «أفعل» استفاده کنیم نه «فعلی»! (حتی اگر طرفین مقایسه مؤنث باشند).

بنابراین در گزینۀ (۴)، «صغرى من» نادرست است و باید به صورت «أصغر من» باشد!

۱۲۲۲- گزینۀ «۲»

کلمۀ «مساكن: خانه‌ها» جمع مکتسر «مسكن» و در نتیجه اسم مکان است.

نکته

کلمه‌ای که بر وزن «مفاعل» است در صورتی اسم مکان محسوب می‌شود که اولاً مفردش بر وزن‌های اسم مکان باشد و ثانیاً در معنا بر مکان دلالت کند. در گزینۀ‌های (۳) و (۴) این سؤال، «مفاجر» جمع مکتسر «مفخرة: مایۀ افتخار» و «مصلح» جمع مکتسر «مصلحة: صلاح» می‌باشند که هیچ‌کدام اسم مکان نیستند.

۱۲۲۳- گزینۀ «۴»

کلمۀ «الحسنی: برتر» بر وزن فعلی است و اسم تفضیل می‌باشد.

دقت کنید که در سایر گزینۀ‌ها «أعلم: می‌دانم» و «أكرم: گرامی داشت» فعل هستند.

۱۲۲۴- گزینۀ «۴»

**خطاهای سایر گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۱): مجرور بحرف الجرّ «بعد» جزء حروف جرّ نیست، پس «الإيمان» هم مجرور به حرف جرّ نیست. / گزینۀ (۲): للمخاطب (این فعل از صیغۀ «للتائب» مفرد مذکر غایب) است. به خاطر داشته باشید که هر فعل مضارعی که با «ب» شروع می‌شود حتماً غایب است نه مخاطب. / گزینۀ (۳): مضاف إليه (نقش این کلمه مفعول است).

۱۲۲۵- گزینۀ «۲»

**خطاهای سایر گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۱): من مصدر «إتمام» «اتّمم» در صیغۀ «تفعّل» است، بنابراین از باب «تفعیل» است، در حالی که «إتمام» از باب «إفعال» است. / گزینۀ (۳): لیس له حرف زائد «يُحِبُّ» بر وزن «يُفَعِّلُ» و از باب «إفعال» است، بنابراین یک حرف زائد دارد. - مفعوله «أحد» «أحد» فاعل است نه مفعول! دقت کنید که علاوه بر ترجمه از حرکت‌گذاری «أحد» می‌توانیم بفهمیم که این کلمه نمی‌تواند مفعول باشد، چرا که مفعول هیچ‌گاه مرفوع نیست و این یعنی آخرش صمّه نمی‌گیرد. / گزینۀ (۴): مصدر ثلاثی مجرد (این کلمه مصدری بر وزن «تفاعل» است، بنابراین ثلاثی مزید است).

۱۲۲۶- گزینۀ «۲»

**خطاهای سایر گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۱): فاعله «نا» (ضمیر «نا» فقط در صیغۀ للمتکلم مع الغير ماضی نقش فاعل را دارد و در سایر فعل‌ها مفعول است. فاعل این فعل «الآية» می‌باشد. / گزینۀ (۳): «لا» حرف لنفی المضارع (با توجه به معنای جمله و حذف شدن «ن» از آخر فعل، «لا» از نوع نهی است نه نفی). - مزید ثلاثی بزیاده حرف «ت» (این فعل ثلاثی مجرّد است، بنابراین حرف زائد ندارد). / گزینۀ (۴): من مصدر «تأخیر» (به خاطر داشته باشید که اسم‌های تفضیلی که بر وزن‌های «أفعل» و «فعلی» هستند از فعل‌های ثلاثی مجرّد ساخته شده‌اند، بنابراین نمی‌توانند از مصدر «تأخیر» که از باب «تفعیل» است، ساخته شده باشند).

۱۲۲۷- گزینۀ «۱»

**خطاهای سایر گزینۀ‌ها:** گزینۀ (۲): مفرد: کبیر (مفرد آن «کبيرة» است. دقت کنید که جمع مکتسر «کبیر» کلمۀ «کبار» است.) /

گزینۀ (۳): مفرده: ذَنْبٌ (ذَنْبٌ: گناه) مفرد این کلمه است و جمع مکسر «ذَنْبٌ ذَمٌّ» کلمۀ «أَذْنَابٌ» است. / گزینۀ (۴): مفرد (این کلمه جمع مکسر «خُلُقٌ» می‌باشد و مفرد نیست).

**۱۲۲۸- گزینۀ «۳»** **خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): اسم مفعول («مُحَاوَلَةٌ: تلاش» مصدر باب مفاعلة است نه اسم مفعول). / گزینۀ (۲): اسم التفصیل من مصدر «هدایة» و خبر (با توجه به ترجمۀ عبارت «أهدی: هدیه کرد») فعل است نه اسم و چون بعد از موصول «مَنْ» آمده نمی‌تواند خبر باشد! / گزینۀ (۴): اسم مکان (با این‌که «الْبَيْتُ» در معنا بر مکان دلالت می‌کند، اما چون بر وزن‌های اسم مکان (مَفْعَلٌ - مَفْعِلٌ - مَفْعَلَةٌ) نیست، اسم مکان به شمار نمی‌آید). - مضاف الیه (هیچ وقت بعد از اسم اشاره، مضاف‌الیه نمی‌آید).

**۱۲۲۹- گزینۀ «۳»** **خطای این گزینه:** الْآيَاتِينَ (این اسم مثنی است، پس باید حرف نون کسره داشته باشد: الْآيَاتِينَ) - الْآخِرِينَ (این کلمه در این عبارت به معنای «دیگران» بوده، پس «الْآخِرِينَ» صحیح است).

**۱۲۳۰- گزینۀ «۳»** **خطای این گزینه:** اجْتَنِبُوا (با توجه به معنای عبارت، این فعل باید امر و مخاطب باشد، بنابراین «اجْتَنِبُوا» صحیح است، چراکه امر باب «افتعال» بر وزن «افْتَعِلْ» می‌باشد).

**۱۲۳۱- گزینۀ «۲»** **خطای این گزینه:** مُحَاوَلَةٌ (این کلمه مصدر باب «مُفَاعَلَةٌ» است و باید به شکل «مُحَاوَلَةٌ» نوشته شود).

**۱۲۳۲- گزینۀ «۲»** **خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): الْآخِرِينَ (با توجه به معنای عبارت، «الْآخِرِينَ: دیگران» صحیح است). / گزینۀ (۳): الْأُولَى (این عدد مؤنث «أُولٌ» است و باید بر وزن «فُعْلَى» باشد، بنابراین «الْأُولَى» صحیح است). / گزینۀ (۴): تِسْعِينَ (اعداد مضرب ۱۰ (۲۰ تا ۹۰) مانند جمع‌های مذکر سالم همواره به «نَ» ختم می‌شوند و هیچ‌گاه تنوین نمی‌گیرند، بنابراین «تِسْعِينَ» صحیح است).

**۱۲۳۳- گزینۀ «۴»** **خطاهای سایر گزینه‌ها:** گزینۀ (۱): مِّنْ (با توجه به معنای جمله و همچنین این‌که بعد از این کلمه فعل به کار رفته است نمی‌تواند حرف جرّ «مِنْ: از» باشد بنابراین «مَنْ: کسی که» صحیح است). / گزینۀ (۲): أَخْوَانٌ (این کلمه مثنی بوده و معنای «دو برادر» می‌دهد در حالی که طبق مفهوم این عبارت، باید «إِخْوَانٌ» که جمع مکسر است، به کار برود). / گزینۀ (۳): جَادِلٌ (با توجه به معنای جمله و همچنین علامت سکون در انتهای فعل می‌فهمیم که این فعل امر است و باید به شکل «جَادِلٌ» بر وزن «فَاعِلٌ» که از باب مفاعلة است، نوشته شود).